

آن مرغ توفان، ما کیان شد وقت توفان
کی موج؟ خاشاک است گرد ریاگریزد

جبهه ملی ایران

خبرنامه

استقرار حاکمیت ملی

دفتر جبهه ملی ایران است

شماره (۵۶) چهارشنبه سیزدهم
دیماه ۱۳۵۷

پیام سوم صفر حضرت آیت الله العظمی خمینی

حضرت آیت الله العظمی خمینی در پیامی که روز دوازدهم دیماه بمناسبت "کشتار جمعی" مردم سراسر ایران بویژه شهرهای مشهد و قزوین و کرمانشاه داده اند مردم ایران را به پیروزی نهایی نوید داده و در بخشی از آن چنین فرموده اند: "بر کارگران و کارمندان محترم و مبارزان برق و تلفن است که پیوند خود را با هموطنان شجاع و بی پناه خود مستحکم تر نمود و به هیچ وجه دستورات ولت یاغی را در مورد قطع آب و برق و تلفن اطاعت نکنند و با همکاری بی دریغ به برادران و خواهران مظلوم خود درین خود را به اسلام و مسلمین ادا نمایند". در این پیام علاوه بر طرح مسأله "اعزام هیأتی از سوی اینان برای حل مشکل نفت از" علمای اسلام و خطبای محترم خواسته اند تا "به کشتاورزان عزیز کشور تذکره دهند که امسال در رکشت مواد غذایی خصوصاً گندم هم تفراتوان کنند". همچنین از کسب سببه و تجارت و اعنای محترم خواسته اند که قیمت مواد غذایی و اجناس خود را بالا نبرند و مردم مظلومی که در حال مبارزه اند اجحاف ننمایند که اجحاف در همه حال مردود است، در این موقع حساس این عمل برفع دستگاه ظلم و مخالف رضای خداوند تبارک و تعالی است".

کنگره اعضای جبهه ملی ایران

روز دوشنبه یازدهم دیماه، کنگره هواداران جبهه ملی ایران در رویر جینیای آمریکا آغاز به کار کرد. نخست پیام دبیرکل هیات اجرایی جبهه ملی ایران به همزمان هوادارو اعضای جبهه ملی ایران در آمریکا خوانده شد. در این لحظات حساس و پرشکوه تاریخ ایران جبهه ملی به شما ایرانیان شرافتمندی که همگام و همصدایا مردم میباخاسته میهنقتان به مبارزه بانانگام استبدادی فاسد و ایسته به سیاست های خارجی برخاسته اید درود میفرستد. مبارزات برحق ایرانیان شرافتمند مقیم خارج کشور در خلال سالهای اختناق ارجی شایسته درافتسا ما هیئتوزیرها ایران در افکار عمومی جهانی و در

بقیه در صفحه ۲

انقلاب شکل می گیرد

نهضت خروشنده ملت در یکسال گذشته چون بهمنی از قهر و سازندگی، روز به روز وساعت به ساعت عظمت بیشتری پیدا میکند. "ثبات و آرامش" نظام حاکم با همه تاریکی و اختناق در صغیر گلوله ها از هم پاشیده شده است، هر چند کوهساران میهن و همه دشمنهای گسترده را خونین ساخت اما در روشنی خود توفان در حال حرکت را بخود و بعظمت خود آشنا تر کرد است. خود آگاهی انقلاب و پیش روندگی آن در یکسال گذشته آن توان را بدست آورد تا رهبران و پیشگامان مبارزه رهائی بخش را هدایت کند و براه خود آورد و از خود سازد و در همه جا از آموزشها و آزمونها و پیاپی بهای آنان نیز برخوردار گردد. نهضت قاطع و بی گرو و شناسا گرایان که بر استی گسترده گی آن به پهنه همه ایران زمین است دشمن را بدیوانگی و جنون کشاند و بگونه اهریمن در حال سقوطه با مردم ما بین سرزمین بحال جنگ درآمده است. جنگ واقعی، جنگی که از مرز زندان و شکنجه و قتل و جرح و سرب و حتی "کشتارهای جمعی" مبارزان فراتر رفته و همانسان که زعمیم هالینقدر اسلام حضرت آیت الله العظمی خمینی پیش بینی کرده بودند، به مرحله نابودی کامل ایران، ویران سازی همه شهرها و روستاها و قتل عام همه مردم، از زنان و مردان و کودکان و بیماران انجامیده است در زمان ما و در روزگار ما که امین ارتش اشغالگر را می توان شناخت که این چنین جنایت و خونریزی و تخریب ببار آورد میباشد؟ اما در سوید یگر مردم، بی سلاح و بامشت های گره کرده، با ایمان و با اعتقاد جازم، بی هراس و بی درنگ پیش می تازند. شگفت نبودن برابر، شگفت انقلابی انسانی که در هیچ جامعه و در هیچ تاریخ نظیرش را نمی توان یافت.

ملت مبارز ما با قهر انقلابی، با تلاش بی گریز و با زیافتن هویت ملی و اسلامی خود، توانست مبارزه بنیاد منسد یکصد ساله خود را با دایتوشکوفائی از داخل "سیستم" بیرون آورد و بجای هر نسوع، بقینه در صفحه ۲

ما استبداد را سرنگون خواهیم کرد

بقیه انقلاب . . .

سازش و فریفتن یا فریفته شدن ، مبارزه را به خارج می‌رساند .
آورد و خود " نظام حاکم " را مورد سوال قرار دهد ؛ و نابودی
آنها خواستار گردد . ملت مبارز ما که به این " خود آگاهی
تاریخی " رسید و امید اند که چه چیز را نمیخواهد ، باید در
آنچه را که میخواهد به بررسی و پژوهش بنشیند و از این راه
یگانگی آرمانی خود را مستحکم تر سازد .

ملت ما باید هر چه زود تر آرمان نگرایانند و سازمانهای شکل یا
انقلابی ، سنگرهای مبارزاتی خود را با زیبایی کنند و همه
آنها که یک اند پیش هستند بتوانند یک کردار هم باشنند چه
اندیشه‌های والا ، هر چند هم قاطع و منطقی باشند اگر
در رابطه با مردم مقرر نگیرند و سازمان نیابند ، بصورت پراکنده
کاری انجام دهند داد .

ملت آرمان نگرا و سازمان یافته‌ما ، باید در این شرایط حاسم
و تاریخی تزکیه و اخلاق را نیز در خود سازمان دهد و وضعی
پیش آورند که همگان ، همگان را تجسم آیند ، روشن و
اید آلی خود بدانند . داشتن آرمان و سازمان و اخلاق
است که توان انقلابی را وضع میدهد و هر نوع انحراف
و سازش را محکوم میسازد و به جای شخصیت پرستی و
بیماریهای ناشی از آن ، ملت را در صحنه " داوریه " ها
می‌نشانند . تهلور انقلاب با ایران برغم همه " ناملایمت ها
بدین سوی در حرکت است و بدین شیوه شکل میگیرد .

روند همین مبارزه است که ملت ما را با استقلال و آزادی خواهد
رساند و پیروزی بزرگ را فراهم خواهد ساخت . پیروزی
خونین و ضمانت یافته با خون که طلوع بزرگش نمایان است .

بقیه کنگره . . .

شناساندن جهات مختلف مبارزات مردم داشته است
در این شرائط و اوضاع و احوال سرنوشت ساز که مبارزات
قاطع ، یکپارچه و متحد مردم هر روز گامهای جدیدی در
راه ریشه کن کردن بساط استبداد و خود کاهگی بر میدارد
مبارزات توسعه و متحد شما میتواند دارای تاثیرات عمده‌ای
در ایجاد امکانات برای پیروزی مردم باشد . جنبه ملی
ایران امید و اراست با تشکل و فعالیت روز افزون در صفوف
آن بتوانید انهد " دینی که به ملت خود دارید بر آید و
علائی نبود حق طلبی مردم رنج د " ایران را در سراسر
جهان پرطنین سازید .

سهس و ایستگان کنگره که پنجاه تن مبارزان عضو جنبه ملی
ایران در آمریکا بودند به بررسی مسائل گوناگون پرداختند
روز سه شنبه و از دهم به پانزدهم پس از نتیجه گیری های لازم و
تصویب پیامی برای شورای جنبه ملی ایران اعضای کنگره به

انتخاب هیات اجرایی جنبه ملی ایران در آمریکا
پرداخت و آقایان دکتر حسن بوشهری ، دکتر بهمن شعله‌ور
سعید فرید ، دکتر محمود قیصری و دکتر محمدانی برگزیده
شدند .
خبرنامه : به استا بیش نقش بزرگ کوشندگان جنبه ملی در
بیرون از مرزهای میهن ، آرزوی بازگشت پیروزمندانه همه
آنها را به خاک وطن داریم .

تکیه پیر شبانه

هر شا مگه پنجشنبه ، آنگاه که همبستگی در خاموشی
به اوج میرسد ، بانگ " الله اکبر " از بلندترین بهام
خانه‌ها نوید صبح آزادی است و ستاره باران ایمان ،
جویبار روان صداقت است در نهضت و بهمان
وفاداری است برای هفته‌ای که در راه است .

بسیارند همراهانی که به ابدیت پیوسته اند و دیگر
صدای دلنوازشان ما را یاری نصیب دهد و ما جای خالی
آن دوران را با آهنگ صدای خود پر خواهیم کرد و
راهشان را تا پای مرگ ادامه خواهیم داد و از غم‌تر
حای قلب پر امید خود فریاد می‌کشیم :

الله اکبر ، الله اکبر

گزارشی تکان دهنده از ایزده

گروهی از دانشجویان دانشگاه تهران به یاری هموطنان
زلزله زد ، خود راهی ایزده ، صد و پنجاه کیلومتری اهواز
شدند و در آنجا با صحنه‌هایی روبرو گردیدند که شاید
پیش از آن هرگز در ذهن خود نیز باورند داشتند .

گروهی از دانشجویان دانشگاه چندی شاپور که پیش از
آنها به کمک زلزله زدگان شتافته و با خود خرما و لباس و پتو
و چادری برد بودند در زلزله ان بودند و وسیله های کمکی
آنها نیز در اختیار آنها میان بود و ناحیه زلزله زد در
حصاری از تفنگ بدوشان محاصره بود و عبور از آن حصار
غیر ممکن می نمود ، سرانجام هشت پزشک به منطقه غیر
قابل نفوذ راه یافتند و هنگام بازگشت آنچه گزارش
میدادند بیشتر به افسانه نزدیک بود تا حقیقت .

" با سرمای زیر صفر ، نزد یک به چهار صد دهم مردم مان
بدون بالابوش ، در حالیکه دولت فقط در اولین دهم
زلزله زد به هردوم نفر یک پتو و به هر جهل خانواده یک
چادری تلف کرد " چه می توانستیم کرد جز شرمساری
و همین مردم مستمندی را بزور سرنیزه وادار ساختند تا در
تظاهرات ملی شهر ایزده شرکت کنند و پیرمردی را که
حاضر شرکت در آن معرکه نشد بود چنان مورد غصب

رسا تر با بانگ الله اکبر ، صدای اعتراض مردم

بقیه گزارش تکان دهند . . .

و شتم قرارداد بود ند که یک دستش یارای حرکت است .
نداشت !! . در پایان گزارش ، این دانشجویان از
روحانیان و از گروههای سیاسی خواسته اند تا دامنه
فعالیت های خود را به روستاهای دور افتاده کشند باشد
که هموطنان نا آگاه دانشور روشنی یابند و شتم را ببینند
از این تحمل نکنند .

نهضت امامیه دارد

تهران - ساعت ده و شامگاه جمعه هشتصد یماه بین
فلکه د و موسوم تهران پارس گروهی از سربازان فرمانده از
نظا می به همراه یک پلیس به خانه های مردم متکبیر گویزور
سرنیزه و قنداق تفنگ ریخته و آنها را به خیابان آورد همورد
ضرب و شتم و اهانت قرارداد ند . روز نهم د یماه میلادی
غلامرضا نژاد هجد مسالنه د آستانه د رخانه اش در
سه راه مسنگان (نارمک) ود ر بعد از ظهر روز د همد یماه
امیراستاد یان د ر با مخانه اش واقع در نارمک بضر بگلوله
مسلسل بدستان شهید شد ند . سپاهیان ستم کسه
گوئی همه جاد و کسب من مردم مند تا بر هر جنازه انسانسی
که فرومی افتد شاد مانهای کوبند و بد ینسان مردم ر این
شهر جنگ زده د رخانه های شان نیز د ر امان نیستند .
زنجانی - علاوه بر تیرباران شدن سبازان راه آزادی
میهن ضمن تظاهرات که این روزها وحشیانه و بی پروا
توسط نظا میان جریان دارد ، د یتگیری و سپس تیرباران
آزادگان و جوانان پرشور و مبارزه بهانه مسخره اقمدا م
بر علیه امنیت کشور نیز این روزها د ید شده . د ریاز د هم
د یماه جوان ۱۸ ساله ای به همین بهانه د ستگیری
و تیرباران شده است .

بیاری - خشم مردم استه ید ایران نسبت به استبداد
کسالها برگرد ه آزادگان تازیانه زدند و انواع شکنجه ها را
بر آنها روا داشتند بالا گرفته است .

د روز د همد یماه مردم ساری لانه یکی از مزدوران ساواک
را بنام باغبانیان به آتش کشید ند .

آبادان - د زمانی که از بلند گویای د ولتی سخن از
رعایت حقوق بشر و آزادی زندانیان سیاسی می رود از
آبادان خبر میرسد که چند بین میارز د رشده شب از خانه
های شان بوسیله عمال حکومت نظامی ربود و به زندان
استبداد کشید و شده اند . محمود ذغالی ، حبیباج
ابراهیمی ، خرم روز ، سید ملکی و شریفی از آن جمله اند .

پوشهر - سوگواران بند ریشهر بر مزار شهید
با یورش ناجوانمردانه نیروهای انتظا می روبرو شد ند و

چون بقدر کفایت د ژخیمان رضایتشان فراهم نگردد یسد
هجوم به خانه مبارزان و به آتش کشیدن مغازه های آنها نیز
به این برنامه د رخشان افزود ه شد !! .

پندر یابی - روز نهم د یماه با زهم تظا هرات حق
طلبان مردم د ریند رعباس با تیراندازی ما مورین نظامی
د رهم شکسته شد و کارگر شریف و آزاد های به جمع شهید ای
بی شمار نهضت پیوست . روز بعد مردم بمهر طوسی
تظا هرات پرشوری جنازه شهید راد رخالیکه آیت الله
انواری و سایر روحانیان شهرد ر پیشاپیش آنها حرکت
میکرد ند تشییع کرد ند .

- بیاد بود سومین روز شهادت حسین نظری مجلس
یاد بودی د رمسجد فاطمیه شهر برگزار شد که بیش از پنج
هزار تن د ر آن شرکت کرد ند . از سوی کمیته موقت جبهه
ملی ایران د ریند رعباس مبلغ د ویست هزار ریال برای کمک
به بازماندگان آن شهید جمع آوری و برای مصرف د ر اختیار
حضرت آیت الله انواری قرار گرفت .

کوه دشت لرستان - د روز د و شنبه یازد هم د یماه
نیروهای ژاند ارمری و ارتش د ر یک یورش وحشیانه به
خانه های اهالی شهرد ههاتن راکشته و نزد یک به یکصد
نفر از خمی کرد ه و اموال مردم را به غنیمت برد ند! مردم شهر
که با وحشیگری بی رحمانه این چپا و لگران روبرو شد ه بود ند
خشمگینانه د ست به اسلحه برد ه و از شهرشان د ر برابر
قوای مهاجم د دفاع کرد ند . نیروهای ارتشی به بیست
کیلومتری شهر عقب نشینی کرد ه و هم اکنون کنترل شهر
د ر دست نیروهای مردم می است .

بسطام - د روز نهم د یماه تظا هرات توسیعی از
بسطام به شهر شاهرود کشید ه شد که د ر نتیجه تیراندازی
ما موران ارتشی د وتن بنا مهای سید جعفر میرغوریان
و علی بیاری شهید و یازد تن زخمی شد ند .

وراهین - تظا هرات پرشوری بر علیه دستگاه استبداد
واپسته د ر روز د هم د یماه با شرکت مردم مبارز و راسمین ترتیب
یافت . این تظا هرات با یورش وحشیانه ما موران شهرنی
د رهم شکسته شد و سه کشته بنا مهای مسعود میرزائی ، محمد
شیرازی و احمد کریمی و تعدادی مجروح که حال پانزده
تن از آنها بشدت وخیم است بر جای نه باد .

دفاع از شرف
اینجا نب عیداله سرشار (مهندس راه و ساختمان از
دانشکده فنی د انشگاه تهران سال ۱۳۲۷) به هیچ یک
از سازمانهای ضد ملی د اخلی و یا خارجی که بر علیه منافع
ملت طهران ما اقد انمود ه و می نمایند وابستگی ند اشته و
ند ارم و با مهندس سرشار نامی که اخیرا نامشرد ر الحاحیه
بی ناموشانی آمد ه است شنائی و وابستگی ند ارم .

پرتوان باد مبارزه در راه استقرار کمیته ملی

تلگراف به سازمان ملی

جامعه قضات، وکلا و کارمندان دادگستری مشهد طی تلگرافی که در روز دوازدهم دیماه به کورت والد هایم دبیر کل سازمان ملل متحد مخایره کرد هاند، ضمن تشریح کشتار فجیع وزهای نهم ود هم دیماه که توسط نمایان لجاپ گسیخته روی داد گفته اند: "بعلت نبودن مرجع تالمم ومحو حکومت قانون مراتب را به آن جناب اعلام داشته و خواستار آنیم که در اسرع وقت صدای اعتراض مردم مشهد وسایر اهالی شهرهای ایران را به گوش جهانیان رسانده وتا حد امکان از طریق مراجع بین المللی اقداماتی در جهت جلوگیری از ادامه چنین کشتاری بی رویه وغیر انسانی انجام دهند".

اعلامیه

دواعلامیه روزهای یازدهم و دوازدهم دیماه از سوی "جامعه" کارکنان بانک اعتبارات صنعتی" انتشار یافته. در یکی از اعلامیه ها کارکنان آن بانک پیوستگی کامل و خلل ناپذیر خود را به اتحادیه ملی کارکنان بانکهای ایران اعلام داشته و اعلامیه دیگر، ضمن ستایش مبارزات تمییز پرستانه و حق طلبانه ملت ایران و بیان خواسته های ملی خود "ما موریت شاپور بختیار را برای تشکیل کابینه در شرایطی که کشتار مردم بی دفاع در سطح کشور هر روز گسترده تر میشود و تنها هدف آن نجات دستگاه حکومتی پوسیده و مستغراست" محکوم کرده اند.

ادامه مبارزه

کارکنان مبارز وزارت دارائی در اعلامیه ای که بتاریخ دوازدهم دیماه انتشار داده شد نوشته اند "ما کارکنان وزارت امور اقتصادی و دارائی سوگند یاد کرد هایم که تا محو کامل امپریالیسم ورژیم استبداد سلطنتی و ارتجاع داخلی، و شهید و شامرد مقهرمان خویش مبارزه ای پیگیر و طولانی در همه سنگرهای آزادی از ایتا رجان و آبیاری درخت پرثمر انقلاب دریغ ننمائیم".

اعتصاب مطلق

کارکنان آزاده سازمان خبرگزاری پارس اعلامیه ای به تاریخ دوازدهم دیماه منتشر کرده اند. در این اعلامیه بیانیه های مجعولی که "مستقیما" از طرف مدیریت عامل آن سازمان به جهت منافع وسوء استفاده های شخصی وی صادر شده محکوم گردیده است. کارکنان خبرگزاری همچنین در این اعلامیه گفته اند "ما کارکنان سازمان خبرگزاری پارس تا تاریخ سه شنبه ۱۲/۱۰/۱۳۵۷ بطور

مطلق دست از کار کشیده تا پیروزی نهائی جنبش رهائی بخش ملی به اعتصاب بخود ادامه خواهیم داد".

آب قطع نمیشود

کارکنان اعتصابی سازمان آب منطقه ای تهران طی اعلامیه ای ضمن ترغیب هموطنان به صرفه جویی وهمکاری با هم دیگر در مصرف مواد سوختنی وغذائی، اطمینان داد هاند که جریان آب مشروب اهالی تهران در این روزهای بحرانی قطع نخواهد شد.

تعاونی های مردم

گروهی از مردم مخیراندیش تهران فروشگاهی بنا مفروشگاه تعاونی اسلامی" بنیاد نهاده اند. برنامه این سازمان عرضه مایحتاج همگانی به بهای ارزان است. در فروشگاه این سازمان یکی به نشانی بازار کوچه مسجد جامع ودیگری در میدان سپه کوچه قورخانه شروع کار کرده است.

اعلامیه هواداران جبهه ملی

هواداران جبهه ملی ایران در آبادان روز دهم دیماه در بخشی از اطلاعیه ای که انتشار داده اند چنین نوشته اند: "اکنون که میلیونها میلیون ثروتمندان و ایرانی به یغما رفته و از آس تا هامون و از کنارهای گوهر خیز خلیج فارس تا لاجوردین سواحل دریای مازندران همه به ماتم و مزای فرزندان و مادران و خواهران و برادران خود نشسته ایم و در آستانه پیروزی خلق ستمدیده ملت ایران افقهای سرخ را که خون جوانان گلگون کفن بداعتلمت خیدائی بخشیده است در پیش رود ارم و بفرمان قائد اعظم امام خمینی کلیه فرزندان و اولاد رهبر سنگری مردانه بپا خاسته اند و بیاری حق و سپاهمردی در لاوران ایران زمین برای همیشه بساط طاغوتی برجید میشود این عمل دکترا شا هیور بختیار را که به نهضت ملی ایران پشت کرده است و سرد آستانه زخمیان استبداد فرورده است محکوم نمود موبه ملت ایران اعلام میداریم که این شخص از ما نیست".

بقیه دفاع از شرف

اخیرا لیستی با مضای سازمان با اصطلاح "میهن پرستان" انتشار یافته که در آن نام ۷۶ تن بعنوان مزدوران ساواک درج گردیده است. در این لیست نام هفده تن از کارکنان بانک مرکزی ایران نیز چاپ شده. کارکنان اصیل و آزاده بانک مرکزی طی اطلاعیه ای انتشار آنرا از سوی ساواک به منظور ایجاد تفرقه و لگد آرکردن حیثیت و شرف انسان هایم که در راه استقلال و آزادی ایران دلیرانه می جنگند اعلام داشته اند.

فنگ بر سازشکاران سیاسی

پیرو پیمانہ کش من کہ روانش خوش باد

گفت پرهیزکن از صحبت پیمان شکنان

حافظ

خبرنامه

جبهه ملی ایران

استقرار حاجت ملی

جبهه ملی ایران است

شماره (۵۷) پنجشنبه چهاردهم
دیماه ۱۳۵۷

دیگر نه راهی برای بازگشت، نه روزنه‌ای برای پیشرفت

نظامی که در حال مسائل ناشی از شیوه کار خود فرومانده نظامی که بر حیاتی ترین مشکلات کشور چشم فرو بسته ، نظامی که حتی با اصول خود ربا نارساست ، این نظام منحط و مبتلا و دنی را که در محکمه منطبق در دادگاه وجدان از توجیه خود بیش از هر زمانی دیگر ناتوان شده و ابشمان به موازین پناه برده ، در حالیکه توجیه‌ها بیش و خیمه شب بازیهای جورا جورش برملا گردید و وجهه فقر انگیزی را آشکار تر ساخته ، این نظام پوسیده ، بند از بند گسسته برای مردم بخون نشسته ، غیر قابل تحمل است .

به زبان ناسزا ، راه پیمانی نجیبانه ، فریاد بر سر باهوکوی و برزن ، سینه سپر گلوله کردن و به تمامی زبان‌های اعتراضی ، دنیا گفتم و می گوئیم که این نظام با تغییر لیا سوت و تغییر سر آرایش هم برای ما تحمل پذیر نمی شود .

بنیاد ها را باید ، در هم ریخت و در تگرانی باید اساسی و بنیانی باشد تا باور مردم این سرزمین را که شنیدن دروغ و بدین شهید و بازیهای از مرتضوی بیرون باین ناباوری کشاند به یقین بدل سازد . احساسات مردم می راکه بیست و پنج سال قانون و فرهنگ مروت ملی آنها زیر پا نهاد شده و بر سر هستی آنها ماله گردیده ، احساسات مردم می راکه بیست و پنج سال زور و خشونت سوبی رحمی و تهدید و تحقیر و بدگمانی را تحمل کرده اند نمی توان دیگر باین آسانیهات تحریک کرده و خشم فرو خورده ، آنها را که بر جنازه شهید انشان اشگی نیاریدند و از پیراهن عزیزان پرچم ساختند باین آسانیهات نمی توان به سپر بدل کرد . این نظام محاکم ، این پادشاهان استبداد وابسته ، بیست و پنج سال در شمال زندانیان در جلد و بی این مردم صفت بستند و شلاق ستبر گردید ، آنها کو بییدند و با همه نیرو کوشیدند که از این مردم ، منجیب و هوشیار و سرسخت ، اشکای بی جنبش و نا چیزی بسازند .

این نظام محاکم و سلطه گران خود فروخته اش بیست و پنج سال ترس و حقارت و لرزیدن و زانو زدن و نا امید ی را القا کرده اند . ولی آنها با هر شلاق ، با هر بخون ، ، ، بقیه در صفحه ۲

بنام خدا ، ملامت جبهه ملی ایران

مهمیها :

به فرمان غارتگران بیگانه ، قاتلان حرفه‌ای د رموطن مبارزان را آزاد ی و استقلال ، پیوسته اد می کنند . هفته پیش ، هفته ، هفته ، جنون آمیز ترین کشتارها در سراسر ایران ، مشهد ، کرمان ، مشهد ، نهاوند ، قزوین ، زفول و دیگر شهرها و روستاها ، ، ، وجه نیاز بهر شهردن نام شهرهای شهیدان ، گاه رنگ ، همه جای این سرزمین ایران شهید شهیدان شده است .

طراحان جنایتکار سازمانهای جاسوسی بیگانگان ، برای ملت در بند ما ، سرقات مرگ آورد هاند ، و دست پروردگان دیکتاتوری وابسته ، این سوغاتو امیان زنان و مردان ایران به جای نفت و نمان ، بهر آنگیزان توزیع می کنند ، در چندین شهر و روستا با تانک و زره پوش از روی تن زندگان گذشتند ، فرزندان ما را به خاطر بقای مظهرستم ، تکیه تکیه کردند ، مبارزان راه ایمان و استقلال ملی ، که خوششان و نژاد بیگانه شان در کشتارهای خانگی قطع شده اند ، ، ، بقیه در صفحه ۲

این شهران است یا خرابکاری !!

در آرزو ساله ، اختری که هنوز در زیر پوست زندگی هیچ چیز جز بازی های کودکانه و زیبایی های آن در نیاید ل انگیز نمی شناسد ، گناه و جنایت خویشانند رن هن پاک و کلماتی بر مفهوم هستند و جنبش ما در رویداد بزرگترین اند و ها و می تواند باشد ، کناریه ، رده و اتومبیل او گرم خیالپردازی های کودکانه است که با گلوله ، سر باز جنون زد های همسراه فریادی کوتاه برای همیشه چشم ززندگی فرمی بندد و خون جوشانش سروروی پدر را آنگون می کند .

امروز خرمشهر ، سوگوار این کودک است و فرمانده اری نظامی جسد او را به خانواد هاش تحویل نمی دهد زیرا که معتقد است ، خرابچه خرابکار بود !! و ای بر نظامی که برای حفظ خود چنین زشت و نفرت انگیز عمل کند و گمان برد که پاهای لرزان زندگیش را بد بماند ، وام بخشید ، ! قم بیکران نظام فرزانه ، بازرگان شریف خرمشهری ، ، ، بقیه در صفحه ۲

مادری و استبداد را بسوزانیم

بقیه دیگرته راهی . . .

کشیدن ، با هر یک پوشی برافشاند حیات و دزد بیهوش
 خیانت ها ، خریهای به بیاری باز ند و بد بیسان امروز
 که بپا خاسته ایم ، امروز که بپهای شهادت تمپا خاسته ایم
 ود رگسترده ، میهن بخون نشسته مان لاله زار شهید ان
 بپا کرد هایم ، دیگر چه راهی برای بازگشت ، چه روزنه ای
 برای آشتی و چه امید ی برای بخشش ماند هاست .
 امروز تک تک ما ، از خورد و کلان د ریافته ایم که این نظام حاکم
 با موجودیت ملی و مذ هبی ما مقابرتد ارد و نبود آن ،
 بسود ماست . نمی بخشیم دستهای را که بیاری این
 بیمار در حال مرگ شتافته اند ، نمی بخشیم بیاری را که
 از نیمه راه بازگشتند و دشمن را که تا گره گاه در خون
 عزیزان فرورفته مد د م رسانند .

بروشنی مید انیم که این نمایش میهن د ستی و احترام به
 قانون و خجلت و شرمندگی از گذشته ، حیل های پیش برای
 تقویت موضع از دست رفته استبداد یان نیست .
 خود را در پشت عکس آنکه از بر آوردن آخرین آرزوی
 و بگورستان شهیدان سپردنش سرباز زدند ، پنهان
 مسازید . آن مرد ، آن مردستان ، آن دلاور که ما عاشقانه
 رهرو راهش که راه مردم و راه ایران بود ، هستیم همه عمر
 زندانی همین دستهای آلود به خون ، همین چهره های
 از گناه و خیانت پوشیده بود . استخوانهای آن پیردیر
 آن بزرگ پیشوای درگذشته را در گورنل سرزانی که
 این ملت گناه شمارا نخواهد بخشید ، حتی به پهای
 سی سال صدق می بردن .

بقیه اعلامیه جبهه . . .

به جنگل ها گریخته اند و آواره برپا نشما و کوه ها اند ه اند
 تاد ر همه حال ، هسته های مقاوم و متواکف میانی کنند .
 بر ملت مسترگ ما ، اینک سخت ترین روزهای انقلابی
 گذرد ، روزهایی هم مدرد ، همه خون ، همه نفرت از ملال
 ظلم گستران ، روزهایی که با همه سختی ها ، پیروزی همیشه
 ملت را نسوید می د هد .

نظام سلطنتی غیرقانونی ، اگر تاد بیروزگانه ، کاسه خصمون
 می خواست ، امروز بر د ریاچه خون و گشتی می راند .
 آنچه کم داشتیم در این میدان خون و شربت خیانت
 بود که آن هم چون د شنه ای زهر آگین به قلب ملت فرود آمد
 و به حکم اصلت نهضت ، پایداری را در وابستگان در برقت
 بنیاد منف مافزون تر ساخت .

امروز هر چند که به جای کلام ، خون از قلم می تراود و به جای
 اشک ، خوناب دل از دیدگان فرو می ریزد ، امروز ،
 هر چند خون ایرانیان در کوفی ها و برزن ها ، جویبارهای

تهدامیزی ساخته است ، اما مردم مصمم ، همچنان
 یکصد ا ، سرود مقدس خود را می خوانند ، سرود استقلال
 و آزادی ایران را .

جبهه ملی ایران ، به خاطر بزرگداشت شهیدان هفته
 پیشرویه نشانه نهایت همدلی و همدردی با خاندان
 بزرگ شهیدان و نشان دادن همبستگی و
 پایداری ملت و اتحاد همه نیروهای مردمی در جهت
 سرنگون کردن حکومت استبداد و استعمار و نشان دادن
 نفیست همبستگی خود از خاندان سازشکار ،
 روزیکشنبه هفتد هم دی ماه ۱۳۵۷ را روز عزای ملی
 اعلامی کند و از همه زنان و مردان سراسر ایران در شهرها
 و روستا های خواهد که با د بگره یک اعتصاب کامل و
 همه جانبه ، دست بزنند ، اعتصابی مطلق و یکدست .
 این بار خواسته می شود که حتی مغایزه اران و فروشندگان
 که نیازمندی های روزانه مردم را بر آورد می کنند نیز
 به صف اعتصاب بکنند گان بیرونند .

چنین اعتصاب شکوهمندی ، بی شک بیانگر راستین
 همبستگی ملی و وحدت سرتاسری و بنیادی مردم ایران
 خواهد بود .

د رود به همه شهیدان راه آزادی و استقلال ایران
 پیروز باد ملت

بقیه این شهادت . . .

پد رشید و همه سوگواران این ستم با صبوری آشنا باد و
 صبح پیروزی را ستایسار و نشان .

اعلامیه سرهنگ امیر رحیمی

سرهنگ بازنشسته عزیزاله امیر رحیمی اعلامیه ای منتشر
 کرد که به همراه محکوم کردن فجایع کشتارها و سبیه های
 دستگاه استبدادی ایران می گوید " ملت ما ۲۵ سال
 مبارزه نکرد که با ورود صد ها مامور سیا از آمریکا ، شاپور
 بختیار به سر کار آید ، این امر مورد قبول تمام آزاد بخواهان
 است که هرگونه همکاری با سکوت در مقابل د ولت تحمیلی
 بختیار و خیانت مسلم به آرمان ملتند ا کارا می باشد " .

اعلامیه همبستگی

اعلامیه ای که بر آنرا صد ها کارمند د نیرو مبارز شرکت واحد
 اتوبوسرانی تهران و حومه امضا کرد ه اند به د فتر خبرنامه
 رسید . . . در این اعلامیه گفته شد " ما کارمند ان شرکت
 واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در جهت همبستگی با
 کارمندان د ولت و سایر طبقات ملت ایران بمنظور تحقق
 یافتن اهداف اصلی و اعتصاب بخود را از روز چهارشنبه
 مورخ ۱۲ / ۱۰ / ۵۷ تا اطلاع ثانوی اعلام می د اریم " .

نگ برپا شد اران استبداد

دفاع از شرف

د رپی لیست های ساختگی ساواک، که در این روزهای برای نفاق افکنی و سلب اعتماد مردم نسبت به مبارزان شناخته شده نهضت ملی فراوان و پیشکرم های گوناگون تحت عنوان "مزدوران ساواک را بشناسید" منتشر می شود، باز هم لیستی منتشر شد که در آن نام سه تن از کارمندان مبارز مرکز آمار ایران و جوبندارد، آقایان: بهرام راستین، ابوالهیم یونسی و خسرو سیف، آقای خسرو سیف عضو شورای مرکزی جبهه ملی ایران و عضو برجسته حزب ملت ایران می باشند که همه پیوندگان راه نهضت و چهره مصمم اورا از سال های سیار در ویرخا طرد کردند.

نهضت اداه داره

قزوین - عصر یکشنبه از سوی شهریارانی از دکترا بوترای بود کتود فتری، اسامی زخمی شدگان بستری در بیمارستانها خواسته می شود و این دو پزشک مبارز و یه شناسرا از انجام چنین کاری سرپا ز می زنند و حتی اجازه بازجویی از آسیب دیدگان را به آنها نمی دهند.

بعد از ظهر دوشنبه هنگامی که دکترا بوترای همراه یک پرستار از مطبخ خود خارج می شود، در محاصره نیروهای انتظامی می بیند و از او خواسته می شود که زد میاید و مرد یک بگوید و چون از این کار امتناع می کند باه بلم ماشینی اورا خرد می کنند. سرانجام از این کار امتناع می گردید و پسران زندان پرستار به خانه خود بازمی گردند. ده دقیقه بعد در وتانک یک ریو ود و کامیون سرپا زخانه دکترا بوترای وارد محاصره می گیرند و لحظاتی نگذشته کتود فتری مسلسل باریدن می گیرد. دیوار خانه را تانک فرو می ریزد و با گلوله تانک ماشینی داخل خانه آتش می گیرد و خانه ویران می شود. زن و فرزند او می گریزند و ساعتی بعد مطبخ دکترا بوترای در آروخانه دکترا بیگان و مطبخ کتود فتری بود آروخانه دکترا میزی یکپارچه در آتش می سوزد. این آتش فروزی با ناگهانی کشتار کودگان ده وازد هاله زبرجوخ های تانک، کامل میشود. زخمیان آتش سوزی و گلوله باران شهر قزوین از د و هزارتن بیشترند و شهیدان این حادثه شرم آورد رد ناند و بست تن می باشند.

خبر شهید

ساعت شش و نیم بعد از ظهر روز چهارشنبه سیزدهم دی ماه مجلس وعظ و خطابه مسجد جامع مشهد برعنا جازه رسمی فرمانداری نظامی به حضور آیت الله موسوی برای برپایی آن در محاصره نیروهای انتظامی قرار گرفت و تیراندازی ویرتاسگا از تانک آوریه زخمی شدن بسیاری از مؤمنان انبیا شد.

رفسنجان - خوش خد متان عقل و ایمان از دست داده از آتش خشمها منتقامتت را مان نخواهند بود. مرد مهدالت د وست رفسنجان د رروز د وازد هم د یماه، علی مسیحا شهردار و غلامحسین مولائی کارمند شهرداری آن شهر را که ما موریت سیخ چنای د اران راد اشتانند به مجازات رسانند.

گرمسار - در رتظا هرات پرتشکوه و شورانگیز دانش آموزان گرمسار که در رروز د همد یماه ترتیب یافتند و شیزگان سروری، ناهری و خدیو، مجروح شدند. **گنگاوری** - در رروزهای نهجوت وازد همد یماه، تظا هرات علمی با شرکت اهالی د رده مند وستم کشید ۸ کنگا و برعلیه ستمکارهای ستگاه استبدادیان ترتیب یافت. این اعتراض نیز با تده همه اعتراضات ملت مواجهه با خشونت مسلسل بدستان ستگاه استبداد شد، حاصل این خشونت شهیدان د وتن بنامهای بانواکرم مرادی و حسن بهرامی و زخمی شدند شش تن بود.

پندر میانی - در رتظا هرات شاکوه روزهای نهجوت هم و یازد هم د یماه که در رینه رعایان با شرکت بیش از ۲ هزار نفر برعلیه کشتارهای بیخ د ستگاه ستمکارها کترتیب یافت هشت شهید و ده نفر زخمی شدند. در میان کشته شدگان یکد و شیزه ۱۸ ساله و یک کودک ۶ ماهه وجود داشتند.

کرمان - تعصن و اعتصا بفرهنگیان د لیرومبارز وارد بیستمین روز خود شد است، به پشتیبانی از اعتصاب آنان هیست هزارتن از کارکنان و کارگران معادند فعال سنگ و ایستاه به د و باهن و همچنین کارکنان اداره های اقتصاد و د ارایی و صنایع و معادن و برق منطقه ای کرمان دست به اعتصاب زدند.

سعد آباد بزازجان - زاندر امری، تظا هرات حق طلبانه مردم شهر را با آتش گلوله پاسخ داد. ساعتی بعد قوای کمکی به یاری زاندر آنها شتافت و بارگبار مسلسل بیست و هفت نفر را کشته و زخمی کرد.

پوشهر - در رروز د وازد همد یماه از داخل اتوموبیل با تیره شخصی و بدست شخصی پوشان مزدور، مرد مهد فاع گولبه باران شدند. ساختمان لژیون با اصطلاح "خد متد گزاران بشر که گتیمی شود محل اختفای مواد منفجره بود و بدست کسانی با شناسیه آتش کتید شدند. سه تن از آموزگاران شهرتاسهای پوشوری د شتی و منصور ی بازداشت شدند.

تهران - در خال د ما دوران نظامی د رجایگاه های فروش مواد نفی د رروزهایی که سرد مهاگزیوند، بسیاری

درود به روان شهیدان ایران زمین

بخیال خود راحت دست روی دست نهادند که باز روزی می توان ایران را مستعده کرد و با این موازنه سیاه، ایرانی برای همیشه برد، سرمایه آری است.

استبداد مخوف ایران مظهر این زرزور بود ولی تاریخ برای چند مین بار باز هم نشان داد این موازنه یکموازنه ناپاید اروسپاه استویا بهم ریختن بنیان قدرت تکنوکراتها و فرار چپا و لگران و دزدان و اسلحه داران و آد مکشان دگر بار حق آزادی پیوسته روز می گردد.

دیوارهای شهرها

شهرها، باد یواره ای خون آلود و مرد مخشم آگین و مصمم، روزهای سرنوشت ساز و بحرانی را طی می کند. شهرمادر میان خون و آتش و ترانه های که گویای موعظ مبارزان است و از کوجه پس کرچه های آن بگوش میرسد. شهرها با شیبهای حماسی و پر شکوهش که بانگ الله اکبر در لهایمان را بهم پیوند میزند و شعارهایمان را یکی می کند و وحدتیمان را تکامل می بخشد. این شهر پر پرورش و سازنده این روزها باد یوارهایی از اعلامیه های دست نویس و روزنامه های زیرا کسی و گروه جوانان پر شور و پیران آزاد های که بصف ایستاده و سراپا چشمه نسیم برای خواندن، به زیباترین شهر جهان بدل شده است.

و این صف تشنگان حقیقت که مرغم نظیر گلوله و سرما در جلوی دیوارها تشکیل شده نشان تصمیم خلل ناپذیر این مردم برای پایان دادن به استبداد زیر سلطه و قطع دستهای آلوده کسانی است که طی بیست و پنج سال بر جان و مال و ناموس او یک تازی کردند و از هیچ جنایتی روی برنگردانند نشان آنستکه این مردم از هر لحظه زندگی می آموزند و این آموزش ها را در راه استعمار می گیرند.

به کار ملکه زوری که بخت یا ارش نیست
زند هاست دست بده ستور و اختیارش نیست
کسی که حمله و دستبند خون ملت بست
عربس کامروا اثر دانتلسارش نیست
کنار آمدن با موج ماوراء بحار
انگوبه عرش زند کرسی افتخارش نیست
مدار چشم وطن دستی از آن دولت
که چیزی به حور بیگانگان مدارش نیست
حریف کهنه و غلامان تازه می خواهد
د ر این زمان که غلامان جان نثارش نیست
خزان عمر ایستاده است رژیم فساد
رسیده هاست و بی آمدن گریه سارش نیست

بدست آوردن هر لیتتر نفت ساعتها در صف های طولانی سرگردان بمانند، رویداد های ناگواری را بیارمی آورد که مسئولیت مستقیم آن بمانند همه رویداد های ناگوار کشورمان بگردند و ستگاه استبداد است کشته شدن حسین توسلی و حسین محمدی در جایگاه فروش مواد نفتی در خیابان نواب در روز دوازدهم دیماه خورد سوزی یکماینوی خانه اردو در جایگاه سید خندان از جمله این رویدادها است.

نپاوند

— هجوم نیروی جماعت آران در رینا نیروی ارتش این شهر را بصورت شهر جنگ زدند آورد است. همه جا و همه چیز تعطیل است. مردم از ترس در زخمیسان استبداد از خانه های خود بیرون نمی روند.

اراک — تظاهرات تعریف جوانان جماعت اربابا مقابلهت مردم در لیرا اراک رو برو شد به دستگیری تنی چند از اربابان و تحویل آنها به دادگستری منتهی می شود ولی دادگستری بجای رسیدگی به کارهای خلاف قانون آن گروه مسزدر به آزاد کردن آنها مبادرت می کند و خشم مردم را برمی انگیزد

تربت چیدریه

قیام دلیرانه و حق المیانه مردم شهرستان تربت حیدریه موجب سقوط این شهر شد. شهر بانی بتصرف مردم درآمد، وزانند امری با اعلام همبستگی با مردم راهتفا هم با نیروی ملتخوا پیش گرفت. در این جهاد ۱۲ تن کشته و ۳۱ تن مجروح شدند. هم اکنون ناسم معنوی و دینی شهر برهسیری دوتن از روحانیان حق طلب و مجاهد حضرت حاجتالاسلام امامی و حضرت حاجتالاسلام طباطبائی در دست مردم است.

موازنه سیاه

تا کنیکهای دشمنان حق و آزادی آرد بر زمان نابه سرور تغییر نکرد هاست منتهی بحسب تغییر در انش و در چهره شوم دیگری خود را نشان میدهد. زرزور آرد بر زمان بزرگترین حربه دشمنان آزادی بود هاند از روزیکه سر پیداشده و اساسی مد نیست آغاز گردیده است زرزور در و عاملی بود هاند که کوشید هاند ملت ها را به بردگی و بهره کشی وادارند. با اینکه مادرتاریخ تجربه های تلخی از چیرگی پولد آران و زورگویان در اریهولی باز دستگاههای حاکمه متنبه نشده هاند.

بعد از ۲۸ مرداد کارشناسان سیا، برای برقراری امنیت ایران دورا پیشنهاد کردند. مسلح کردن ایران تسادند ان و بدینسان ارتش ایران را با آخرین تکنیکهای جنگی و بهترین سلاح مجهز نمودند و از سوی دیگر لایهای از تکنوکراتها و ثروتمندان بی بند و بار بوجود آوردند و

صدقی به نهضت نمیکنند خیانت

بنام خدا

هم میهنان

املا میهن

استقرار حاکمیت ملی
هدف جبهه ملی ایران است

به فرمان غارتگران بیگانه، قاتلان حرفه‌ای در وطن مبارزان راه آزادی و استقلال، بیداد میکنند. هفته پیش هفته جنون آمیزترین کشتارها در سراسر ایران بود. شهید، کرمانشاه، نهاوند، قزوین، دزفول، و دیگر شهرها و روستاها ... وجه نیاز به برشمردن نام شهرهای شهیدان، که اینک، همه جای این سرزمین، ایران شهر شهیدان شد است. طراحان جنايتكار سازمانهای جاسوسی بیگانگان، برای ملت دردمند ما، سوغات مرگ آورد ماند، و دست

بروردگان دیکتاتوری وابسته به این سوغات رامیان زنان و مردان ایران، به جای نفت و نان، به رایگان توزیع میکنند. در چندین شهر و روستا با تانک و زره پوشان زوری تن زندگان گذشته و بدن فرزندان ما را به خاطر ابقای مظهرستم، تکه تکه کرد ماند. مبارزان راه ایمان و استقلال ملی، که خویشان و نزدیکان شان در کشتارهای خانگی قطعه قطعه شد ماند، به جنگل ها گریختند و آواره بیابانها و کوهها شد ماند تا در همه حال، هسته های مقاومت را نگهبانی کنند. بر ملت سترگ ما، اینک، سخت ترین روزهای انقلاب میگردد، روزهایی همه درد، همه خون، همه نفرت از مظالم ظلم گستران، روزهایی که با همه سختی ها، پیروزی همیشگی ملت را نوید میدهد.

نظام سلطنتی غیرقانونی، اگر تا دیروز، کاسه کاسه خون میخواست، امروز برد ریاحه خون، کشتی میراند. آنچه کم داشتیم در این میدان خون، ضربت خیانت بود که آنها چون دشنه زهرآگین به قلب ملت فرود آمد و به کم اصالت نهضت، پایداری را در وابستگان طریقت بنیاد مند ما فزون تر ساخت. امروز، هر چند که به جای کلام، خون از قلم می تراود و به جای اشک، خوناب دل از دیدگان فروریزد، امروز هر چند خون ایرانیان در کوی ها و برزن ها، جویبارهای قهرآمیزی ساخته است، اما مردم مصمم، همچنان یکصد اسرود مقدس خود را میخوانند، سرود استقلال و آزادی ایران را.

جبهه ملی ایران، به خاطر بزرگداشت شهیدان هفته پیشرو به نشانه نهایت همدلی و همدردی با خاندان بزرگ شهیدان و نشان دادن همبستگی و پایداری ملت و اتحاد همه نیروهای مردمی در جهت سرنگون کردن حکومت استبداد و استعمار، و نشان دادن نفرت عمیق خود از خائنان سازشکار پرویز کوشنیه هفدهم دیماه ۱۳۵۷ را "روز عزای ملی" اعلام میکند و از همه زنان و مردان سراسر ایران در شهرها و روستاها میخواند که یار دیگر به یک اعتصاب کامل و همه جانبه، دست بزنند، اعتصابی مطلق و یک دست.

این بار خواسته میشود که حتی مغازه داران و فروشندگان که نیازمند بیهای روزانه مردم را بر آورده میکنند نیز به صف اعتصاب کنندگان بپیوندند. چنین اعتصاب شکوهمندی، بی شک بیانگر راستین همبستگی ملی و وحدت سرتاسری و بنیادی مردم ایران خواهد بود.

درود به همه شهیدان راه آزادی و استقلال ایران

پیروز باد ملت

چهاردهم دیماه ۱۳۵۷

جبهه ملی ایران

استمرار حاکمیت ملی

هدف جنبه ملی ایران است

شماره (۵۸) شنبه شانزدهم
دیماه ۱۳۵۷

خبرنامه

جنبه ملی ایران

ویژه نامه تختی



گرامی باد یاد جهان پهلوان

گدازه‌های دل‌کننده ایران!

نام‌ها

د رخیایان خانی آباد تهران ، بسال ۱۳۱۰ شمسی ، پسری دیده به جهان پرهیا هو گشود که او را غلامرضا نام نهادند .

پدرش ، ارباب رجب تختی یخچال دار و مادش همانند همه زنان پاک نهاد و دلیر پرور ایران که وظیفه ای برای خود نمی شناسند جز فداکاری برای آسایش خانواده و پرورش فرزندان با شرف و غیرتمند ، خانه دار بود .

دوران بی خیالی غلامرضا ، در میان کوچه های بلند دیوار آجری ، با بچه های همسنش به همراه بازیهای کودکان سپری شد .

عشق به ورزش و عشق به مین و انسانها را در دامن ماد رگزانندش و پس از آن در میان اجتماع کودکان محله آموخت .

تحصیلات ابتدائی را در ردهای واقع در محله قنات آباد ، که چندان از منزلش دور نبود فرا گرفت و تحصیلات متوسطه را در رده رسه د قیقی در همان محل .

ورزش دوستی و روح آرام نا پذیر غلامرضا ، او را به راهی کشاند ، تا از این راه نام ایرانزمین را بسازد لیکن حماسه آفرین شاهنامه در سراسر گیتی پراوازه سازد ، باروانی چون بهرام و سیاوش و صولتی همانند رستم ، در این پهنه بمیدان آمد . اولین تجربه های ورزش کشتی را بسال ۱۳۲۶ در زورخانه فولاد شروع کرد و خیلی زود قهرمان تازه بمیدان آمد و به اتکای سینه فراخ ، بازوهای توانا ، ایمن بدنه ای و روح بلندش ، حریفان کهنه را از میدان بدر کرد و به مقام قهرمانی کشور دست یافت .

اولین تجربه غلامرضا تختی در میدان های جهانی بسال ۱۹۵۱ میلادی بود در مسابقات کشتی جهانی در هلستینکی که در روزن ششم به مقام دوم قهرمانی جهان دست یافت و بناگاه توجه همه کارشناسان کشتی جهان به قهرمان بیست ساله ایران جلب شد .

پس از آن ، تا سال ۱۹۶۲ چهره انسانی غلامرضا تختی در مهر مسابقه جهانی ، چهره ای افتخار آفرین بود .

افتخارات ورزشی تختی را میتوان چنین خلاصه کرد :

بقیه در صفحه ۳

ایران زمین محروم از گرمای روشنی بخش جهان پهلوان د همین زمستان سیاه خرد را میگذراند . زمستان سیاهی که از خون پاک جوانمردان ایران نشهر گلگون شده است . زمستان سیاهی که جوانمردان ایران شهر در تمامی گسترده و سرزمین مین ، پاس شرف و ناموس ملی را با ضحاک و دیوان سپید غریبی هوا - د ارش به نبرد سر نوشت ساز برداخته اند تا بهار شکفتگی و آزادی را که بیست و پنج سال است در زندان خود کامگی و سزاسپردگی ایرانمردان غاصب د سیرت ، محبوس مانده آزاد بسازند و دریضا که در این هنگامه پرشور میدان نبرد ازطنین آوای جهان پهلوانی تهی است . جهان پهلوان د هسالسی پیش از این ، به هنگامی که این نبرد مینمی چون این ایام فراگیر نشده بود به خنجر از پشت ، از پای د آمده است و اکنون چشمان آرزومند او از دل خاک نگران پیروزی نبردی است که خود از سربازانش بوده است . نه ، جهان پهلوان میدان نبرد را ترک نکرده است . چگونه ممکن است در این هنگامه سرنوشت ساز در میدان نبرد حاضر نداشته باشد ؟ اگر چه به د سینه کاووس د خون غلتیده باشد ؟ حضور او به عنوان اصیل ترین نمونه پهلوانی اساطیری ایران در همه جا احساس میشود . در میان هاله ای از خون پیش می آید ، درخیایان اسلامبول است با صدوقی برسینه که برای زلزله زدگان جنوب از هم میننان یاری بگیرد و از دحام پرشور مردم است بجه لببیک ندای جهان پهلوان .

در میدان جلالیه است ، پرچم جبهه ملی ایران در دست اوست و قریب صد ها هزار نفر که فریادشان به افتخار او سقف آسمان را می شکافد . او را پس پرده ای از اشک می بینیم ، این بار تصویرش را در مارش عظیم روزهای نهم و دهم محرم که همراه میلیون ها ایرانی در حرکت است و در چشم انداز تصویرش جوانان خانی آباد ، تختی های نوجوان وادامه د هنده راه او .

این روزها جوانان خانی آباد باز باید در تدارک پیشواز جهان پهلوان باشند ، مانند هر بار که از میدان نبرد افتخار آفرین به خانه باز میگشت ، اما این بار باید برای او تدارکی عظیم دیده باشند ، آخر جهان پهلوان د رسالروز د همین سال د خون غلتیدنش د راستانه پیروزی بردشون است .

بقیه زندگینامه

پاسخ دادند و میلیونها ریال به نفع زلزله زدگان جمع آوری شد .

چه بسیار زنان که تنها زینتشان گوشواره یا دست بند و یا گردن بند را برای کمک به همیهنان زلزله زده نثار تهرمان ملی کردند .

غلامرضا تختی در کنگره جبهه ملی ایران ، در دیماه ۱۳۴۱ به عنوان نماینده برگزیده ورزشکاران شرکت و در همان کنگره به عضویت شورای مرکزی جبهه درآمد .

تختی کارمند ساده راه آهن دولتی بود و با حقوق اندک پارگردش زندگی خود و خانواده اش را در نهایت تنگدستی بدوش میکشید .

آنگاه که بار دیگر ، نفسها در سینهها حبس شد توان روحی قهرمان ، قهرمانی که به تمام معنا تجسم انسانیت بود به پایان رسید .

او در شانزدهم دیماه ۱۳۴۶ در یکی از اطافهای هتلی در خیابان تخت جمشید تهران ، به شیوهای آمیخته با راز و رمز که هنوز به درستی حقیقتش روشن نشده در ۳۷ سالگی از میان مردمان میهنش که عاشقانه دوستشان می داشت برفت .

از آن زمان ، بابک ، تنها بازمانده پهلوان در کارمادر غمگین و محبورش سالهای دراز جدائی را با تلخی می گذراند .

کودکی بابک با افسانههایی که مادرش شهبلا برای او از پهلوانی های پدر و آرزو شکوهمند که مردم کوچه و بازار ، دانشجو و دانش آموز معلم و استاد ، کارگر و کارفرما ، روستایی و شهری ، همه و همه صمیمانه بر مزار پهلوان اشک ریختند و یادش را با درودهای فراوان و گلهای پیر شده گرمی داشتند سپری

شد و اکنون او به هر کجا که قدم می نهاند سختگیری و کارشکنی برای او آغاز شد ، محدودیت چشمهای مهربان دوستداران پدرش به او می نگرند و با لبخندی یاد آورش میشوند که تختی جاودانه در دلها زندگی می کند .

باشد که بابک بر جای پدر تکیه زند و وارث همه آن زمان که قهر طبیعت ، زمین لرزه های راد منطقه آن خصلتهای بزرگ انسانی کرد .

خانه های از سوی تربیت بدنی در نارمک به تختی داده بودند ، که او هرگز در آن خانه سکونت نکرد و آنها در اختیار کسانی که جایی برای زیستن نداشتند می گذاشت .

۱۹۵۲ - المپیک هلسنکی ، مقام دوم

۱۹۵۴ - مسابقات جهانی ورشو ، مقام دوم

۱۹۵۶ - المپیک ملبورن برای اولین بار به مقام

اول قهرمانی جهان رسید و در میان

حریفان روسی و امریکایی خود برکسرسی

افتخار قرار گرفت .

۱۹۵۸ - المپیک آسیایی ژاپن ، مقام اول

۱۹۵۸ - مسابقات جهانی بلغارستان ، مقام دوم

۱۹۵۹ - مسابقات جهانی تهران ، مقام اول

۱۹۶۰ - المپیک رم ، مقام دوم

۱۹۶۱ - مسابقات جهانی ژاپن ، مقام اول

۱۹۶۲ - مسابقات جهانی آمریکا ، مقام دوم

ولی آنچه که تختی را محبوب میلیونها ایرانی کرد ،

آنچه که حماسه تختی را در درون دیوارهای بسته هزاران هزار خانه ایرانی برد ، آنچه که بسیاری از باایمان را بر آن داشت تا پیش از هر زور آزمایی

تختی ، کنار سجاده نماز دست بر آسمان برده و برای پیروزی بر آستان خدا دعا کنند ، آنچه که هزاران جوان شیفته اش را بر آن میداشت تا بسا

دستهای سرشار از امید فریادهای پیروز یاد تختی بدرقاش کنند ، تنها شناخت قدرت پهلوانی تختی نبود ، بل شناخت جوهر روح بلند ، انسان دوستی

وانسان بودن او با همه گستردگی مفهومی بود که وجود پرمایه اش را بسرحد غنا میرساند .

سیمای پهلوان تختی و وجود سرشار از مهرش چونان یک قهرمان ملی ، با همه رستم صولتی و آرش کرد آریش بردلها نقش بست .

آنگاه که پیوستگی رسمی تختی به سازمان جبهه ملی ایران بسال ۱۳۳۹ بگوش دستگاه استبداد رسید ،

سختگیری و کارشکنی برای او آغاز شد ، محدودیت چشمهای مهربان دوستداران پدرش به او می نگرند و با لبخندی یاد آورش میشوند که تختی جاودانه در دلها زندگی می کند .

باشد که بابک بر جای پدر تکیه زند و وارث همه آن زمان که قهر طبیعت ، زمین لرزه های راد منطقه آن خصلتهای بزرگ انسانی کرد .

قزوین بهار آورد و مردم بی خانمان روستا های بوئین زهراسخت نیازمند یاری بودند ، پهلوان تختی ، از سوی جبهه ملی برای یاری به زلزله زدگان بمیان مردم تهران رفت و درخواست کمک کرد .

در مسیری که از میدان ۲۴ اسفند تا میدان راه آهن پیچید ، مردم به ندای قهرمانان

جهان پهلوانان صفای تو باد
دل مهرورزان سزای تو باد

در پیش ساز رستم که در جوش نیست

جهان پهلوان ، با آن صفای سخن بروی آزمگین
و نگاه گریزان و زبان مهریمان و دل پر
امید با بازوانی به استواری پیولا د و قدی
افراشته ، از پشت سالیان دراز نویسدی
و یاس از راه باز آمد .

باز آمد ، شکوفا و جوان و سر بلند و طلوع
آن یل را مردم آذین بستند و آن خورشید
به شب تابیده را که گرمی امید با خود
آورد تا خانسی آباد زاد گاهش و خانه
کوچک و ساده و بی ریایش بردوش آورد
و آنجا در آن خیابان قدیمی با درهای
همیشه باز خانه ها و درویشی خانواده ها
بر فرشی از گل گام نهاد .

پهلوان در هنگامه فضیلت سوزی که از
سوسوی اختران نیز خبری نبود و مردم
سرد رگبندان فرو برده و گلپهای سرخشا
پر ریز شده بود همچون چشمه آفتابی
سرد راورد و بدینسان بارد یگر رستم از
میان صفحات شاهنامه گام بیرون
نهاد و به جنگ دیوسپید کمر بست .
آن گل رنج پرورده ، آن پیک پر شور آینه
که کلاف نواهای از هم جدا را مهرش به
هم بافت و دانسه پریشیده دلهارا به
یک رشته و به یک بند کرد ، در پیکار
دیوان در میدان نبرد مردی و نامردی
راستی و ناراستی به حیلتی تلخ
جان داد .

گرامی باد یاد آن یل ، آن جهان پهلوان
آن همیشه دوست ، گرامی باد یاد تختی .

هفتیبه

کدامین پیک را باید روانه کرد اکنون نزد رود ابه
کدامین نرمگوی نکته دان شاید گزارش را
چسان گوید بر آن شیر پرواز
که رستم قامت بر نائسی و پاکسی

بلند آوازه همزاد پیروزی
بر افراشته و رایات آزادی
در این پرکار د هشتناک

که اینک رایات افراسیاب و رایات کاووس بکرتک است
و پیروزی شهید سازش و افسون و نیرنگ است
بنا هنگام خود را کشت
کدامین دل کند باور
کدامین ضربه اش افکند
کدامین ناروا از پشت ؟
نگه در چشمها ابهری است بارانی

نفس در سینه ها شیون
سخنها در زبان نوحه
زبانها در دهان الکن
از این پس بی تو ایران شهر
درفش افتخارش را به بازوی کدامین یل برافرازد
در این دوران بی دریبی شکست و خفت و حسرت
که هر سوز از بی افراسیابان است
بدل مهر که بسپارد ؟

دمای مادران سوی که ره جوید
غریو کوه گان نام که را گوید
لبان آفرین روی که را بوسند
همه اورنگیان دیدن انیرانخواه

و در چشمان کی ، افراسیاب اهریمن پنهان
درفش کاویان از خون سهراب و سیاوش همچنان رنگین
شگفتی نیست گرسیر آید از جان رستم دستان
چنین بوده است باری ماجرای رستم دوران

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

به سوگت ای به سوگت هرچه چشم پاک اشک افشان
من اینک در تمام چشمهای پاک میگیرم
من اینک در تمام آههای سرد مینالم
لب و دندان گزان با خاطر اند و هبار خویش میگویم
تو بودی رستم دستان
نه با کاووس بر کاووس
چرا اینسان ؟
چرا ای رستم دوران
چرا افسوس

شهرمی از مظلومه خون سیاووش باد

خاطره پر شکوه آن جوان مرد جاودانه باد

ملت ایران زنگ تسلیم را نخواهد پذیرفت و مبارزه رها نمی بخشد خود را تا پیروزی نهائی ادامه خواهد داد

جبهه ملی ایران

سفر حاجت ملی
درباره جنبه ملی ایران
شماره (۵۵) پنجم
دیماه ۱۳۵۷

ناشانه در خون

تا یک ماه پیش، چکه های شان در خون بود و دستها پشان
تاج، اما اکنون تا شا نهد در خون ملت فرورفتگانند.
به شهادت برگ برگ کتاب تاریخ بشر و این بشرومانه
ترین و بی دلیل ترین کشتارها تاریخ است و وحشیانه
ترین آنها.
سالها و سالها، شرفی را که می بایست صرف ساختن
این ویرانه کنند و صرف خرید سلاحه کردند به امید
چنین روزهای سیاهی و به امید آنکه عاقبت، نفرت شصت
ساله خود را از این ملت تسلیم ناپذیر، با خون ریختن
تسکین بدهند. با کشتن بچه ها و کشتن جوانها و
کشتن زنان و مردان با ایمانی که مرگ را به هیچ گرفته اند
و شهادت را مقدم بر نان و نفست کرده اند و حیوانی تر پس
خصلت دستگا و سلطنت استبدادی کنونی پرورزی کند و هر
روز مرزهای تازه می آزد رند و خویش را پشت سر می گذارد.
دیگر هیچیک از مبره های ایدئسیاستند ضد ملی، هیچکدام
از یاسد اران این نظام فاسد نمی دانند جرمی کشند،
حتی آن سرباز بی سواد که برای چنین روزهای سیاهی
بیسواد نگذاشته شد و نمی داند که چرا هم همین خود را
بخون می کشد. دیگر حتی به امکان متوقف کردن رگبار
مسلسل ها و تاء ملی بر نتایج این جنون کشتار
نمی اندیشند. دیگر حتی به این مساله عماد که این کار
چسودی برای ایشان ندارد نیز نمی اندیشند.
فقط حرف از تلافی شصت ساله است. تلافی این که ارقام
شروتشان بر همه معلومند، فاسد و تلافی اینکه عیب
خیانت های شان آشکار شده است. تلافی اینکه فساد و
فحشاء و فارتگری های شان بر ملا شده است و تلافی اینکه
هرگز در طول تاریخ، حکومتی تا این حد منظر ملتی نبوده
است. آنها گمان می کنند که از این زندگی بگراورند و
یکدانشجوی وطن پرست، بگردد که با برهنه و یک
مؤمن، کمتر از زندگی آلوده و فنگین سرسپردگان به
اجنبی است. گمان می کنند که در صفحه ۲

آنگاه به حضور آیت الله العظمی خمینی

از متهمان یا ن مطبوعات، مستر مکزیر یا رسا نسورود یکناتوری
نورقتند تشبیه می کنم و اکنون که دولت غیرقانونی
جده بد مدعی برداشت ما نسوراست، آقایان به کار
ان آمده اند و از اختصاص به بیرون آیند تا تکلیف ملت
پاد دولت غیرقانونی معلوم شود و مقتضی است
کسب بر اختصاص به کنندگان محترم به اختصاص به خود ادامه
ت دهند که امید است پیوسته روزی نزد یک باشد.
اشاء الله به موفقیت باشاید.
۷ شهریفر ۹۹

آقای دکتر مختیار، از آن طرف راه نیست!

هنگامی که به طرح این مقاله می پرداختم صحنه جنگ
جمل و حضور طالع هوز پیرو روی علی (ع) در خمیسرم
تداعی شد. با اران در روزگه در بیگار بد رواجد بازوبه
بازوود ریکه صف ساد فانه می جنگند، اینک به جگرگاه
سک بگر نیزه فرمی کردند. نتایج این جنگد اخلی برای
اسلام بسیار بد فرجام بد زیرا هر چند طالع هوز میرکشته
شدند و مملکت جنگ گلی کشتاری خونین خاموش شد اما
نرآموش نکندم براد و برادر و خویش با خویش و بالا خیره
مسلمان با مسلمان گلاویز بودند و با آنکه سپاه حق نا هرا
ظلم یافت ولی اندام با طلحه و زبیر و برقراری جنگ جمل
در تحلیل نهائی به سود معاویه بود و این مسئله در دست
درباره جدائی شما نسبت به جنبش کنونی ملت ایران
صدای دارد.
آقای دکتر مختیار موضع سیاسی کنونی دولت شده اجایی
است. شبهه و نظیر شریفه مامی و از هاری و هویید اود بگران
و اجرای تشریفات صد اورت شما همان است که درباره
سایر نخست وزیران تحاق یافته است زیرا برادر بگران قبلا
از جان بشا و انتخا بوسن صد و فرمان کتبی به قدرت
میرسیدند. شما نیز برگزیده ایشان هستید منتها
بجای فرمان کتبی فرمان شفاهی در صفحه ۲

ملت ایران خواهان تغییرات بنیادی است نه جابجائی
مسئولان

بقیه تا شانه ...

که چون از دل راجتبی تغذیه کرد هاند ، ذرات خون شان گرانها تراز خون جانبازان " نهضت ایمان " است .
 خیابان ها خونین ، دیوارها خونین و جامعه ها همه خونین خون آزاد بخوانان . اگر تاد بیروزه این خیال باطل می کشتید که کشتن ، سیرانجام ، ملت را بجز آنود رمی آورد و عقب می نشاند ، امروز ، با کشتن مردم ، عیاشی می کنند .
 در نشانه کشتن و بیشتر کشتن فرو میروند . ولی می بینند که اگر هیچکی حتی به گریختن و پنهان شدن نمی اندیشد ، هیچکس به تسلیم شدن و عقب نشستن نمی اندیشد ، هیچکس هیچ راهی بجز سرنگونی نظام استبداد را نمی شناسد و به هیچ راهی بجز انهدام کامل دستگانه سلطنت استبدادی کنونی نمی اندیشد .

آیامی توان بر روی نعش ملتی نشست و برای مردگان ، فرمان صادر کرد ؟ آیامی توان امید و اربود که آیندگان یا غرور و افتخار ، در یک گورستان بزرگ ، شادمانه حکومت کنند و دوام بیاورند ؟ آیا حتی اگر یک نفر از این ملت شهید باقی بماند ، آن یک نفر ، اطاعت خواهد کرد ؟ کنار خواهد آمد ؟ تسلیم خواهد شد ؟ یا چنان که می گویند ، قرار بر این است که این سرزمین ، به گلی از سکنه خالی شود تا گروه بزرگی از اربابان به اینجا کوچ کنند و اینچنان ایاالتی از ایالات خود بشناسند ؟ در این صورت ، البته نوبت کشتار دسته جمعی سربازان ایرانی هم خواهد رسید .

اما ، هر روز ، به همان نسبت که بر تعداد بی شمار کشته شدگان افزوده می شود ، بر تعداد از جان گذشتگان و کفن پوشان و مسلمانان مجاهد نیز اضافه می شود . هر روز ، خشم و بیباکی و پایداری ملت ، بیشتر می شود .
 تا شانده ر خون ، هنوز در اندیشه مانده اند و دستم کردن و دزدیدن ، فردا که تا سرد ر خون ملتی فرو بیرونند ، در یگر فرصت نفس کشیدن و اطاعت امر بیگانها را هم نخواهند یافت فرد ای انقلاب که کودگان در رمد ر سه ها تاریخ می خوانند ، به راستی که تاریخ عصر خونخواران وابسته به بیسگانه چه شکوه مند و غرور آمیز است !!

بقیه آقاید کتر بختیار ...

گرفته و همین در مجله تحمیلی و نوگرمش و سلو با اختیار فرمان را بر چشم نهاد هاند تا گریز باید قبول کرد هیچ چیز تغییر نکرد هوشاد بزرگ و علت العلیل تمامها غیر قرار است . در خطابیهای که خواندید از مبارزه با فساد ، و تبه بر و تفریط ثروت ملی و تعقیب خطاکاران و افرادی که همسر ، و ما و جان و ناموس مردم حجاب و زخمود هاند یاد کردید ولی گفتار شد ایکمیرایه شاهان و قصبه های تهی از مفهوم

و کاملاً تخلیلی است و در رست روزی در همان چیزی است که شریف امامی و از عاری گفته هاند زیرا در ضمن اقرار به شیوع فساد به مفسد اصلی اشأ را نکرده اند ، نگاشته اند که آمر و مسبب این جنایات و حق کشی ها کست ؟ چه مقامی تحت چه شرایطی قراره بند ها و آدمکشها را با خاطر کشتن آزادی و برای حبس و قتل و زجر و تبهید آزاد مردان بخد متگرفته است ؟ اما اگر آقای بختیار در کسوت صد ارباب از دکرها جزایر هیزد آرند و بی مردم می کشند ، کتار بکرد هاند با قوت و قدرت بیان میکنند و از ردهای خویش را برون رود و ارباب شهرها می نویسند ، آیا دولت شما هم بر فرض صد ارباب در گفتار د راجرای برنامه های بی فایده خواهد شد ؟

توفیق د کتر بختیار امری محال و مستبعد است زیرا وضع اواز لحاظ تقارن و شباهت تاریخی با حکومت " کزنسکی " یعنی دولت موقت انقلابی روسیه در ۱۹۱۷ تطبیق مینماید کزنسکی سعی داشت بر خلاف شعار انقلاب میبوید و جبات مردود گذشتها بیاورد ، برای تحریک روزنه انقلاب بیرون د همد و ناگزیر بیند و نیرو شکست بخورد شد . هرگاه موضع سیاسی دولت به سوی همد قیام خورد به ضرورت جهت د همد د دستویاران جدید شان وی را ، نگذار خواهد دند و اگر از مسیر جنبش منحرف گردد قیام خودی بر کوشش می کند و در هر دو حال نتیجه کار بختیار نیز یکسان است .

اعلام سازمانی

جامعه بزرگان و اصناف و رشیدان بازار تهران در بخشی از اعلامیه ای که در پیان د هم در پیام انتشار دادند چنین اعلام نمودند : " ما بازاریان تهران که همواره پیشینه خستگی ناپذیر مبارزاترهای بخش ملت مسلمان ایران بود و ایماز همه مردم مشرقتند تهران و از همه گروههای اجتماعی می خواهیم که به این ند ای حق طلبانه پاسخ مثبت داد همه اعتقاد بر وسیع و کامل دست زده و بیسبب همبستگی وسیع خود نشان بد همد که همسازشی را پشت محکوم می د آرند و تا سرنگونی نظام سلطنتی غیرقانونی از پای نخواهند نشست .

اعلامیه سازگان ملی و لشکری و دانشجویان ایران

سازمان ملی پریشگان و ندان پریشگان ایران بخاطر بزرگداشت شهیدان هفته پیش و در شان همد لسی و همد ردی با خاندان بزرگ شهیدان روز یکشنبه ۱۷ ما ۱۳۵۷ را روز " عزای ملی " اعلام کرد و در این مؤاسبت از همه همکاران خواسته هاند که صلوات و رمانگهای خصوصی و عمومی را حاصل کنند و تقیما نوریت همسای پریشکی را در ربهارستانها در اوردند .

نگار بر سازشکاران خودکفر و خنده

خبرنامه جبهه ملی ایران

چون طهارت نبود کعبه و پندخانه یگیت
نبود خیر در آن غسان که عصمت نبود

تلاشی سلطنت استبدادی و استقرار وحدت ملی

دشمنان ملت در خط وابستگی به بیگانگان ، با علم به دریافت ملی و حساسیت مردم به همبستگی و خواست استقلال ، چند بیست خود را هوادار " وحدت ایران " می نمایانند و بریا کارانه از خطر " تجزیه کشور " سخن میگویند . خطری که فقط آنان با " فهم اندک " خود آنرا درک کرده اند و مردم مکه در رگوره انقلاب ملی چنانک دازی میکنند ، آنرا در نیافته اند !

تاریخ تحول ایران معلوم کرده است که ساکنان این سرزمین همگانه در برابر خطر سیطره بیگانه یاره یاره شده همین به یکپارچگی و اتحاد گرایش می نمودند و اوقاتی که مرزهای مملکت در معرض اغتشاش بود ، بیشتر از همه وقت مناطق جغرافیائی و واحد های اجتماعی در هم ادغام شده اند .

قیامهای پیروزمندانه ایرانیان در شام قرون و اعصار با خواسته های هر چند متفاوت و متضاد ، میل بوحده ت ملی را نمایان ساخته اند و برعکس در دوران که مرزهای کشور آرامش نسبی داشته و یا حکومت مرکزی مستحکم و جباری مصدر امور بوده ، منطقه ها و پاتیرها های ایرانی جهت رفاهی از دستم های حکومتی باد رنبرد اشدن کتت جامعه و یکپارچگی آن ، به عصیان برمی خاستند .

استبداد نیز در سرتاسر تاریخ این کشور موجودیت خود را در تجزیه و ناهم آهنگی جامعه جستجو کرده است بطوریکه می توان گفت بقای استبداد . . . بقیه در صفحه ۲

بازگشائی پیشکوه دانشگاهها بدست مردم

آنجا که همبستگی ، با عظمتی بی مانند اولین میوه های درخت برثمرش را بیارمی آورد ، آنجا که پیروزی یکمیکار بر بار ، با نویدی نشسته بر بالهای پرنده گان سفر کرده از افق های آزادی ، نگویند پایه های لرزان و پیوسیده بنائی یوشالی را مژده آورد هاست ، آنجا که بیگیری مبارزه ی توامان استاد و دانشجو ، بزعم توطئه های دستگاه رعب انگیز و وحشت نژادی کارگاه استعمار ری بسا همکاری سازشکاران تازه بخد مت در آمد هاش شکست قفل های زنگار بسته استبداد می را از در های دانشگاه ها و سازمان های آموزشی در پی آمد دارد ، چه جسای کمترین فرد بد و بد نی در پیروزی نهضتی بزرگ و انقلاب آفرین می تواند باشد ؟

در برپائی و استواری استادان رزمند ، در سنگر دانشگاه تهران ، تحمیل بیست و پنج روزه اشان که با انسحکام و سرسختی بی نظیری تا روز پیروزی شان ادامه داشت و بیست نشینی استادان پیکارگر گریلی تکنیک تهران که یک روز پس از شهادت دکتر کامران نجابتالهی آن شهید میهن در دست بوسلیله هره در رایان قدره بند حکومت نظا می در هم می کشند بعد منحر به گشایش دانشگاه ها سازمان های آموزشی عالی بدست دارندگان و اداره کنندگان اصلی آنها شد و در روز (بیست و سوم دیماه) با حضور هزاران استاد و دانشجو ، معلم و دانش آموز ، کارفرما و کارگر . . . بقیه در صفحه ۲

جاوگیری از سخنرانی داریوش فروهر و سرسخنگوی جبهه ملی ایران

هشت کامیون و رنجرهای مسلسل به دست گهتنامی سلاح میدان تحریرش را زیر نفوذ داشتند با افسران و رجهه ارانی که سراپا چشم و گوش بودند تا هر وقت یآمد و هر گه تکوئی را کنترل کنند با ادعاهای د و لنتی پشتوانه تازه از راه رسید ، با کوله بار و روغ و شهنیت و سوگند ها ای که نه گون یاد سلیمان میرزا اسکندر ی آن شاهزاده سوسیال د موکراتی که خود را وزیر سی هزار سر نیزه مید استت بارت بگزنند کرد . با این تفاوت که او بد فاع از نظا م د یکتاتوری نیویا مید ان آمد و بختبار بهد فاع از نظا م از هم باشد " سراپا ندگ و نفرت د یکتاتوری کنونی که در مسلخ بهد دستویازد ن افتاده و به هر خاشاکی برای ادامه حیات دست می یازد سازمان ملی یزشکان و د انیزشکان ایران با همکاری یزشکان مرکز د رمائی تجربیش یاد عوتی که از داریوش فروهر سخنگوی جبهه ملی ایران بعمل آورد ه بود ند روز شنبه بیست و سوم دیماه ساعت ه با عد اد د مرکز یزشکی تجربیش انتظار او را می کشید ند . گرچه اوضاع و احوال . . . بقیه در صفحه ۳

مقدم زندانیان مقاوم سیاسی گرامی باد

بقیه تلاشی
 و حیات آن درد رهم ریختگی اجتماعی بود .
 استبداد همه گاه به خفقان و سکوت یکپارچه مردم نیاز
 داشته است و با جبار نوعی " وحدت " را دنبال میکرد .
 که در اصلاح می توان به آن وحدت شهری نام داد .
 استبداد بیان با سرهم کردن نوعی شبهه ای در پیروی و
 مجبور کردن به تبعیت از آن مانند نظام های فاشیستی
 و توتالیتریستی حکومت میروانند ، در ایران با وجود
 نظام سلطنت استبداد و جباریت مطلق آن تاسیس
 " حزب رستاخیز " و عنوان کردن " فراگیری " آنرا بیشتر از
 این نوع بشمار آورد .
 مردم قهرمان و شناساگر میهن ماد و دورد مد اصغر ازید و
 هجوم خارجی به ایران و برخورد های فرهنگی ، خود بخود
 مقاومت مبارزه خود را در هم بستگاری ملی منظم میدادند
 نه مستقیم و طبیعت و جنبش ملی کردن صنعت نفت هر دو
 آنچنان شرایطی را بوجود آوردند که جنگ گانگی های
 اجتماعی و عقیدتی ، تحت لوای واحدی شکل گیری کردند
 که حتی در گذشته های تاریخی نیز کم نظیر بود .
 انقلاب عظیمی را که ملت ماد و زمان حاضر بوجود آورد ، و
 بی شک ریشه در تمام حرکت های پیشین دارد ، بایستی
 وحدت بیشتر تجلی و شکوه داد داشته که به جرات میتوان
 ادعا کرد که این کیفیت هیچگاه در تاریخ ملی ماد دیده نشده
 است . حرکت مردمی زمان ما که از لحاظ کمی و کیفی و موکراتیک
 نیز کاملاً " نو ظهور است ، بعینت داشتن خصوصیات
 اجتماعی ، مسیری پیشیافتند در خط آزادی و استقلال
 و عدالت انتخاب کرد است . ساکنان تمام منطقه همسایه
 و متعلقان به همه تیره های ایرانی و ساکنان همه ادیان
 و مذاهب عقاید خود را بطور خود موش و پیا رفتند در
 اختیار انقلاب قرار دادند و به گانگی و همبستگی بی
 مانند ی رسید هاند که در اصلاح می توان به آن وحدت
ارادی نام داد که کاملاً " در برابر وحدت شهری قرار داد
 دستگاه استبداد از ملی سالیان در راز با قرار گرفتن در
 دامن بیگانه ، مملکت ما را در آستانه سقوط قرار دادند
 است و در این روند بی بنیاد ، خود نیز در مرتزقانی و تجزیه
 قرار گرفته است . تجزیه و پاره پاره شدن خود را به شمار
 " تجزیه کشور " گذاشته و گمان می برد با عنوان آن موجب
 بقای خود و مانع تجزیه و پراکندگی قدرت مطلقه خود
 میشود . مردم ایران در انقلاب خود ، تلاشی و پایداری
 همه بنیاد های حکومت جبار و نهاد های وابسته به آن را
 دستاورد در رخشان خود میدانند و از آن با افتخار و غرور
 سخن میگویند چه تجزیه نباشد ، حکومت استبدادی

برابر است با یگانگی ملت و برقراری و تدایم حاکمیت ملی .
 بازگشایی
 بازرگان و پیشه و روپا شرکت نمایندگان روحانیت مترقی و
 تینی چند از رهبران ملی و نمایندگان سازمانهای ملی و مبارز
 نهاد بازگشایی دانشگاه تهران بودیم .
 و آغاز این مراسم که از ساعت ۱۰ دیامداد بود ، بیانیه هیئت
 وقت دبیران سازمان ملی دانشگاه هیأت خوانده شد و سپس
 به نشانه یاد بود و گرامیداشت شهید ای را آزاد ای ایران ،
 بویژه دکتر کاظم انصاری ، اعلام یکدیگر قیقه سکوت شد
 علاوه مجاهدات الهی و الهی لسانی یاد رود براستان مبارز
 و ستایش مبارزاتشان آغاز سخن کردند . ایشان پیروزی
 انقلاب ایران را حتمی و اثرات رهائی بخش آن را در زندگی
 مردم مستضعف کشور های منطقه و در نهایت در نیاید
 آرزو کردند . پس آنان نماینده سازمان ملی دانشگاه هیأت
 شعبه های از مبارزات و شرح و توضیح استادان را یاد آورد
 همبستگی دانشگاه هیأت را با سایر گروه های ملت ایران
 تلمیح است آوردن آزادی و استقلال کامل خاطر نشان
 ساختند . پس از سخنان این نماینده هر یکی از دانشجویان
 مبارز سخن گفتند . آقای دکتر هدایت اله متین در فتری
 بعنوان نماینده کانون و کلاسی داد گستری سخن راند .
 او در بخشی از سخنانش گفت " ما و کلاسی داد گستری جدا از
 دانشگاه و دانشگاه هیأت نیستیم ، همگی از این دانشگاه
 تهران ارتزاق علمی کردیم ، همه فرآورده های این
 دانشگاه هستیم و زمانی در دستگرمبارزات ملی همدوش
 یاد دانشجویان در مبارزه بر علیه استبداد و استعمار قدم
 برداشته ایم " .
 آقای سفیری ، دبیر سنده های نوبتندگان و خبرنگاران
 مطبوعات از دیگر سخنرانان بود . و پس از وی آقای دکتر
 راشد نماینده سازمان ملی پزشکان و دندانپزشکان ضمن
 تبریک به دانشگاه هیأت گفت " سازمان ملی پزشکان و
 دندانپزشکان در این مدت تمام کوشش هایش را بکاربرد
 تا با تمام قوا در جهت مدد آوای زخمی شدگان کشتارهای
 اخیر کوشا باشد " .
 در ساعت یازده و نیم ، آقای دکتر کریم سنجابی در بیرکل
 حبیبه ملی ایران رشته سخن را بدست گرفتند .
 ایشان سخن خود را بنام خدا و پیام ملت بزرگ ایران
 شروع کرد و پس از تبریک به دانشگاه هیأت گفتند :
 " خراهران ، برادران و شاریخ پرست و پنجساله ، تاریخ
 بر اهمیت دوران ماد و قسمت دارد ، و تاریخ است یکی
 تاریخ سیاست و آن تاریخ است ما برومند است اوآلت
 دست او استبداد است و تاریخ دیگر ، تاریخ جان فشانی

درود به استادان و دانشجویان مبارز دانشگاهها

و کوشش و آزادی طلبی و حریت خواهی تمام اقشار ملت ایران است . در این بند تا ستم اد و استعمار کوشیدند تمام سرمایه های ما را بفشارت بردند و تمام ثغره حریت ما را و استقلال ما را بیاد دهند و در این دوران سیاه چاله ها پر بود از زندانیان آزادی طلب .

آقای دکتر سنجایی در بخش دیگری از سخنان خود گفتند : " ما ، این پیروزی امروز را هر چون شما هستیم که با کوشش خود نشان دادید ملت ایران زند ما است ، ما این پیروزی را هر چون روحانیت مرفقی خصوصاً حضرت آیت الله العظمی خمینی هستیم . من شما باید گی از طرف شما به آن رهبر بزرگ و عالی قدر و سلام و درود میفرستم امیدوار هستیم بزودی در همین کشور شما هد زیارت ایشان باشیم . انشاء الله بزودی آنچه را که خواهاستش بود بیم یعنی آزادی و استقلال ملت را در آغوش کشیم .

امید است بزودی به پیروزی برسیم و استقلال کامل نائل آئیم . آری ، در پیروزی بود فرشته در آید .

بعد از سخنرانی آقای دکتر سنجایی ، آقای دکتر بهشتی از سوی روحانیت تهران صحبت کردند و بعد از ایشان آقای دکتر سجایی استاد بازنشسته دانشگاه تهران از سوی نهضت آزادی ایران سخن گفتند ، آقای دکتر لاهیجی نماینده جامعه حقوقه آنان و آقای گلشن نماینده کارکنان دانشگاهها از دیگر سخنرانان این گرد هم آئی یا شکوه بودند .

پس از آن تازه ترین پیام حضرت آیت الله العظمی خمینی که بتاريخ بیست و دوم دیماه بود توسط آقای عباس شیبانی خوانده شد .

همچنین آقایان دکتر میثاقی نماینده جمعیت دفاع از آزادی و حقوق بشر ، و آقای حاج محمود مانیسان بازرگان سرشناس و عضو شورای جبهه ملی ایران سخنرانی ایراد کردند .

در دانشگاه ملی

در سالن اجتماعات دانشگاه ملی که کنهت نصب و گازوقیل سرمایه بیرون از طاقت بر آنجا حاکم نموده بود هزاران دانشجو ، استاد و دانش آموز فرهنگی وجه بهتراست بگوئیم هزاران همشهری مبارز گسرد آمدند تا شجاعت دانشگاهیان را در مبارز گشایی این قانون های گروما بخش ببینند .

کثرت جمعیت چنان بود که جای ایستادن حتمی برای یکفرهم باقی نمانده بود . سخنرانی های پر شور دانشجویان و استادان هوای بیخ زده سالکین را گرم و مطبوع کرد ، در کنگره اشانی از جمله سخنرانان

این اجتماع بود که حمله به استادان انوکشته شدن در کنگره سالیسی و استخفی مورد انتقاد قرار داد و سرانجام دکتر امیرعلائی دکتر صمدی و دکتر صدقی ، عضو هیات اجرایی جبهه ملی ایران رشته سخن در دست گرفت ایشان در آغاز از مبارزات ضد استبدادی و ضد استعمار بود دکتر محمد صدقی و نهضت ملی شدن صنعت نفت و همچنین در باره خلع ید از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران و کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ سخن گفت . آقای دکتر امیرعلائی در بخش از سخنرانی خود گفت : " حال که حکومت زور و ارباب موفق نشد به حلیله دیگری دست زد و مانند دست بعد امن اشخاص یا اصلاح ملی زد و مانند تا از این راه مردم را بقربیند و احتمالاً ساکت کنند و موج انقلاب را متوقف نمایند ، ولی خوشبختانه مردم گول جرثومه های فساد را نخورند و همچنان انقلاب را بر رهبری حضرت آیت الله العظمی خمینی پیش ببرند . " آقای دکتر امیرعلائی همچنین گفت : ارتش که باید حافظ مرزهای کشور باشد و از استقلال و حاکمیت دفاع کند باید روی مردم قرار داد شده ، ما با ارتش ملی احترام میگذاریم و میکوشیم برادران ارتشی ما گول می و لنان و نخورند و با طرف مردم بیایند . برادران ما شمارا در آغوش میگیریم ، شما برادران ما هستید و کسی با یستی اسلحه را بسوی مردم مهدف کنید بلکه باید با دشمنان ایران دست بگریبان شوید .

آقای امیرعلائی سپس ایمان و اعتماد جبهه ملی را نسبت به اعلامیه سه ماده ای بازرگانه مورد توافق حضرت آیت الله العظمی خمینی و آقای دکتر کریم سجایی قرار گرفته است تأکید کرد . آخرین سخنران این اجتماع شورانگیز روحانی مبارز آقای دکتر صدق بودند که آخرین اعلامیه حضرت آیت الله العظمی خمینی را در میان افراد احساسات همگان خواندند .

جبهه جلوگیری از . . .

در وجود نظام میان همه جایراکت ها با جبهه های تراشیده در راز و مستل های آماد و در زهای بسته بیمارستان و کنترل شد ، نشان آن بود که برنامه های اجرا نخواهد شد . دولت سرسبز و مکررات هم تفاوتی با دولت سران نظامی ندارد و با این همه پزشکان انتقال و ورود فروهر را می کشند و برغم تذکراتی نظامیان پشت میله ها جمع شده بودند .

وقتی در اورسروش سرور و روزنه های د بریسای نهضت ملی نزد یکدیگر در بیمارستان از انوشییل بیاد شد

سرهنگ و سرگردی بالبا سوزیه، جتربازان در حالیکه از ورود اوبه بیمارستان جلوگیری بعمل آوردند و کوشش پزشکان برای کسب اجازه و رفع مانعیت بجائی نرسید . پزشکان این مرکز در زمانی پس از اعلام هفته بازگشائی در دانشگاهها تصمیم گرفته بودند در پایان کرده هم آئینی به همراه داریوش فروهر را می دانشگاه تهران شوند و در مراسم باشکوه گشایش دانشگاه شرکت جویند که رعایت روح قانون اساسی و از جانب دولت درازشکار همه برنامه را در هم ریخت و بدینسان نبارد بگرد آمدتی بسیار کوتاه بر همگان آشکار گردید که تا کید بر اصول هد نههای جبهه ملی و پنهان شدن در پشت عکس پیشوا و جز فریب و سالوس نیستوبی گمان مردم ایران گناه آنرا که در بزنگاه تاریخی باد شنه ای از پشت نهخت راز خفی می نماید سبکتواز گناه دیگر پاسد اران نظام مملطنتی غیرقانونی نمی دانند و این هنوز از نتایج سحر است! سحری بی گمان کاذب که صبح دولتی به همراه نخواهد داشت . پیرا ز آنکه پزشکان و کارمندان و دستیاران و پرستاران مرکز پزشکی تجریش از برنامه سخنرانی داریوش فروهر نومید شدند در داخل بیمارستان به اجرای بقیه بخش های برنامه پرداختند و نخست یکی از روحانیان حق طلب پیرامون مبارزات مردم ایران سخن گفت و سپس د کتر فرحی از سوی سازمان ملی پزشکان و دندانپزشکان و پس از ایشان د کتر غلامحسین د فتری پزشک مبارز شهر قزوین پرد ه از جنا پنهان د ستگاه استبداد در بهائش کشید و کشتار قزوین برداشت و در پایان د کتر بهروز برومند از سوی شورای جبهه ملی ایران طی سخنانی مخالفت از پیوستن سخنگوی محبوب جبهه ملی ایران را به مردم محکوم کرد و در پایان نمایند ه پزشکان مرکز پزشکی تجریش عزم راسخ کارکنان و پزشکان و پرستاران این مرکز در زمانی را در راه مبارزات رهایی بخش ملی و تأییل به آزادی و استقلال اعلام داشت .

نهضت ادهم داره

آبادان — کارکنان و کارگران مبارز صنعت نفت آبادان و مردم آزاد ه آبادان در روز بیست و سوم د بهماه دست به یکراه پیمائی عظیم و پرشکوه زدند . این راه پیمائی که بیش از دویست هزارتن در آن شرکت داشتند از خیابان امیری شروع و به استاد یوم ورزشی "تختی" ختم شد . در پایان قطعنامه این راه پیمائی که در آن نفرت شدید اهالی آبادان نسبت به دولت د کتر بختیار ابراز شد ه بود مورد تصویب همگان قرار گرفت .

پیروز باد ملت

تبریز — کارمندان وزارت کار د ساعت ده باید اد روز شنبه بیست و سوم د بهماه د رسالن اجتماعات آن وزارتخانه گرد آمدند . این گرد هم آئینی بمناسبت آزادی د وطن از کارمندان مبارز وزارت کار ، آقایان محمود رستمی و هاشم سلطانی از زندان ترتیب داد شد ه بود . در این اجتماع زندانیان آزاد شده از همبستگی همکاران خود که منجر به آزادی آنان شده بود ، سپاسگزاری کردند .

خرمشهر — زنان و مردم ان آزاد ه خرمشهر در پایان راه پیمائی باشکوهی که همه شهر را در نوردیدند قطعنامه خود را که در آن نسبت به دولت سازشکار بختیار ابراز نفرت و اعتراض شد عبود و باد رود به مبارزان آزاد بخواه و استقلال طلب سراسر ایران به پایان رساندند .

نظامی به سعادت استان کل کشور مفتخر " ، با گاه می مقام میرسانیم ، که در نیمه روز پنجشنبه مورخ هفتم د بهماه ۵۷ ۱۳ ساعت ۱۱ د ر خیابان ملکشهر تهران کودکی خردسال و پیرزنی ناتوان د را شرب خورد نیروهای فرمانداری نظامی با گروهی از مردم مورد اصابت گلوله ، ما مورین واقع و در خون خود میغلطند و استر حاما " از مردم و ما مورین فرمانداری نظامی استمداد میطلبند و چون فریاد رسی پید انمی شود فرزند ۲۳ ساله ما بنام مهدی مجیدیان فارغ التحصیل رشته معماری از انستیتوی تکنولوژی ونک ، بفرمان خدای خود و فرمان وجدان بشری و وجدان ملی خود بکدکمت و مین معصوم می شتابد و آناترافرشته وارد آغوش میگیرد که مورد اصابت گلوله یکی از افسران فرمانداری نظامی قرار میگیرد و گلوله از محل عقد الحیات وارد و از سمت راست صورتش خارج و فرزند مان در دم کشته میشود . باشد تا وجدان قضائی قوه قضائیه و وجدان ملی ملت ایران و وجدان تاریخ مانا می شرافتمندانه که بهای خون فرزند مان باشد بر او نهند و روان پاک او را در ملکیت والا شاد سازند . فرزند ما با پنداری پاک و کرداری درست و گفتاری راست شرافتمندانه زیست و شجاعانه بندای وجدان خود پاسخ گفت و فرشته وار باید بیت پیوست .

ما میخواهیم نامش بر لوح وجود ان قضائی کشور ایران ثبت گردد و دادستان محترم دادخواستی فرماید و قوه قضائیه به د آوری نهشند .

خبرنامه و مانیز برای ثبت د وجود ان تاویخ بیداری ملت ایران بهد رج استمداد نامه این پدر ماد را غمدار مبارکرت و وزیدیم .

زافرشتگان بپرید و باد دیوان در آمیخت
خفاش از مهر جهان آراک ریزد

خبرنامه جبهه ملی ایران

استمرار حاکمیت ملی

جبهه ملی ایران است

شماره (۶۶) دوشنبه بیست و پنجم
دیمه ۱۳۵۷

نه هر که طرف کله کج نهاد و...

کابینه دوماهه سران نظامی که بگونه آخرین تیرهای
ترکش به میدان آمده بود، پس از کشتار هزاران ایرانی
با ایمان، گسترش خفقان و ایجاد گرانی بیسابقه و قحطی
وسرانجام بالا گرفتن ورشکستگی اقتصادی، در میان موج
اعتصابها و اعتراضهای خونین با رسوایی و آبرویا خستگی
کفایت و تجربه ای بر تجربه های تلخ استبدادیان افزود که
باتهدید و کشتار و برآهانداختن قحطی های ساختگی در
سوخت و مواد غذایی نیز مردم را نمی توان بزاند آورد و
پس از آن در حالیکه سراسر ایران در خوب نشسته و ایران شهر
شهیدان شده بود و از با موها و گلوله می بارید و بدن دلاورا
به خاطر یقین نظام سلطنت غیرقانونی در زیر چرخ های
سنگین توپ و تانک تکه تکه می شد و ماسخترین روزهای
انقلاب را می گذراندیم دست خیانته راستین همراهی
بیرون آمد و با ارائه دلایل واهی و تکیه بر اصولی که ناشی
از ذهن گرای بی توجهی به واقعیت های قابل لمس
جامعه مسلمان ایرانی بود به خدمت دستگاهی رفت که
ذره ذره از وجودش بر مینای نبود ایران و تباهی ما و میهن
ماست و بیست و پنج سال فساد و... بقیه در صفحه ۲

دعوت جبهه بازرگانان و اصناف و پیشه واران بازار

بنام ایزد یکتا

مردم شرافتمند تهران:

گسترش مبارزات خشکی ناپذیر ملت ایران در سراسر کشور
به رهبری مرجع عالیقدر شیخیان جهان حضرت آیت الله
العظمی خمینی، نشان دهنده تصمیم قاطع مردم
جان برکف ما برای انهدام رژیم طاغوسی و استبداد وابسته
به بیگانه است.

اینکه که ملت شجاع ایران با پایمردی و فداکاری و شهادت
هزاران مرد وزن حق طلب در راستانه پیروزی قرار گرفته
نیرنگها و دسیسه های نظام حاکم فاسد و سیاستهای
مخرب جهانی پشتیبان آنها رویه فزونی است.
ما بازاریان تهران که پیوسته... بقیه در صفحه ۲

راه حل سیاسی غرب!!

در حالیکه نظام سلطنت غیرقانونی در حاکمیت
شناور است در ولت بی اختیار بختیار بعنوان یک بهر
دور راه حل سیاسی و رفع مشکل ایران ظاهر میشود،
در آن زمان که کشتی جنگی آمریکا آبهای هند را
در می نوردد و بمینظور تهدید به سوی خلیج فارس رومینند
سیاستمداران آمریکا پنهان نمی کنند که برای خروج
ازین بستان و گشودن یکراه حل سیاسی با مخالفین
رژیم به مذاکره نشسته اند! و همین جاست که بیانش
سطحی دیپلماسی واشنگتن در برآورد معادلات
اجتماعی ایران آشکار میشود زیرا بختیار را با ملت ایران
اشتباه میکنند. آیا بختیار میتواند خرطوم این آتش
نشان را مسدود نماید؟! آیا واقعا علل وجهات معارض
بیست و پنج ساله ایران که منجر به انقلاب اخیر گردید
از چشم آنها فیکه در ولت لرزان و معلق بختیار را بعنوان
آخرین سنگر در خروج ازین بستان انتخاب کرده اند
مخفی ماند و یا جاهل میکنند؟! آنچه در ایران میگردد
یک مبارزه ساده و موضعی یا مربوط به یک گروه و یک حزب
نیست که امکان زور بردن با تاکتیک سنتی گذشته میسر
باشد و فی العثل هویدا می فراماسون بهائی شده و رابینند
و آموزگار نامسلمان و جاسوس شماره دار "سیا" را بیابورند
و چون غلام حلقه بگوش سفارت آمریکا شکست خورد تجربه
را تکرار کنند و بر قدامت منحوس شریفامامی رهبر و استاد لژ
اعظم فراماسونری خلعت صدارت بپوشانند.

ایران درگیر یک انقلاب است، انقلابی عمیق و گسترده
با هزاران تلفات در سراسر کشور از این تا جلفا و اینک غرق
در آتش و خون است که از یکسال پیش تا کنون ساعت به
ساعت و لحظه به لحظه آهنگ قیامتند ترشده و به تناسب
کشتارهای جمعی رژیم جبهه مبارزان متشکل تسرو
کیفیت و ماهیت جهاد سخت تر و فشرده تر گشته است
تا جاییکه جهش و موج و تهاجم سه ماهه اخیر را به زلزله
میتوان تشبیه نمود چه آنکه تمام نهادها را زبر کرد و
مجموع تاروپودها و بندها و... بقیه در صفحه ۲

پیروزی با انقلاب پرشکوه ما

بقیه راه حل . . .

سكان های رژیم راد رهم کوبید هاست اینک توانائی رژیم به تعد ادی ژنرال فاسد که بخون ملت پیمان بسته هاند و شریک جرم جنایات و فساد هاود زد بیها بود هاند و منحصر میگردد بنا براین د زمان انقلاب برای خروج ازین بیست راه حل انقلابی ضرورت د ارد نه بند بیست سیاسی ، شعاد زمانی متحول و با اجتماعی بتقلبکته ها و زگان بخون نشسته وسی هزار قربانی بجای گذ ارد ، سر و کار د ارید نه بایک نظام فاسد و منحط و سده ، چگونه میتوان به کالبدی متعفن شده و ویوسیده حیات د و باره داد ؟ اعجاز سیاسی شعاد ر نیست زند گی این مرد و راتجد ید نماید بنا براین تنها راه حل و خروج ازین بیست تمکین و قبول خواست جنبش مرد هاست و لا غیر . مرگامتا کتیک غرب اینست که شیخ مخوف گذشته های یک کود تا یا شبه کود تا یا تهاجمی تند علی قتل عام هزاران هزار مرد مجان به لب رسید ه تجد ید شود و یک قصاب سا طور بدست از روی اجساد خون آلود پنج میلیون آدم دوار میان ایران خاکستر شده بگذرد و بر کرسی قدرت بنشینند و ظلمت استبداد و سیاهی و تبه کاری گذشته را برای غارت و چپاول این کشور ادامه دهند ، ما برای این آخرین آزمایش هر چند تلخ و هر چند شوم و نامبارک است به جان آماد ه ایم ما با این تصور د ریطن این د ریای آترو خون و در زیر این خاکستر گرم ایرانی د یگر با چهره های که از بیفرض و انتقام غرب ملت سب و جوشان است طلوع خواهد کرد و در این حال ایران آنروز فقط به قصاص و انتقام از غرب می اند یشد و همان گونه که شاه د رمصاحبهای با هفته نامه "ابرزور" اشا ره نموده و کیهان نقل کرد هاست " غرب ظور سه ما خواهد مرد " و من فکر می کنم ملت ایران د را بر از کینه و نفرت محق باشد زیرا غرب می خواهد برای چپاول و غارت این سرزمین سن ملت آثران بود کند و اثری از آن باقی نگذ ارد .

بقیه نه هر که . . .

و خیانت و مرگ بر ملا از انی د اشتهاست . این دشمن خانگی با همان منطقی به جتنگ مرد آمد کسب استبداد یان سال هاست بد آن مسلحند و خورد را احقا فریب مید دهند .

آقای بختیار ، بقای ایران و بیگانگی مرد د ایران و سلامت ود ر امان بودن مرزهای ایران هرگز و هرگز د رسایه شوم سنیا ره بیگانگان ممکن نبود و نیست . وجود این جغد پیر استبداد خود موجب تجزیه ، نفاق ، وابستگی و انهدام است . وقتی از بلندی کوههای سپند و سبلان تا کرانه های

خلیج فارس همه و همه فریاد بر می اورند و یک چیز را طلب می کنند و با خون پاک خون آزادی رارتهمی زنند چه معنایی جز وحدت تنریگانگی و استقلال می تواند داشته باشد آن زمان که قاعدهای از خاک میهن را بیشتر مانع جد ا کردند و به بیگانگان تقدیم نمودند و مرد ماین مرز و بوم بی تفاوت از کنار آن گذشتند ، آن زمان ایران به تجزیه و تلاشی تهدید می شد ، نه امروز که شیخی و سنی ، با سواد و بی سواد فقیر و غنی ، همه و همه با هم د ر یک صف براه می افتند ساعتها گریه و تهنه فریاد می زنند و آزادی را و استقلال را طلب می کنند .

آن روز میهن ما به تقسیم و تلاشی تهدید می شد که صف جلوی زند انهارا کسی تماشا نمی کرد ، بر شهیدان میدان تراشگی نمی بارید و صدای گلوله های آنها که به ایثار د به میرد ان خید می گذ ارد ند کسی را از خواب بی تفاوتی بیدار نمی کرد . آن روز ، نه امروز که حصارهای خانه هایمان فرو ریخته د لبها یمان یکی شده ، ما زند رانی و کرد ستانی ، آذ ربا یجانی و خوزستانی همه و همه یکدل و یک زبان شد ه ایم . این معنای وحدت است ، معنای استقلال و معنای انسان بودن است .

با سیر مصدقی بودن به عهد ان نبرد چه کسانی آمد هاید د ریشت این نام مطهر و بزرگ د رحالیکه پیمان شکسته و از پشت خنجر زده هاید مخفی نشوید .

با کوله باری از خیا نتچه جای مرجعیت و صلاحیت برای حل مشکلات اساسی مرد می همیار و تواناست ؟ هوس د سه روزی تکیه بر مسند بی ارزش نخست وزیر ی ، آنجا که اقبال ، علم ، امینی ، منصور ، هوبد ا ، آموزگار ، شریف امامی و از هاری تکیه زبند چه جای راست نشستن و طرف گله کج نهادن است !!

د ر این لایمکنده " خاموشی که برای خود ساخته اید د ر این بزوت آیا جای شما کجاست آقای بختیار ؟!

زیرا که جای جبهه ملی کاملاً معلوم است میان مردم ود ر کنار آنها هر کجا همه مردم ، همه پابرهنه ها و بسا شرف ها ، همه زنان و مردان آزاد ه هستند آنجا جبهه ملی هم هست ، ولی جای خود شما کجاست ؟! آقای نخست وزیر ، نه د رمیان د وستان ونه د رمیان مردم . وای بر خود خواهی که چه شمر تلخی بهار می آورد

بقیه دعوت . . .

از ره روان راستین مبارزات ضد استعماری و ضد استبداد ملت ایران بود ه ایم اینبار هم د وشاد و شهمه ایرانیا ن بیخاسته ، مبارزه را برای د ر هم شکستن توطئه های

همه زند اندانیان سیاسی را آزاد کنید

شوم غد مرد می تاسرنگونی نظا مسلطنت غیرقانونی
 واستقرار حاکمیت ملی ادا خواهدیم داد و برای نشان
 دادن عمق نفرت خود از سازشکاران سیاسی و اعتراض
 به کشتارهای بی امان از شما مردم شرافتمند تهران، از همه
 کارگران، پیشه وران، کارمندان، دانشگاہیان،
 فرهنگیان، دانشجویان، دانش آموزان دعوت مینمائیم
 در اجتماع روز دوشنبه بیست و پنجم دیماه ساعت ده
 بامداد در سرای حاج حسن بازار مقابل مسجد سید
 عزیزالله شرکت نمائید.

جامعه، بازرگانان و اصناف و پیشه وران بازار تهران
 وابسته به جبهه، ملی ایران.

اعلامیه شرکت واحد اتوبوسی رانی

در این موقع از زمان که هم میهنان شریفه پیروی
 از نهضت سرور آزادگان حسین ابن علی و پیوند راه حق
 در تکرار انقلاب اسلامی برای رهایی از زیر یوغ استعمار
 برهبری آیات عظام برای فروریختن این کاخ ظلم و ستم
 بانشار جان خود حاضرند این ولیفه شرمی را بانجام
 برسانند ما کارگران زحمتکش شرکت واحد اتوبوسرانی تهران
 و حومه که در هر زمان و موقع با تحمل بیشترین رنج و
 کمترین مزایای یک خدمتگزار واقعی و حقیقی در خدمت
 مردم بخصوص طبقه کم درآمد بوده و هستیم و متذللیم
 طبقه حاکمه نتوانسته کوچکترین خالصی در عزم یا سخما
 در همبستگی با این نهضت بزرگ اسلامی بوجود آورد لازم
 میدانیم یارد یگر هم بستگی خود را به این جنبش اعلام
 داشته و با کسب اجازه از ره نمود های اسلامی و انسانی
 مجاهد عالیقدر حضرت آیتاله طالقانی و با توجه با اینکه
 در حال اعتصاب هستیم در هر خط تعد اد قلیلی اتوبوس
 از تاریخ ۲۵ / ۱۰ / ۵۷ بکار مشغول امید است بیماری
 هم میهنان عزیز بتوانیم نیاز طبقه کم درآمد را از نظر
 ایاب ذهاب تا همین نمائیم.

بازرگانی و آقای ملکی عضو از زمان ملی، دانشگاہیان و
 نمایندگان راد یوتلوویزیون ملی ایران و توانیر سخنانی
 ایراد کردند.

آقای دکتر احمدی گوی استناد مد رسه عالی بازرگانی
 قطعه شعری خوانده و آقای ادیب برومند عضو شورای
 مرکزی جبهه ملی ایران شعرک از سرود های خود را
 قرائت کردند.

آقا و خانم رضائی، پدرو مادر ری که در راه نهضت ملت
 ایران جان چهار فرزند خویش را پیشکش کردند، برای
 حاضران از لزوم وحدت و همبستگی در راه انقلاب ملی
 سخن گفته و یاد آور شدند از اینکه آنان نیز سهمی در
 پیشبرد نهضت داشته اند خوشوقت هستند.

سخنران اصلی این گرد هم آئی آقای داریوش فروهر
 عضو هیئت اجرائی و سخنگوی جبهه ملی ایران بود که
 به مدت سی دقیقه سخنرانی کردند.

بیمارستان شماره (۴)

اجتماعی که از ساعت ده بامداد دوشنبه بیست و شوم دیماه
 در سالن اجتماعات بیمارستان شماره ۴ بهمداری
 و بهزیستی تشکیل شد آقای دکتر ناصر تکمیل همایون
 عضو جبهه ملی ایران سخنرانی کرد.

بانک تهران - آقای دکتر نصراله جمشیدی
 عضو جبهه ملی ایران در گرد هم آئی کارکنان بانک
 تهران که از ساعت ده بامداد یکشنبه بیست و چهارم
 دیماه در سالن اجتماعات بانک تشکیل شد بود به
 مدت پنجاه دقیقه سخنرانی کرد.

تئیسرنام

انجمن ملی شاد شهر ملی اعلامیه ای که به تصویب اهالی
 مبارز این بخش از شهر تهران رسید به تف بیرونام چهار
 خیابان شاد شهر همت گماشت. خیابان محمد رضا
 شاه بنام دکتر محمد مصدق، خیابان پهلوی بنام امام
 خمینی، خیابان شهبانو فرح بنام آیتاله طالقانی
 ود وارد و متری دوم بنام دکتر علی شریعتی.

اعلامیه

کارکنان مبارز شرکت کسب خا برات اعلامیه ای بتاريخ بیست و
 سوم دیماه منتشر کرده اند و در آن ضمن محکوم کردن دولت
 دکتر شاپور بختیار تصمیمات گرفته شده خود را بشرح زیر
 اعلام داشته اند:

" ۱ - تاسرنگونی رژیم ود دولت فرمایشی و سازشکار و طرد
 همه عناصر وابسته اش خاصه آقای مصمی وزیر بیست و
 تلگراف و تلفن که فاقد پایگاه قانونی بود بود ارای خصوصیا

در مدرسه عالی بازرگانی

از ساعت نهم
 بامداد روز یکشنبه بیست و چهارم دیماه، گرد هم آئی
 باشکوهی با شرکت بیش از پنجهزارتن در رأفی تاتسر
 مدرسه عالی بازرگانی بمناسبت بازگشائی آن مدرسه
 عالی برپا شد. در این اجتماع استادان، دانشجویان
 و کارکنان مدرسه عالی بازرگانی و گروهی از دانشجویان
 سایر دانشگاہها و دانش آموزان و سایر گروههای
 اجتماعی حضور داشتند. در این جلسه آقایان دکتر
 حسین وحیدی و فرخ مروتی استادان مدرسه عالی

غیرقابل قبول میباشد مضرانه میکوشیم وعلیه همسایگان
د سینه‌های د رشرف تکوین و توطئه های د یگرماهدا
خویش را مجد انهگسترش مید همیم .

۲- د راجزای فرمان امام خمینی رهبر جنبش آزادی
بخش ایران د حفظ کائالهاومد ار استطفنی بی وقفه
تلاش خواهیم کرد .

۳- با توجه به آزادی انتشار مطبوعات ملی اکنون سیستم
ارتباط تلفنی تنها وسیله آگاهی ملت از وقایع روز و اوقات
مد ملی استعمارگران خارجی و غیایر وابسته د اخلی
نمی باشد بنا بر این ما کارکنان شبکه سراسری مخابرات
ایران به د نیال قطع برنامه های تلویزیون شهرستانها
جهت تحکیم هر چه بیشتر وحدت ملی از تاریخ ۲۳/۱۰/۵۷
هر روز مدت نیم ساعت (از ساعت ۱۰ الی ۱۰/۳۰)
به قطع کلیه کائالهای تلفن بین شهری ومد ارات بین-
العللی د سراسر ایران اقدام می کنیم .

اعتراض

سازمان ملی پزشکان ود ند انپزشکان بمناسبت جلوگیری
کردن ماه موران نظامی از برگزاری جلسیه
سخنرانی روز بیست وسوم د یماه د ربیمارستان
شهد ای تجریش (رضا پهلوی سابق) گنه
با وجود تنمین قبلی نظام پزشکی ود ولت مدنی بر محترم
شمردن حیریم بیمارستان ها ترتیب داد شده
بود گفته اند :

" نلامیان ، حیریم بیمارستان را شکسته
وبهد اخل بیمارستان حمله ور شد ند ویکی از کارکنان
بیمارستان را مضروب نمود و سپس د ستگیر ساختند
واز ورود مرد موسخرانان وحتى بیمارانی که بینه
بیمارستان مراجعه می نمود ند جلوگیری کرد ند "

نهضت ادمه دارد

تهران - د ریگرد هم آئی با شرکت پزشکان و پرستاران
و کارکنان ایرانی بیمارستان نتردام د وفا نمکه د رحصل
آن بیمارستان برگزار شد شرکت کنندگان همبستگی خود را
به نهضت حق طلب ملت ایران ابراز داشتند .

- یک گرد هم آئی با شرکت پزشکان ، کارکنان و پرستاران
مرکز پزشکی و تحقیقاتی فیروزگر تشکیل شد که طسی آن
شرکت کنندگان همگامی خود را با مبارزات ملت ایران تحت
رهبری حضرت آیتاله العظمی خمینی اعلام نمود ند
و پس از چند سخنرانی قطعنامه زیر به تصویب همگان رسید

" نگریار د رایین لحظه حساس به ند ای حق امام خمینی
رهبر ملت ایران پاسخ مثبت مید همیم و وزیر غیر قانونی بهد آری
و بهزیستی را بر سمیت نشناخته ود ر صورت لزوم از ورود ایشان
به این مرکز جلوگیری خواهیم نمود و به افراد مزد و روخیانتکار
و فرصت طلب که چشمهای خود را می بند ند تانبینند خون
بنا حق ریخته جمانان را و گوشهای خود را می گیرند تسا
نشوند صد ای نجه ملت راد رسوگ عزیزان لعن ونفرین
می فرستیم و باز هم تکرار می کنیم که با هرد ولت غیر قانونی
مخالفتورزید ه و همگام با ملت مبارز ایران تا پیروزی نهایی
مبارزه خواهیم کرد ، از این لحظه اعلا مید آریم هر فردی که
د شبکه شماره ۴ بهد آری و بهزیستی بخواهد با وزیر
غیر قانونی همکاری نماید از همه سمتهای خود برکنار
خواهد شد . پیروز یاد مبارزات برحق ملت ایران .

قصر شیرین

- د روز بیست و چهارم د یماه برای -
بزرگداشت سومین روز شهاد ستم ساز جوانان مبارز آن
شهر ، کالم توجانی ، رضامدائی ومحمد د انیالسی
راء بیمائی باشکوهی با شرکت چند بین هزار نفر د قصر
شیرین برگزار شد .

تهران - د دیدگان مضطربید روماد ری بریک
گلوله خورد ه جوانشان مدت شصت وهشت روز نگران بود
بهروز راد منند که د روز سیزدهم آبانماه د ر -
د دانشگاه تهران با گلوله مسلسل حکومت نلامی مجروح
شده بود روز چهارشنبه بیستم د یماه به لشگر شهیدان
ایران زمین پیوست .

جوان های مین ما

انقلاب بر شکوه ماجه پی آمد های حماسه گونی دارد .
شهریات تعاونی های مرد می ، چرخ های انباشته از تخم مرغ
ارزان ، چه مهربان وهمیسته است وجوانان ماد رایین
انقلاب شکوهمند چنان د گرگون شده اند ، چنان تکامل
یافته اند که باور نکردنی است ، این روزها پسر ود دختر جوان
بجای خرید از بوتیک های پر زرق وبرق واندیشه رنگ
وروغن ظاهری به خوانند کتاب و افزودن معلوما ت اجتماعی
پرداخته اند و از تمامی اینها بالا ترد ر مکتب انقلاب درس
همراهی وهمبستگی آموخته اند از همتاین خون های داغ و
تازه انقلاب د یگرد ر صاف های طویل نفت پیرزنان و کودکان
رامنت لرنمی بینیم . آنها تا الحلاتی به شروع عا عت حکومت
نظامی ماند هیت های پراز نفت را به خانه های می رسانند ود
واشگ شوق بد رقه راه این جوان مردان انقلابی است . د رود
به این همبستگی ، د رود به این همت ، د سبتهای یاری د
این جوانان را با اشتیاق می فشساریم

پیروز یاد ملت

گسترش مبارزات حق طلبانه ملت ما در راه آزادی و استقلال با برخورداری از آموزش های
والای اسلامی و فرهنگی ملی هر روز شکوه بیشتری پیدا می کند و مردم پایگاه های واقعی
نبرد با دشمنان را بهتر می شناسند و حرکت جامعه بسوی هدف های ملی و اجتماعی
سریعتر و سا زنده تر می گردد .

اربعین حسینی در میهن ما همه گاه روز پیوند با قیام آزادگان و پیکارهای مقدس
بازماندگان آن انقلاب درخشان بوده است .

جامعه روحانیت مرفق تهران با روشن بینی و آگاهی کامل این روز تاریخی را روز راه پیمایی
مردم اعلام کردند .

جبهه ملی ایران به پشتیبانی از این تصمیم گیری بهنگام به هنگام با مردم قهرمانی که
در دوره پیمایی افتخار آفرین تاسوعا و عاشورا خواست بنیادی خود را در سرنگونی
نظام سلطنت غیر قانونی اعلام داشتند این بار نیز با تمام قدرت در راه پیمایی اربعین
(جمعه ۲۹ دیماه) شرکت خواهد کرد و از همه حزبها و گروهها و کمیته های وابسته
و سا زمانهای هوادار می خواهد که بانظم هرچه بیشتر در این بسیج همگانی شرکت جویند
و بار دیگر به جهانیان نشان دهند که نظام حاکم بر ایران از هر نوع حقانیت اجتماعی
و قانونی ساقط شده و در جامعه دارای هیچگونه پایگاهی نمی باشد .

در این لحظات سرنوشت ساز ، برغم تلاش های مذبوحانه پاسداران استبداد، راه پیمایی
اربعین بار دیگر نمایش همبستگی ملی و استواری ما در راه کسب آزادی و استقلال ، برای
ساختن آینده درخشان میهن خواهد بود .

سه شنبه بیست و ششم دیماه ۱۳۵۲

جبهه ملی ایران

راه پیمائی اربعین را با نظم انقلابی
 شکوهی جاودانه بخشیم
 دشمن را فرصت رخنه در صف متعهدمان
 ندهیم
 پیروزی بزرگ ملی را که در راه است
 خدشه نزنیم

جبهه ملی ایران

جبهه

استفاده از کتب تبلی
 و جبهه ملی ایران است
 شماره (۹۰) پنجشنبه بیست و هشتم
 دیماه ۱۳۵۷

شاه رفت

بررسی مسائل درون جنبش

شاه رفت و شاه بیت این قصیده سیاه که طومار سیاسی ایران را تیره و تار میکرد حذف گردید. اگر هم نرفته بود دیگر مالی برای ماندن و حکومت وی باقی نماند. بود و دیر بازود میرفت زیرا شاه خود و کشور را به نقطه سقوط کشانده بود. بهر تقدیر با عزیمت شاه تاریخ کشور ورق خورد و با توجه به ویژگی های جنبش ملت ایران بر سر یکی از خطرترین دوره های سرنوشت و تقدیر خویش قرار گرفته و بلحاظ ماهیت و کیفیت خصم نهضت و حوادث و وقایعی که از نظر آینده هدف های جنبش را تهدید میکند طبعاً مسائل مختلفی مطرح خواهد شد. در یکسوی ماعظم متواختار آزادی و مکرر اسبی قرار دارد و راه دیگر مارا به پرتگاه سقوط و یکتاتوری میکشاند لذا قبل از هر چیزی به یکا تنظیم انقلابی و جلوگیری از هرج و مرج و اغتشاش نیاز داریم زیرا آن چیزی که نهضت را از داخل منقحر میکند هرج و مرج و اغتشاش است و نباید گذاشت که دشمن بان توسل جوید و نهضت را از مسیر مقدس خویش منحرف و بسا توسعه آنرا شمیم مردم را منجر و متفر نماید. علاوه بر این در شرایط موجود پیش از هر موضوع باید به تشکیل جنبش بیندیشیم، قوای فرسوده و متشتت را جمع آوری نمائیم، تشکیلات و حوزة ها را قالب سازمانی دهیم، به انقلاب شکل و فرم بخشیم، گروه ها و دسته ها و جمعیت ها را بنا بر ماهیت فکری یا خصایص نهضت مجهز کنیم، ایدئولوژی و فرهنگ نهضت را غنی گردانیم و اقصاد و عناصر درون جنبش را از نظر آموزش و اخلاق تغذیه کنیم. روزنامه و مجله و کتاب با بسیاری های ملی و مذهبی و همچنین انتشارات کافی که تحریک و بالکتیک قیام را سیراب و پیوسته و مدام آن را مشروب نماید در اختیار داشته باشیم، بهر حال ما به یک تشکیلات منظم با روش های انقلابی نیازمند میباشیم بخصوص شدیدا به یک تارد ملی محتاجیم که...

اربعین حسینی

یادآور حرکت پس از شهادت

چهل روز از عاشورای محرم میگذرد. روزیکه چهارم انقلاب اسلام را با سرخی خون برترین شهیدان بشریت شکوه جاودانه داد و تا زمان ما و بی تردید در زمانهای آینده، الهام بخش همه مبارزان راه حق و عدالت خواهد بود. قیام حسین بن علی (ع) با حرکتد لیران به زنجیر کشید، جاودانگی تاریخی پیدا کرد. گسیل لیرا بسوی کوفه یا گذرد آن آن از قتلگاه شهیدان حقیقت و رسیدن به بارگاه خدعه و نیرنگ و سخن گفتن خواهر شهید بزرگ، زینب سلام الله علیها، نخستین روشنگری را در رختگاه استبداد بنی امیه ایجاد کرد بطوریکه این زیاد والی شهر، مجبور شد جهت جلوگیری از طغیان مردم آن کاروان بی سرپرست و رهبر ریخته و د اغدار ولی متعهد و مومن و با اراده را با همریزید روانه شام سازد. رفتن از کوفه تا دمشق، شبان و روزان، در رهسپار سرهای بریده، قهرمانان شهادت، کاروان ره پیمای تاریخ ساز کربلا را گویی تا پایان زمانها پیوند داد. رسیدن باین شهر غریب آئین که یادگار هائی از تمدن آشور و روم را در خود داشت، عبور از کوجه های تنگ، هلهله شادی و آواز زنان و مردان شامی، جهاندیشه هائی را در اسیران بوجود میآورد و عزم های آنان را در سرکوبسی ستمگران جزم ترمی ساخت. یزید بن معاویه، آن شراب خوار قوم گرای مطلق العنان، نیز مانند این زیاد مجلس بزرگی تشکیل داد و در آن مجلس تا آنجا که می توانست به خاندان مقدس علی و حسین علیه السلام و یاران شریفی حرمتی روا داشت. دختر علی، خواهر شهید، آن جاودانه زن تاریخ، زینب کبری بیبا خاست و علی خطابه ای تاریخی تمام نقشه های شوم بنی امیه را نقش بر آب کرد و با بلاغت و فصاحت و درایت سخن گفت و مجلس را بکلی منقلب ساخت. یزید که آسیبه سرخطیبی را طلب میکرد بود تاب نیاورد و با سخنگوی این زن سخنور... بقیه در صفحه ۲

نظم انقلابی ضامن پیروزی ماست

بقیه شاه . . .

محافظ نهاد های اجتماعی ما باشد و توسعه گسترش نهضت را حراست نماید و در غیر این صورت همی توان ها و نیروها در خواست رفت و سیلابی خروشان که ازین اجتماع ایران میجوشد و میخروشد و در لیر آن در تاریخ جهان از نظر شکوه و اتحاد و همبستگی و از لحاظ قدرت انفجار و تخریب بی سابقه میباشند به هرز خواهد رفت و ناقص یا با نتایجی دست و پا شکسته متوقف خواهد شد و خون هزاران مجاهد که بخاطر شرف و آزادی بر زمین ریخته و گل وجود شان بارگیا رسلسل پیر شده است به هد رود .

در جمع بندی قوای پیش از همه با اتحاد و یگانگی و وحدت نظر نیازمندیم . نباید در حال شوریدگی بایک پیروزی موقت مغرور شویم ، از غرور و بازهیم غرور و تفاخر بر هر چیزی هیچ چیز مانند غرور در رتبا ساختن شخصیت ها موثر نیست . بعضی از افراد که به ماهیت حوادث سطحی مینگرد تصور میکنند که شخصیت آنان علت و سبب ظهور وقایع تاریخی میباشد و چون خود را منشأ بروز تحولات میندازند گمان میکنند اگر اقبال و مسیر وقایع بیرون روند حوادث نیز به تبعیت آنها منحرف میشود ، بهمین دلیل مغرور و گمراه و در یک در راه تاریخ از مردم جدا میشوند . در جنبه ملی اول نظایر این افراد حادثه جوادیده ایم و نمونه تلخ دیگر آنرا این بار میشدیم ولی ای کاش دیگر با چنین افرادی هم گام نیاشیم ، مطلب مهم دیگر تفرقه و تشتت و اختلاف گفتم است . بیخ از هر چیزی از شکاف و نهضت و پراکندگی وعدم وحدت و تفرقه باید بیسیم داشت . دشمن از این شکاف است که در درون یک جنبش رخنه میکند و سپس از داخل آن و امتلاش میسازد بنابراین در حال حاضر باید همیشه و حساس بود از احساس مسئولیت جامعه حد اکثر بهره برداری در جهت رشد و تکامل مراحل تحول را برد و آن را بسزید مکرانی و آزادی حقیقی و حکومت مردم بر مردم سوق داد و برای این منظور از هر جهت بهره آری و هشیاری لازم است زیرا ما بسزد و راهی تاریخ ایستاده ایم .

بقیه از زمین . . .

باشد نیز تا سخن را به بدگوشی طویان رساند ، اما چهارم حضرت سجاده زبان به اعتراض گشود و آنچنان مجلس به آشفتگی درآمد که بیزید آنرا تعذیل کرد و پس از چند روز بناچار کاروان را از دمشق بسوی مدینه گسیل داد و این کاروان خسته دل ، پس از عبور از کربلا فرامسوس

نشاندن به مدینه سیاه پرشید و رسید ، در حالیکه عظمت قیام حسین (ع) و روشنگری لیران برنادر ، هسته های انقلاب و انتقام را در سرعاسر جامعه اسلامی برانگیزد ساخته بود . از همین شهادت حسین و یارانش یاد آورند اوم مبارزات حق طلبانه پیروان اسلام است . یاد آور باید آری زنان و کردگانی است که از برای نشستند و حضانیت شهادت را بر کرسی داوریهای تاریخ نشاندند .

دشمن را گمراه کنیم است . . .

شناختن و باز یافتن هویت واقعی و شخصیت اصیل ، نخستین و با ارزش ترین نتیجه نهضت ایمان است . کوشش ، سالیان متداری استعمال و استیماد و وابسته برای سطح چهره واقعی ما در گرگون ساختن حقیقت با نخستین جرقه های انقلاب نقش بر آب شد و امروز با بسری افراشته و سینه های فراخ برغم داعی که از شهادت ها بردل داریم برغم گرسنگی و سرمازدگی ما خاسته ایم و با تمام قسوی روحی و سرمایه معنوی فریاد برمی آوریم که ما هستیم و خواهیم بود تا ایران ویران شده و خون آلود را برای آیندگان آزاد بنانهیم و بر گورستان استیداد و گستان استقلال بریا داریم و در این راه بزرگ و بلند میازند شده که بیست و پنجسال برای جبران جفا ائی و صف شکنی و تفرقه بهیای زندان و شکنجه و مرگ را برداختیم ، بند بیاموزیم و از اختلاف نظرها در گذریم ، بیاموزیم که آفتاب پیروزی هنوز در رستی از مشرق میهن سرزنده است و سرمای جانگناه سلطه بیگانه هنوز در رگها مان میدرد ، هنوز آثار و نشانه های آن سال های حقیقان و سیاه از زندگی ، زدوده نشده و در همه جا ، همه اطرافمان جای پای خون آلود آن باقی است . صبور و روشن بین ، این روزهای هیجان زده و داغ انشالی را بخت سرمایه و احساساتمان را که بحق برانگیخته و شوقمان را که بر آستی در همه وجودمان جاری است صهار کنیم و فرصت رخنه به سیاه اهریمن ندیم از همین امروز فتنه گری و آشوب المی آغاز شده و در شهر های و شخصی پوشان جفا در آورد آره بند بجان مردم افتاده اند و آنهایی را که شیرینی آزادی را میخواستند مزه کنند بخاک و خون کشیدند . دلیر و مقاوم و هشیار انقلاب مقدس روزگمان را پاید داریم ، از خانه بخون نشسته مان بگونه سریازی و آینه شناس حنا ظت کنیم و همه راههای نفوذ دشمن را سد کنیم و تا هنگامی که گبار المی برای حفاظت میهن تشکیل نشده هر یک از ما سرباز راستین این گارد باشیم نه تنها خود که مراقب دیگران باشیم

همه با هم پاسداری دستاوردهای مقدس انقلاب باشیم

شهیدان دروازه پیروزی

یک ربع به چهار بعد از ظهر مانده «روز بیست و ششم» دیماه در حالیکه هلهله شادی مردم تجریش زمین را می لرزاند، یک ماشین آبپاشی به پراکندن مردم با فشار آب پرداخت و نزد یک سینمای تجریش از درون این ماشین تیراندازی به مردم آغاز شد که در مردم و سه دختر سختی زخمی شدند و به بیمارستان شهیدای تجریش منتقل گردیدند. معاصر همین ساعت هادریان خیابان نیاوران پهلوی نزد یک حمام خرم تیراندازی نظامیان، شهدات یکمرد و یکزن را در راستانه نخستین پیروزی مردم ایران به همراه آورد.

درود به این گل‌های پیروزانه، انقلاب.

اهواز در خون آتش

فرمانده ارتضا می‌جدید اهواز که روز بیست و ششم دیماه به این شهر وارد شد، نخست دستوری این آوردن مجسمه شاه و انتقال آنرا به پادگان داد و سپس در روز بیست و هفتم دیماه ساعت ده و نیم با مداد گروهی از نظامیان را با چماق به شهر گسیل داشت. این سپاه افسارگسیخته به هر کجا که رسید ویرانی و خونریزی و مرگ به همراه آورد. ماشین‌ها خورد شدند و از منازعه‌ها آتش زبانه کشید. هجوم به دانشگاه جندی شاپور و حمله به دانشجویان و جنگ تن به تن و سپس حمایت‌تانک و توپ و مسلسل از این سربازان چماقدار و قداره بند و گلوله باران مردم که ادامه داشت از دگر هرنوعی و دسترنیکی به قانون!! است شهیدان این فاجعه و واژدهن و زخمیان بسیارند. بیمارستان و حسینیه بزرگ شهر پس از این کشتار به آتش کشیده شد و شمار بسیاری از مردم مبارز شهرا هواز بازداشت شدند. نظامیان مردم را با تهدید بدنه مرگ وادار می‌زدند و باد شاه گفتن می‌کردند و گویا می‌خواستند جنازه متعفن استبداد را بار دگر بگردید و بیاورند!!

طلب آزادی

کارکنان وزارت کار و سازمانهای وابسته پیش از ظهر روز بیست و ششم دیماه در سالن اجتماعات آن وزارتخانه گرد آمدند و همبستگی خود را با خواسته‌های ملت ایران و همچنین با خانواده‌های زندانیان سیاسی که در وزارت دادگستری متحصن می‌باشند اعلام کردند و خواستار آزادی بدون قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی از جمله جمشید خلج، همکار مبارزشان در وزارت کار شدند.

تا هیجان زد و خوشمگین نشوند و ما را بر اهری که می‌خواهند نکشاند. شایعه‌های بی‌اساس و هراس‌انگیز را بمیان مردم نبریم و هر یک آموزگار باشیم که می‌آموزد و می‌آموزاند.

انقلاب را پاسداری کنید

دیروز نگاه‌های مهربان و لبخندهای شکوفامش‌های باز شده و گل‌افشان آنهایی را که بیشتر روزگار گذرانده بودند در زمین شادی به اندیشه و امید داشت که مغزهای پوسیده و نیرنگ باز در شمعان مباد احوطه‌های را طرح ریزی کند و نهضت را به سنگلاخ کشد. استاد می‌وختند و می‌ود رباران گل و نقل و کیوتوهای دیروز آزاد می‌تماشایگر پایکوبی و هلهله پیرو جوان شدیم و با آنها پای کوبیدیم دستافشانند می‌وختند و می‌ولیدند لهایمان نگران آستین پرتوطئه شعبده‌بازان نیرنگ آفرین بود و امروز اهواز زیر غریبه‌های مرگبار چماقداران و قداره‌بند ها و رگبار مسلسل، بار دگر بخون نشست و سبزی و خرمنی لاهیجان با خون مردم مهیجان زد و پیرشورانین بخش‌هاز میهن‌گلگون شد، آیا چه توطئه کثیفی در کار است؟ ما از یاد نبرد ایم که روزهای بیست و پنج و بیست و شش و بیست و هفت مرداد سال ۱۳۳۲ چگونه اجیر شدند آنها که اراده و اختیاری از خود نداشتند شهر را و میهن را به آشوب کشیدند. مجسمه‌ها را فرو آوردند، هیجان مردم را به بیراهه رهبری کردند و هنگامی که خوش باوران غرق در رشادی پیروزی بودند، بگونه سپاه اهریمن از رویا موهو ابر سر ماود ست آورد های گرانبهای نهضت ملی فرو باریدند و همه چیز را به تباهی و زوال کشاندند. دیروز هم در بسیاری از نقاط شخصی پوش‌ها و ساواکی‌ها که برغم برجید شدن ظاهری بساط ننگینشان بر شریانهای میهن ما زالوصفت خود را چسباندند و نفوذ جهنمی خود را حفظ کرده‌اند به تحریک مردم پرداختند و یاعین کشیدن مجسمه‌ها را نشان انهدام استبداد اعلام کردند، حال آنکه رفتن شاه بعنوان سمبل استبداد زیر سلطه با همه اهمیت و ارزشی که دارد، بخش کوچکی از پیروزی استنه همه پیروزی. وقتی همه بنیاد های استبدادی فروریختند همه دست‌های آلوده از دخالتهای مافوق طبع گردیدند، وقتی اثرات شوم ویران بار این بیست و پنجسال را از میهن زد و دیدیم آنگاه پیروز شدیم برای آن روز. بخاطر پیروزی راستین با چشمه‌های باز و بینش درست انقلاب را پاسداری کنیم.

صف‌شکنی، خیانت به نهضت است

در وزارت بهداشت

روز بیست و هفتم دیماه پس از سه هزار تن از پرستاران پزشکان و کارکنان واحد های تابع وزارت بهداشت و بهزیستی در مسالین اجتماعات این وزارتخانه که بنا عکس های حضرت آیت اله العظمی خمینسی و دکتر مسدق پیشوای درگذشته ملت زینت شده بود گرد هم آمدند . نخست در کتلا جویدی غیرتشکیل کمیته هماهنگی متشکل از نمایندگان راجد های مختلف وزارت بهداشت و بهزیستی را برای انجام دستور حضرت آیت اله العظمی خمینسی و هدف ارتشکیل آنرا بیسان نمود . سپس در کتلا بهروز پرونده حضور شورای مرکزی جنبه ملی ایران و رئیس همود یانیز وزارت بهداشت ازی رشته سخن ران دست گرفت و اعلام کرد که دولت در اختیار را غیر قانونی میدانیم زیرا برخلاف اراده ملت خود را به آنها تحمیل کرده و فاسد میدانیم زیرا علیه آزادی و استقلال عمل می نماید .

سپس دکتر محمد علی راشد پدای از سوی سازمان ملی پزشکان و دندانپزشکان ترات کرد و حمایت خود را از خواست های بحق شرکت کنندگان و به اجتماع اعلام داشت . آنگاه دکتر ناصر تکمیل همایون و جامعه شبان برجسته و غنی جنبه ملی ایران سخنرانی پرشوری ایراد کرد . سپس نماینده حضرت آیت اله دالغانسی پیام ایشان را برای اجتماع خواند و سرانجام طعنه به تصویب حاضران رسید . در پایان جمعیت با همیجان عکس حضرت آیت اله العظمی خمینسی و پیشوای درگذشته ملت و دکتر مسدق را به اتفاق وزیر بهداشت بردند و در آنجا نصب کردند و با فریاد های زنده و پیاد خمینسی و درود به مسدق ساعت ۱۲ گرد همائی پایان یافت .

در فول رگبار گلوله

در فول در محاصره آتش است . از بیمارستان که زیر رگبار گلوله است اجازه خروج آمبولانس داده نمی شود و زخمیان در میان مرگ و زندگی در سخت و بیامی زندگی صدای انفجار و صدای طاله صدای اجناس با یانگ الله اکبر و هم آمیخته و شمر بر روی کتیا و چه خون و آتش بدل کرد هاست . مردم ایران که در رنج و غم غرقند نباید بر خود بارها و بارها اقبال هام شدند از برای نفع مستند . آقسای بخش بسیار و کشتار بی استه ایران را در ربای خسوسن نمازید ، پای ملی این مردم محبت استوار است و بارگشته برای آنها جانده هاست .

الله اکبر

سپاس خدای را که بنیایری کرد تا روزهای سخت گذشته را از میان خون و آتش و شعله کشته شدگان بگذریم و این نخستین لحظه های درخشان آزادی را در فضای مهین بخون نشسته خود تماشاگر باشیم .

و امشب ، یانگ الله اکبر سره نشان شکرگزاری به درگاه آن بزرگ قاه برآید آسمان خدایم رسانید .

سخنرانی

مشهد آقای دکتر اردکانی مبارز دیربای جنبه ملی ایران در پیش از ظهر روز بیست و هشتم دیماه در شرکت برق مذاکراتی خراسان سخنرانی کرده و در مورد توطئه های استعمارونستید اد و بسته به آن و ماهیست و کودتای سباه گذشته مطالبی ایراد کرد .

در دخانیات

کارگران و کارکنان اد خانیات تهران در پیش از ظهر روز بیست و هشتم دیماه در محل کتلاخانه گرد هم آتسی باشکوهی ترتیب دادند . در این اجتماع چند تن از نمایندگان کارگران سخنرانی کردند . فاضل پور ، مبارز راستین جنبه ملی ایران یکی از سخنرانان این گرد هم آتسی بود که مشروطیت و نهضت ملی شدن صنعت نفت و نهضت کنونی مردم ایران را مورد بررسی قرار داد و گفت این انقلاب که به معنی و جدول خاکا ایران وسعت گرفته و پایه های آن بردوشی مردم کوجه و بازار و شهر روستا است نخستین دروازه پیروز برای است سرگذارده باشد که دروازه های دیگر افتتاح گردیم .

این نکات است

در زنده نشد بیست و هفتم دیماه و تنها مجسمه مسجد سلمان که در مرکز شهر قرار داشت بوسیله گروهی به زیر آتش شد . از سوی شاهمانی که در آنجا بودند گفته شد که ما ایران انقلابی در این کار دست داشته

سخنرانی

در سخنرانی هماهنگی کارکنان هواپیمائی ملی با حضور پیش از چهار هزار تن زن و مرد آزاد بخواند دکتر سلامیتیان مبارز دیربای جنبه ، نهضت ضد استعماری و ضد استبدادی ایران را از جنبش مشروطیت تا نهضت ملی شدن نفت و قیام سرافراز کنونی ایرانیان مورد بررسی قرار داد و گفت که اخله خارجیان و سرکوب نهضت ملی هر بار باید دیده شود و جنبش و تکامل آن که ملی نمایان کرد هاست .

اربعین روز فجلی همبستگی ملی پرشکوه باد

تا که دست اجنبی کوتاه شود از خاک میهن
از ثبات و همدلی کرد وطن دیوار باید

خبرنامه جنبه ملی ایران

استقرار حاکمیت ملی
هدف جنبه ملی ایران است

شماره (۷۰) شنبه سی ام
دینا ۱۳۵۷

آزادی، خجسته آزادی

ایران زمین به پهنه گسترده، خویش فریاد اعتراض و خشم
گردد و از سراسر آن ندای آزاد یخواهی و استقلال طلبی
بگوش رسید .

د رابرالود جمعه که از کودکیهایمان آنرا نمکین و خفه و
خاموش بیاد می آوریم ، گام استوار زنان و مردان و کودکان
برای ادامه مبارزه ، اسفالت خیابانها را در رتوردید و صدای
مردمی که با تمنا می وجود طلب می کردند آنچه را که بیست و
پنج سال از آنها بریدند و زندقی پر رنج و اد بار و شکنجه
وزند ان و مرگ نثارشان کردند ، باطنینی آسمانی و پوششی
برای خوف و زمستان به جمعه، پرشکوه انقلاب بدل کرد .
فریادی که بیست و پنج سال در رگ و فریاد بغض و گریه
واندوه بیرون نریخت همچون باز شکاری ، سر بلند و
بال افراشته آسمان را زیر پر گرفت .

د رراه چه مردان پیری که می گریستند و چه زنان که ابرسان
می باریدند تا غم سال ها و روزهای تلخ گذشته را با اشک
پاک بشویند و این مطلع پیروزی را شادمانه جشن بگیرند .
همصدایی ، هم کلامی و همراهی چه واژه های زیبا و مقدسی
است و مادراین راه ، این راه را که د یروز بی جان پناهی
بر آن گانههاد یهوا امروز زیر پای استوار و محکم ماکوبید شده و
هموار گشته ، چه عزیزانی که از دست دادیم و چه گل های
بی مانندی که پسر پرگردید .

پرچم بود و عکس های بزرگ و کوچک و شعارهای گونه گون
و آنها که این پرچم ها و عکس ها را بدوش می کشیدند و تپیدن
دلهایشان بگوش می رسید سراپا شوق و حرکت و جوشش
بودند . زن و مرد و کودک با هم نخستین پیروزی را شادمانه
پای کوبیدیم و از خویش رها شده فریاد بر آوردیم .

نخستین د مزدن هاد رضایی که می رود تا از غل و غشش
د یکتا سوری پاک شود ، چه هیجان انگیز و باشکوه است
و آنها که بیست و پنج سال انتظار این لحظه های مقدس
را کشیدند چه خوشبخت و چه سر بلند ، و آنها که نمادند تا
د راین فضای گشاده دم بزندند و فریاد بر آورند یادشان
گرامی باد و خاطره پرشکوهشان جاودانه و پیمان ما برای
ادامه راه آنها که راه آزادی و استقلال استوار و محکم باد .

هشدار حضرت آیت الله العظمی خمینی و هیئت شیعیان جهان

بسم الله الرحمن الرحيم - به عموم ملت ایران با تواضع
و احترام هشد ار مید هم از قراریکه با اینجانب اطسلاع
داده اند د رروز اربعین توطئه هست برای ایجاد
تفرقه د رصفوف مسلمین د ستگاه شکست خورده شاه
و فکراین افتاده است که با این ایده خود زانجسات
دهد . من اعلام می کنم که اگر با اینجانب و یا عکس اینجانب
لعن و اهانتی شد مقابله و ایجاد تشنج حرام و مخالف
رضای خداست و اعلام می کنم که اهانت به مراجع معظم
و تعثال شریف آنان جرم و مخالف رضای خداست و
اعلام می کنم اگر کسی این عمل شنیع را بکند از ملت نیست
و از عمال اجانب و از دستگاه جباراست و باید عموم ملت
هشیارباشنید .

پرشکوه ترین تکبیر

حرکت پرشکوه میلیونها زن و مرد و کودک بیباکانه از
تختین ساعت های بامداد روز جمعه بیست و نهم دی
ماه آغاز شد ، این د ریای عظیم و خروشان شرق و غرب
تهران را بهم پیوند داد و فریاد اعتراض و خشم آسمان
ایران را بلرزه د رآورد .
ظهر هنگام د رمید ان فرودگاه جایی برای سوزن انداختن
نبود ، هنگامی که بانگ آسمانی "الله اکبر" از قلسب
با ایمانی سر بر آورد همه مردم یکصد ایه تکبیر ایستادند
و پیش از نیم ساعت اذان بطول انجامید ، بیندیشیم که
چه نقش انقلابی و سازنده های د رزندگی "نهضت ایمان"
الله اکبر داشت است شبهای گلوله بارانمان را بهم پیوند
داد و روز پیروزیمان را د رخشان کرد .

ما از وکلای غیرقانونی مجلسین میخواهیم که از رفتن
به خانه ملت خود د اری کنند و به صفوف ملت بپیوندند
از قطعنامه اربعین

سلام بر خمینی، درود بر مصدق

زمان در گذر است

در دوران های مختلف تجربه کردیم که جابجائی مصلحتی گروهی و یا شماری از سلطه گران و تخمیر موضع های ظاهری بی آنکه در گرونی بنیانی و اساسی در نهاد ها و بنیاد های اجتماعی پدید آمده باشد آرایش و فریبی است که مبارزه را به سنگلاخ میکشاند .

وحدت نیروهای مردمی ، قدرتی شکست ناپذیر است در برابر حاکمان و حامیان بیگانگان آنها و بیهمین دلیل در این برهه از زمان که میخواهیم نخستین تجربه سه شیرین پیروزی را لمس کنیم نیاز به وحدت و همبستگی بیش از هر زمان دیگر بچشم میخورد و حس میشود .

بیاد داشته باشیم که هدف های بزرگ ما در صورتی عملی میگردد و تحقق مییابد که در در گرونی اساسی جامعه اکثریت مردم ، قاطع و بی تردید نقش داشته باشند و بر نهاد های سیاسی و فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی مبین نظارت کامل ، برای ما که در این نبرد سرنوشت پانهاد هایم بزرگترین هدف آزادی و استقلال است . این هردو مهمانجام پذیر نیست مگر در سایه مبارزه های مستمر و بی گیز با برخورداری از همه عمیرات های گرانبهای گذشته و استفاده از تجربه های تلخ و شیرین آن . ما که برای نابودی و ویرانی این دستگاه شتمگستروستم پیشه وابسته به میدان شهادت گام نهادیم ، هرگز نباید وسیله ایجاد کانون های تازه نارضائی و کینه توزی و بی عدالتی گردیم .

هرج و مرج و تشدید حسرت کینه جوئی و انتقام کشی مسیر نهضت را تغییر می دهد و بجای دست یافتن به آرمان های واقعی بسوی حساب رسی و اقدام های فردی و ایجاد وحشت و نا امنی می کشاند .

انقلاب مقدس ما هدفی جز رهائی از هرگونه سلطه سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و بی و پلورکلی رهایی از وابستگی و زیر نفوذ بیگانگان بودن ندارد . بدین دلیل اگر همه چیز در این مسیر رخ دست انقلاب و نهضت نباشد حالت اجتماعی خود را از دست میدهد و به نوعی دیگر از اسارت بدل می گردد .

در گرونی های بنیادی و اجتماعی آنچه به انقلاب مربوط می شود با وجود فشار شدید سلطه گران بیگانه و وابستگان داخلی آنها مسأله پیچیده ای است که تنها با رهبری صحیح و واقع بینانه بر اساس اتحاد و همبستگی ملی حل شده نمی است . دشمن بی کارننشسته و در فکر احیای منافع خود و حفظ آنهاست و نا آگاهی

ونداشتن برداشت صحیح از انقلاب بسادگی ما را قربانی ملامت بیگانگان و وابستگان داخلی آنها می کند خود نماینی های افراطی و چپ گرایی های غیرواقعی و ذهن گرایانه از سرعت انقلاب می کاهد و مسیر را تغییر می دهد . بیاد داشته باشیم هشیارانه که زمان در گذر است و دشمن در کمین و ما در معرض پیسی روزی .

کار دهلی

این روزها که تمامی لحظاتمان با شایعه توطئه و دسیسه توأم شده است . این روزها که هر لحظه بیم حمله جماعت اران و قداره بند ها می رود جوانان و حتی پیران شهر مابه همت ایمان و عشق ، خانه ها را پاسداری می کنند و نهضت را در امان میدارند . در هر کجوه و محله ای به محس آنکه ندای حمله ای سرداده می شود از دروبام و هوا پر شعور و هیجان زده و خشمگین ، زن و مرد ، با هر چه در دست دارند به پاسداری می شتابند و بدینسان آنچه باید در یک حکومت ملی و تحت نظم و شرایط ویژه ای بوجود آید با خود جوشی نهضت پدید آمده روز بروز گسترش می یابد . درود به شما مردم هشیار و با ایمان

شب بخون

چهارشنبه بیست و هفتم دیماه ساعتیازده شب خانه د کتوبید الکرم انیسواری عضو شورای جبهه ملی ایران مورد تهاجم شخصی پوشان مسلح و متجاوز قرار گرفت و پس از ساعتی عربده جویی و تهدید در حالیکه د کتوب انواری را طلب می کردند و او هم در خانه نبود آنها را ترک گفتند .

اعلامیه

افسران و کارکنان مسلمان صنایع ذلایمی در اعلامیه ای که تاریخ بیست و چهارم دیماه منتشر شده است گفته اند " گلوله هایی ساختیم که برای درهم کوبیدن دشمنان خارجی بود ، ولی منافسانه سینه برادران و خواهران ما را هدف گرفته و در بخش دیگری از اعلامیه میگویند " خوشحالیم که به نهضت اسلامی و مبارزات ملت ایران جای گرفتیم . ما کارکنان به همراه نژاد میان مبارز در راه ملت اعلام میداریم :

- ۱- اجازه نمیدهم شاه جنایاتی را که انجام داده گردن ما بیاورد .
- ۲- از تاریخ چهارشنبه ۲۷/۱۰/۵۷ بعد از نامحدود دست به اعتصاب و کم کاری زد و تا برقراری حکومت عدل اسلامی در این راه کوشش میکنیم .

رسالت بر باد خروشان آینده ساز

ماموریتی دیگر از سوی

مرجع عالیقدر جهان تشیع

حضرت آیت اله العظمی خمینی در بیانی که بتاريخ بیست و هشتم دیماه ارسال شده ضمن اشاره به اعتصابات عمومی که "در رجا" قدرت عمل را از شاه مخلوع و ولت‌های زیر فرمانش گرفته‌اند "خطاب به آقای دکتر یاد الله سبحانه به ایشان ماموریت داده‌اند: "بدین وسیله به جنابعالی ماموریت داده میشود که باتفاق جناب آقای حجت الاسلام اشیر محمد جواد باهنر و جناب آقای مهیندیس علی اکبر معین فرود و نفر دیگر که با مشورت آقایان تعیین خواهند کرد هیئتی برای تقویت و تدلیم اعتصاب تشکیلات دهید، این هیئت با کسب نظر و همکاری گروه‌های شرافتمند در حال اعتصاب تدابیر ترتیبیاتی اتخاذ نمایند که تاسقوط نهائی نظام استبدادی حاضر، اعتصاب بهاد رحمت ضرورت ادامه یافته برای ملت و مملکت در زمینه احتیاجات ضروری و گردش چرخهای اقتصاد و حفظ سربانیهای انسانی و صنعتی با رعایت اهمیت فی‌الاهم فراهم آورد."

راه پیمائی ارجمین

در پایداری خروشان از زنان و مردان عصیانگر و خشم‌زده و شادمان، بانمایرهای شگفت‌انگیز و نیای راه پیمائی فرور بردار است. روزهای که زمین سیاه خیابان هازیر سربهای کوبنده‌ی سیل راه پیمایان و رود یوارهای خط خورد، گویا تراز خط‌خطای ط‌چیره دستی با فریاد رسای آزاد بخواهی ملتی می‌لرزد، ملتی که غبار کدورت سالیان را بر چهره دارد و اکنون قاطع و مصمم بر آنست که به پیمائی شده پیروز شود.

"نمایش راه پیمائی ایرانیان" که تاکنون سه بار با فاصله مدتی کمتر از پنجاه روز دنیا شاهدش بود بی‌تردید عظیم‌ترین، منظم‌ترین، باشکوه‌ترین و در عین حال انسانی‌ترین، از نوع خود بوده. سومین نمایش راه پیمائی، در پیروز بدعوت جامعه روحانیت... بقیه در صفحه ۲

دشمن در کمین است

اینکه بدست آوردن ایم پیروزی کامل تلقی نمیشود این مرحله گامی است در جهت عقب نشینی خصم. در لایل موجود بخصوص کشتار مردم از ندادی برافروخته، اهواز، قوی قوای مسلح ارتش شاهنشاهی! آنها هم مقرون با سفر شاهانه مبین آنستکه پیوند ها بر نهاد اصلی باقی است. آن نهاد در وزخ آساونژ حیم پیروز که از خون و اشک مردم مظلوم ایران سیرا سبیشد و از ناخن کشیدن، بدار آویختن، کور کردن، گوش بریدن، زبان کندن و مثله کردن جوان‌های مافذت می‌برد و مال و جان و عرض و ناموس هیچ رهگذر از دستبردش مصون نمیشود اینک چگونه میتواند هلهله شادی و پایداری کوبی و شاد باش مردم در ره‌روی و برزن و هر شهر و روستا از شرق تا غرب بنگرد، او محیطی می‌خواهد آنگاه از سکوت و وحشت و پیرازگریه و خون و آمیخته با جراحت و زخم و طبیعتی است که این افراد شکوفه‌های شادمانی و سرور مردم را در خون خفه میکنند و مادام که ریشه فساد بصورت کامل قطع نشده باشد و به جای نهاد های مسموم و زهر آگین موسسات ملی و د مکرانیک جایگزین نشود، این مناظر وحشتناک هر روز تکرار خواهد شد و نمیتوان نهضت را به کمال رساند.

تکوین مراحل یک جهاد عمومی آنهم در این سطح و عمق و تا آن پایه بر جلال و پرطنطنه تنها کوبیدن یک پایه کافی نیست، باید تمام نهادها تخریب گردد و بجای آن سازمان‌های متناسب ایجاد شود، بخصوص اینکه ماد رسفرد و ورود راز تاریخی خود در رابتدائی‌ترین پلکان نهضت قرار گرفته و هنوز قادر نشده ایم بر نیروی دشمن تسلط کامل بیابیمو به عبارت صحیح تر انقلاب بر تمام شئون مسلط نیست و مقتدرترین اهرم سمر هساد ر خارج از محیطه نفوذ نهضت قرار دارد.

تاریخ ایران در گذرگاه شگرف، انقلاب مشروطیت و شهر پیروزیست پشت سر گذارد و در رد و کمین‌گاه مخوف و وحشت‌انگیز، کودتاهای... بقیه در صفحه ۲

بقیه دشمن در...

زرخیز ما را بغارت و بیغما میبرد چگونه میتواند به آسانی دست از سر ما بردارد، ناگزیر باید قبول کنیم که نهضت ما با انواع حیل و نیرنگ سروکار دارد و اگر از طریق مسلسل و تانک نتوانستند موفق بشوند و یکپارچه ملت را قطعه قطعه کنند، از طریق اخلاص و تفرقه و تشتت به درون جنبش نفوذ میکنند و ما باید با آنها ثابت کنیم لیاقت و ارزش این همه فد اکاری را داشته ایم و تا حصول نتیجه و پیروزی قطعی جنبه متحد خویش را حفظ خواهیم کرد.

بقیه راه پیمائی...

و تا پدید حضرت آیت اله العظمی خمینی و جنبه ملی و همراهی کلیه سازمانهای وابسته و غیر وابسته دیگر در تهران و کلیه شهرهای بزرگ و کوچک و حتی روستاها ترتیب یافت.

تهران، سرتاسر خیابان شاهرضا و پیاده رویهایش در زبیر گام استوار و پیویای مردان و زنان می لرزید، پیر و جوان، کوچک و بزرگ، هر کس که توان داشت بعنوان فریضه ای مذهبی و وظیفه ای ملی در این نمایش شرکت کرد، همه از ژرفای قلبشان با زتاب بیست و پنج سال ستم که بر آنها رفته فریاد میزدند. تصویر حضرت آیت الله العظمی خمینی در راند ازه های گوناگون انسان که بخش بزرگی از سطح خیابان رامی گرفت، همه جا بچشم می خورد. اگر در طلوع آزادی، جای شهید خالی بود، در دعوی یادشان، خونیه که هرگز به هدر نرفت، با اشک چشمان مهربان و نگاه سپاسگر هر رهروی در آمیخته بود. گرچه هیچ نیازی به این نبود تا با حمل تصاویر شهدا و رگدشتگان بنا میادشان را گرامی بد آرند، چه، ملت قد رشناس ایران، قدر و منزلت همه ی شهدا و رهبران پیشین خود را می شناسد، اما برای شناساندن آنها به نسل جوان، نسلی که در دستگاه سلطنتی غیرقانونی و مستبد سالیان دراز کوشید تا او را از همه ی حقایق ملتش بی خبر نگاهدارد، تصاویر دیگر دکتر محمد مصدق پیشوای درگذشته ملت، این لرزان کنند، پایه های تخت استعمار در شرق، تصویر کتیر حسین فاطمی، شهیدی که بگفته دکتر مصدق: حتی یک ترک اولی هم از او مشا هده نشد، تصویر سایر شهدای نهضت ملت ایران، فراوان به همراه شعارهایی با جمعیت در حرکت بود.

راه پیمایان، شعارهایی شعرگونه و بزرگواران سردسته خود می خواندند. هر کس خود نگهدارنده بود و بر راستی

۱۲۹۶ و ۱۳۲۲ سقوط کرده و از هر کدام در معیار یک دوران تاریخی در عبرت آموخته و از نتایج شوم آنها بهره ها برد و آموخته و آبدیده شده بود و ست و همچنین سنگر بزرگ خصم را به نیکی تشخیص داد و است در انقلاب مشروطیت با تعامد اکاری و همت و عمق اجتماعی آن تنها قابل استبداد را تغییر داد و محتوای نال مسابق بهمان صورت در ریبیک مشروطیت حلول کرد و چنانکه بدیم عین الدوله ها، صارم الدوله ها، وثوق الدوله ها و قوام السلطنه ها همان سردمداران استبداد بر جریان وجهت آزادی مسلط شدند. استحالته شهر یوربیست نیز قبل از آنکه باراد و تصمیم منوط باشد به یک قسوی اشغالگر تعلق داشت و آنچه با مصالح و مناسبات سیاسی و جنگی قشون مهاجم در رابطه بود در روابط اجتماعی آنها بصورت سطحی و محدود اثر گذاشت. باین ترتیب که پدری از تخت سلطنت پائین کشیدند و پسرش بجای او نشاندند و الا تمام نهاد های اجتماعی دست نخورده و بیکریا قی ماند. مجلس همان مجلس و دولت و سازمان های دولتی با مختصات زمان در یکتاتوری بجای گذاشته شد و افرادی چون فروغی و سهیلی و ساعد و قوام و حکیمی، بازیگران دوران رضاشاهی زمامدار کشور بودند و بقیه مسائل نوظهور مانند آزادی های موقت و زودگذر احزاب و مطبوعات، رها کردن زندانی های سیاسی و تطبیق املاک شاه به دولت صرفاً در جهت اغفال و سرگرمی ملت و اینکه هجوم غیر انسانی خود و انهدام سازمان اقتصاد و نظامی ایران را به نحوی مردم پسند توجیه و بمنظور جلوگیری از ابراز بغض و نفرت ملت بود و است و بعد ها که مسائل مربوط به جنگ با شکست آلمان بر طرف گردید با توافق سیاست متحد انگلو امریکن جهات مختلف برای ایجاد دیکتاتوری مهیا گردید، احزاب و مطبوعات بسته شد، آزادی ها برچیده شد و املاک دوباره به شاه برگردانید شد و ظلمت و استبداد افق تا افق را فراگرفت. اینک نیز ما به تحول نپسند دست یافته ایم و ریشه های نیرومند سرطان استبداد در جسم و جان جامعه برقرار است مضافاً سیاست دوگانه استعمار و امپریالیزم باد و بیست سال سابقه تسلط که بسیاری از حوادث تاریخی ایران را زیر جاذبه گرفته و مجهز به شبکه های جاسوسی وسیع و گسترده بود و بخاندان های خدمتگزار، نسل به نسل تربیت کرده و شوکت الملک ها و علم ها نمونه تربیت آن هستند و اینک بر نیرومندترین نهاد اجرایی یعنی ارتش سلطه افکنده و سالهاست که مناسبت

صف شکنی، خیانت به نهضت است

می توان گفت که هیچ رویدادی ناگوار یا هیچ شعاری بیرون از چهارچوب شعارهای اساسی تعیین شده داد نشد . رشد ، آگاهی ، همبستگی ، درایت و اینکه ایرانی این نهضت را از خود میدانند و نگاهبان نظم و پاسدار موجودیت آن است چشمگیر و نمایان بود .

شرکت هم میهنان زرتشتی ، ارمنی ، و جامعه روشنفکران یهودی که شعارها و پلاکارد هایشان بیانگر همبستگی این گروهها با مبارزات ملت ایران بود . شرکت گروههای اقلیت و اعلام همبستگی آنها به نهضت بیانگران واقعیت است که آنان نیز طی سالیان دراز از یاد استبداد و استعمار رنج ها برده اند .

ورزشکاران یکی دیگر از گروههای شرکتکننده بودند که تصویر بزرگ روانشاد تختی ، جهان پهلوان آزاد ، و مبارز راد ریشاپیش صفوف خود حرکت میدادند و این نمایش بزرگ که یکبار دیگر مورد شکفتی جهانیان ، جهانیانی که اکنون عمق ، عظمت و هدفهای نهضت بزرگ ملت ایران را کم و بیش شناخته اند قرار گرفت و در رهبریک از شهرهای بزرگ و کوچک ایران به همراه نظم یکپارچگی و گستردگی هر چه تمامتر برگزار شد .

پاسداری بگرمی خورشید

برغم کوشش دستگاه در هم ریخته و سرد رگم استبداد که می کوشد بگونه های مختلف صفحه متحد مردم بیخاسته را بشکند و پیروزی را که در مالع آن هستیم خدشه بزند و آینده را تیره کند ، هر روز گروه تازه ای به مردم بیخاسته می پیوندند و همبستگی از عمق و اصالت و آگاهی بیشتری برخوردار می گردد . پیام دلاورانه همافران نیروی هوایی و پیوستن آنها به نهضت یکی از امید آفرین و درخشان ترین آنهاست . این شجاعان در حالیکه در اعتصاب غذا ایسر می برند اعلام داشته اند "مزدوران استعمار باید بدانند که اعمال ننگینشان ، چه بصورت تفرقه افکنی (کشتن همافران و وانمود کردن به اینکه توسط مردم بقتل رسیده اند) ، زورگویی (به زندان افکندن و شکنجه کردن همافران مبارز و روشنفکر) ،

حیله گری (انجام سخنرانی های فرمایشی و افزودن به حقوق ماهیانه) نخواهند توانست در راه ماکه راه همافران شهید در سالیان گذشته (بخصوص در دو ماه گذشته) است خللی وارد آورند . اکنون پایگاه شاه رخی در محاصره نیروی زمینی است و خطر این مبارزان را تهدید می کند ، با اینهمه استوار بر سر آنچه طلب کرده اند ایستاد ماند .

همه این :

سرما کمی در یرولی سرانجام رسید و با کمبود نفت که امید رفع آن بسیار است سلامت کودکان و پیران تهدید می شود .

در مصرف نفت همانگونه که تا بحال بزرگواران صرفه جوئی کرده های از این پس نیز پیش از آنکه به خود و خانواده ات بیندیشی ، به همسایه های نگران بیماری سخت حال است و یانست و زادی دارد بیندیش .

گروه سیاسی جنبش

در این هنگامه سرنوشت ساز که مردم همیمن بیش از هر زمان دیگر نیاز به تشکل دارند ، اعلام موجودیت گروه سیاسی جنبش بگونه حرکتی سازمانی و نظم یافته امید آفرین است .

باشد که این نیازمندی و تاریخی راهمگان احساس نمایند .

سخنرانی

بدعت مهندسان و تکنیسین ها و کارمندان اداره کسل مخایرات استان اصفهان در روز بیست و هفتم در ماه آقای دکتر احمد قیصری عضو شورای جبهه ملی ایران در اصفهان ، در رگد همائی آنان که با شرکت بیش از دو هزارتن بود سخنرانی کرد . آقای دکتر قیصری در این سخنرانی موقعیت خطیر کشور را توجیه و رسالت و مسئولیت بزرگ مبارزان را یاد آوری کرد .

پاسداران شب

جوانان آزایخواه و استقلال طلب ، این شیفتگان پر شور هر روز بانواوری های خود ما را بیشتر به عجب و امید آرند . یکروز به یاری رفتگران و برای حفاظت محیط زیست به میدان نبرد می آیند و روز دیگر به یاری خانواده هاد رتبه مواد سوختی پیامی خیزند و امروز پاسداران واقعی شهر برای د رمان نگهداشتن آن از هجوم جماعتداران و قد اره بند های عربده جو .

توانا تر بیاد این دستهای یاری دهنده ، گستردن تر بیاد این اندیشه های انسانی و پر شور تر بیاد این تپش های جوانی .

این پاسداران در ریختن از د و مین بیانیه خود چنین نوشته اند : "ما که با بیانیه شماره یک اعلام موجودیت کردیم بدینوسیله نظرات خود را پیرو بیانیه قبلی اعلام میداریم : ۱- پاسداران شب در صورت احساس خطر بقیه در صفحه ۴

گسترده باد همبستگی ملی

تهدید کودکان

استقبال پرشور مردم هرمزگان از جبهه ملی ایران در شملت و مخالفین اتحاد و یکپارچگی را به هراس افکند و آنان را به اعمال خلاف واداشته است.

ما که در سالهای سیاه استبدادی به مبارزه خود ادامه دادیم و با وجود سفاکیهای رژیم دست از مبارزه برنهداشتیم از این به بعد با اینگونه تهدیدها نیز از میدان بدر نخواهیم رفت و تا هر زمان که خدمت ما به ملت ایران و مردم استان مفید باشد بی هراس از تهدیدها مبارزه خود را ادامه خواهیم داد.

کمیته موقت جبهه ملی استان هرمزگان

اعلامیه

ما کارکنان خطوط لوله و مخابرات شرکت ملی نفت ایران، تاسیسات ری طبق دستور امام خمینی و هیئت اعزامی ایشان برای رفاه هرچه بیشتر خلق مسلمانان ایران از تاریخ ۱۴/۱۰/۵۷ با سعی و کوشش فراوان شروع بکار نمودیم ولی از آنجاکه هدف دست اندرکاران حکومت غاصب این است که هرچه بیشتر مردم را در صف های طولانی تسرب نگهدارد تا بتواند مقاصد پلید خود را اجرانماید، با کارشکنی های مداوم توسط تعدادی از عمال شناخته شده خود با توطئه در امر نفت رسانی و جلوگیری از برداخت حقوق کارکنان (حدود چهارماه) و بازداشت های غیرقانونی کارگران و ایجاد سد های مصنوعی جلوی افراد میخواستند تا کارگران زحمتکش این قسمت را وادار به اعتصاب ناخواسته نمایند.

لذا بدین وسیله مراتب فوق را جهت آگاهی ملت شریف ایران به استحضار میرساند.

کارکنان خطوط لوله و مخابرات شرکت ملی نفت ایران تاسیسات ری.

تخصیص

گروهی از دانشجویان مسلمان دانشگاهها بدون اعتراض به روزنامه کیهان نسبت به رعایت نشدن موازین بیطرفی در نشر حقایق از صبح روز شنبه سی ام دیماه در محل آن روزنامه متحصن شدند.

بقیه پاسداران...

و مشاهده اشعار با تکبیر "الله اکبر" تقاضای کمک خواهند کرد. ۳ - مؤکداً اعلام میداریم که با ارتش ملی خود هیچگونه تضادی نداریم.

عملیات حفاظتی تا پیروزی نهائی ادامه دارد.

"برق را بر سر اسباب انقلاب ملی"

در خوی

پس از راه پیمائی پرشکوه مردم خوی و قرائت قطعنامه هنگامی که زن و مرد میرفتند تا راهی خانه شوند جماعتی را بگونه نیروهای شیالانی بر سر مردم ریختند و نظامیان با تانک و توپ و تجهیزات جنگی به حمایت از آنها شروع به تیراندازی و کشتار کردند.

در جریان این هجوم وحشیانه، شمار بسیاری از مردم زخمی شدند و شیخ خزری روحانی مورد احترام مردم شهر بشهادت میرسد. مهاجمان همه راههای شهر را سد می کنند و هرگونه رفت و آمدی را زیر کنترل می گیرند. گفته می شود لیراج و فرمانده این هجوم تا تا رگونه تیسار و رهمسرام بوده است.

کناره گیری

در تاریخ چهاردهم آبانماه آقای دکتر کیومرث افشار این نامه را به معاونت ریوی وزارت بهداشت نوشتند: "باتوجه به اوضاع و احوال ایجاد شده توسط دولت رژیم حاکم و چون کارکردن برای چنین هیئت حاکمه ای در شغلی که هم اکنون در آن منافی با آرمان های وطن پرستانه ایرانی میهن پرستی است و بعنوان اعتراضی به رژیم حاکم بر مملکت استعفای خود را از شغل کنونی تقدیم و اعلام میدارم بعنوان یک دندانی شکست خورده ادامه خدمت در رهبری یک دمانگاهها و در خدمت هم میهنانم میباشم و در صورتی که وزارت متبوعه احتیاج به دندانی شکست خورده باشد باکمال افتخار در سنگری دیگری بگرمه میهن خود خدمت خواهم کرد و امیدوارم کلیه مدیران و افراد شرافتمند وزارت بهداشتی و بهداشتی نیز به من تاسی جویند."

دست بردار

سازمان ملی انتقال خون ایران در اعلامیه ای که بتاريخ سی ام دیماه منتشر شد ضمن محکوم کردن یورترگروهی درجه دار لجام گسیخته به مرکز سازمان ملی انتقال خون ایران در اهواز نوشتهاست: "این عهد ابتدائی ترین اصول اخلاقی را منینی بر عهد حمله به مراکز پزشکی که حتی بین کشورهای در حال جنگ نیز رعایت می شود زیر پا گذاشته و به این عمل غیر انسانی میبادرت کرده و باعث اختلال کارخون رسانی به بیمارستان های اهواز که شدیداً به خون نیاز داشته گردیدند."

خبرنامه: روسیاهنی جاودان و نسفرت همیشگی نسا را استبداد بیان باد.

دروغ گرم ملت به اعتصاب کنندگان در ویران پایگاه های
وحشی و شاهرخی

ای مگس عرصه سید مرغ نه جولانگه نست
عرض خود میبری و زحمت ما میداری

جبهه ملی ایران

برنامه

استفاده حاکمیت ملی

جبهه ملی ایران است

شماره (۷۲) دوشنبه دوم

۱۳۵۷

آزادی انحصاری نیست

آزادی طبیعی ترین حقی است که یک انسان به عنوان انسان بودن و عضو جامعه دارا می باشد .
آزاد بودن ، آزاد زیستن و آزاد اندیشیدن که ساخت تمام خلاقیت های فرهنگی و اجتماعی بشر است ، نزد تمام پیامبران ، فیلسوفان و اندیشمندان مورد تکریم قرار گرفته است و معتقدان و مسولان هر عقیده و آرمانی بایر داشت ها و اند ریافت های ویژه خود را و اوج آن کوشش کرده اند .

در کتاب آسمانی برکت آفرین ما قرآن تاکید در باره آزادی تا بد آنجا رسیده که در آن آمده است " لا اکراه فیسی اندین " علیه آزادی و آزادی که به اعتباری فطرت انسانی است ، دارندگان زور و لیاختگان زیرها شترک یکا جد اگاهانه تلاش کرده اند و بخرعمد ای از تاریخ اجتماعی و سیاسی جامعه های انسانی در این رابطه ترسیم شده و نشان دهنده این واقعیت است که آزادی و آزاد بخراعی با گروه های زیر سلطه جامعه ، چه سلطه سیاسی و چه سلطه اقتصادی پیوند بیشتری داشته است و هنر تعلق به بخش هایی از . . . بقیه در صفحه ۲

رهائی و پرواز

در رهائی و نشان زندان قصر قفسه ، آن میله های خشن و مرگبار که همه ای باز بسته شدن تا اعماق مغز را می خورد و می سوزاند ، با صدف طولانی زنان و مردانسی که مسامحت ها انتقاد در داری و بیامی و سلامی را بجان می خریدند ، در یروز به فرمان انقلاب و بد نیال پیروزی های در رخشان مرد مبخون نشسته میهن گشود ، شد و صد و عفتاد و هفت زندانی ، فضای گشاد و شهر را بالبخند و اشک و گسل تماشا کردند .
آنها که در باور خود هرگز نداشتند که فرزندان میهن ، فرزندان مبارز میهن که سال های سکوت و خفقان را فریاد بر آورده اند و به بهای جوانی کورسوی امید رازند نگاه داشتند بایر بگریه خانه و خانوادها بازگردند ، . . . بشیوه در صفحه ۳

هدفهای بنیادی انقلاب

کودتای ننگین بیست و هشت مرداد ۱۳۳۲ که با حمایت اهریمنی استعمار بر ضد نهضت ملی و دستاورد های درخشان آن طرح ریزی و به اجراء آمد حق حاکمیت ملی و آزادی و استقلال ما را در هم کوبید و بد نیال آن سلطه شوم ، همه نهاد های ملی سرکوب گردید و ملت را که پر از انقلاب خونین مشروطیت سیرفت تا نشان های زخم خورد ، خود را از زیر یوغ استعمار بیرون کشد و بر سر نوشت خویش حاکم گردد ، در ریگ نظمام دیکتاتوری توتالیتر و وابسته اسیر خفقانی بی مانند و کشنده ساخت و طی بیست و پنج سال سیاه اختناق زیر حمایت نیرو های نظامی که گسترش سرطانی می یافت فریاد آزاد یخواهان را در رگ و خفه و روانه میدان های تیر ساخت ، ادامه این سیطره جهنمی و تسلط نامشروع همه راههای مسکن را برای تجلی آزاد نشود اراده ملی و خالت قانونی مردم در سر نوشت خویش سد کرد و نهاد های اجتماعی را که پاسد ار حاکمیت بودند سرکوب و نابود ساخت و طی دهه آن سال های نکبت با رایستادگی مردم بگونه های گروهی و فسرودی در برابر تجاوز های بی پایان به حقوق ملت در رشکی های مختلف مبارزاتی ارائه شد و هیچگاه جا همه بحالت تسلیم و رضاد نریامد .

بد نیال شکست برنامه های نو استعماری که نظام حاکم بر ایران اجرای آنرا بصدقه داشت اندک اندک حرکت های اعتراضی مردم سرعت و گسترده گی بیشتری یافت . شهر ها و روستا ها را در خود گرفت و از مرز گروه بندی های اجتماعی خارج گردید بطوریکه مردم همه به حرکت برخاستند و توانستند نهضت را کاملاً همگانی و ملیسی سازند . بدیهی است هر نهضت سیاسی در شرایط مختلف اجتماعی ویژگی هایی از خود نشان میدهد . نهضتی که در میهن ما پای گرفت نیز ویژگی هایی از خود نشان داد . آزادی و مختار بودن در تعیین سر نوشت خود ، به حساب آمدن و . . . بقیه در صفحه ۲

بانشین انقلابی پاسدار و ستاوردهای انقلاب باشیم

بقیه هدف‌های ...

داشتن هویت به‌گونه‌یک ایرانی مسلمان بود تصمیم‌گیری‌های سیاسی شرکت‌جستن نخستین چشمگیرترین ویژگی بود.

در چارچوب این جامعه ویران‌شده و اثرانواع سلطه خارجی در بخش‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، یادداشتن وحدت‌تکامل خواستار استقلال همه جا نبه شدن ویژگی دیگر. مردمی که برای کسب آزادی در تمام وجوه آن بپا خاسته بودند و در رکل جامعه استقلال هدفشان بود در صحنه سیاست جهانی نیز خواستار عدم شرکت در گروه بندی‌های ابرقدرت‌ها گردیدند و خواهان خودمختاری شدند.

این سه خصیصه، خمیرمایه‌ای بود که تمام مردم ایران و گروه‌های سیاسی و اجتماعی را صرف‌نظر از عقاید و ایدئولوژی‌های گوناگون در برمی‌گرفت.

هر نهضتی در روند تاریخی خود می‌تواند سازمان‌آوره کند. خود را بوجود آورد، درگذشته نیز نهضت ملی ایران چه در دوره مشروطیت و چه در دوره ملی‌کردن صنعت نفت توانست سازمان متناسب مبارزاتی را بنیان نهد. جبهه ملی ایران که ازمی ام تیرماه ۱۳۵۷ پس از یکسال مبارزات مقدامتی و مطالبات کافی بوجود آمد نظر به اینکه سازمان متعلق به نهضت است لذا هدف‌هایش نیز در این برهه از زمان همان هدف‌های نهضت است که مردم در انواع شکل‌های مبارزاتی خود آن را به‌مرز پیروزی رسانده‌اند.

لازم به یاد آوری نیست که هر نهضتی زمانی می‌توانی به پیروزی نهایی نائل شد که از یکسازمان با نظم و ینا بر مانی در بگرازیگان نصیاط سازنده برخوردار باشد و این امر در گرو داشتن اخلاق مبارزاتی است که در همه حال یک پیکارگر سیاسی باید خود را به این ارزش‌ها مجهز سازد.

هر سازمان سیاسی هر اندازه محتوای فکری قوی داشته باشد و هر چند در سازماندهی و گرد هم آیی‌ها بتوانند بنوعی پیروزی نائل گردد و توفیق نهایی در آن خواهد بود که داعیه‌داران و نمایندگان آن حرکت بتوانند خود را از ارزش‌ها و معیارهایی باشند که آنرا تبلیغ می‌کنند. بیشترین پیروزی در نهضت‌های اصیل در گروه‌همیسن امربوده است.

به سازمان‌های جبهه ملی ایران پیوندید

بقیه آزادی ...

جامعه‌د ارد که بسوی قدرت و بر خند از خود بیگانگی انسان تلاشی بگیری می‌کنند.

در گفتار علی بن ابی‌طالب علیه السلام، آنجا که به فرزندش حسن (ع) و همه فرزندان زمان فرمود "لا تکن عبد غیرک و قد جعلک الله حراً" ما بر این مراسم است در این دستور آزادی فطرت انسانی اعلام شده و مولای برهیزگان از فرزندش خواسته که سرسپردگی هیچکس و هیچ قدرتی را نپذیرد.

در فرهنگ ایران زمین که از آموزش‌های ولای اسلامی برخوردار است نیز متفکران رشا عمران و گویندگان اشارات فراوانی در این زمینه بیادگار گذاشته‌اند.

ما احببنا زوروزر همیشه و در همه جا کوشش کرده‌اند تا قدرت سیاسی و اقتصادی خود را به "حق" بدل سازند و با تدوین و تنظیم ظاهری و قانونی کردن آن نوعی عقیده سازی بعمل آورند.

جمله "مضروف منسوب به معاویه" الحق لمن غلب" در این رابطه بیان شده حال آنکه بطلان حق نبودن زور در بطن همین جمله نهفته است، چهارگویی یا گروهی که قدرت داشت بهاشند برکسان یا گروه‌های دیگر سلطه یابند، حق بصورت امری ناپاید اروا میمان رونده در رمی آید و هیچ نظامی لانه پایداری را بوجود نمی‌آورد.

بشرد رجریان تکامل اجتماعی به آزادی در مفهوم حقوق و امتیازهای همگانی و بنیادی دست می‌یابد که به حاکمیت ملی و استقرار نهاد‌های دموکراتیک می‌انجامد.

در دستگاه ستم‌گسری که سالیان دراز ریشه‌های بیمارگونه اش در زندگی اجتماعی و سیاسی و فرهنگی اقتصاد می‌دوانیده شده، امروز دیگر بر همگان، بر همه مردم مجباً آشکار گردیده که فاقد مشروعیت است و مردم ایران بد نیال قیام‌های خونین و کشتارهای وحشیانه و تحمل ناروایی‌های بسیار بر سرآند که اراده خود را بر زندگی خویش حاکم نمایند و از چنین استبداد زور سلطه به بهای گزاف شهادت‌های پی‌در پی رهایی یابند.

در بطن این قیام همگانی و انقلاب خونین خواست وجود رابطه‌ای برابر و برکنار از سلطه جویی و سلطه‌گری نهفته است. خروش فزاینده‌ای که هر روز شاهد آن هستیم و تلاطم چشمگیر جامعه برای دست یابی به آرمان‌های بنیادی است که جایگاهی پاسخگوی آن نمی‌تواند باشد. در رهبری‌های هر قدر موجه و مقتدر به حقوق این مردم که با چنگ و دندان از آن به دفاع برخاسته‌اند دیگر نمی‌توان تجاوز کرد. مادری حالیه از رهبری آگاه و خردمندانه

پیروزی نهایی در سایه همبستگی و اتحاد

حضرت آیت اله العظمی خمینی بر خورد اربم کسه حتی به بهای اهانت به خود حاضر به صف شکنی و تفرقه افکنی نمی باشند ، د ر زیر پرچم حسینی پیشواکی در دست اندیش نم توان سنگ غزن و رزیها و نلرگاها خصوصی خود را بسینه زد و با علم تکفیر به تبرد مرد می رفت که ایثارگونه پای بمیدان نهاد هاند وهمه دست آورد های کنونی از برکت استقامت و پایداری آنهاست .

آزادی را که در مملع آن هستیم در انحصار خویشتن ند انیم و با انگ زدن به دیگران نهضت را که تازه در آغاز راه انیم به سنگلاخ نکشسانیم .

بقیه رهایی و . . .

د ر این میان چه بسیار آرزو ها که برگل نشسته ، چه زنگی ها که زیر فشار تحمل ناپدید و بران شده و چه خانه ها که فروریخته است ولی بر خرابه آنها شکوفه های سپید آزادی اند و به آنها ویرانگری را می گاهد و امید فرد ای سازندگی را سحله و رمی سازد . دست در دست این عزیزان ، د ر کنار این از راه رسیده های گرامسی ، فردا که طلوع درخشان استقلال مینهن است پای کوبیم و سرود پیروزی را سرد کنیم .

د یروز د ر آن جمع پر شور که گویی هر یک آتش فشا نی گداخته در دل داشتند چهره ابوالفضل قاسمی د هرور راستین راه آزادی و مبارز شنگر جبهه ملی ایران بچشم می خورد . او د ر کنار محمود مانیان مبارز د یگر جبهه ملی بازند انیان هم سفره شد ند و شادی بید ریغ خود را نشان نمود ند و شب هنگام ، زیر نور چراغ های میدان ، د مگرم این از بند رستگان آزاده و زمستان راه سخریه گرفت و آسمان راه نیایش نشاند .

د رود به همه شما سلام گرم تشارت ان و از این پیسی زندگی بالبخند پیروزی پر شما ارزانی سی باد .

گارد ملی

صد تن جوان با ایمان و دل و رشاد شهر برای حافلجان و مال مرد م این بخش از تهران به تشکیل گارد ملی همست گماشتند و با نظمی انقلابی با نوبت های کشیک شبانه همه چشم و گوش و بازو شد ند تا مباد اپای اهریمن و دستیاران پلیدش به محله زنان و مردان با ایمان شاد شهر بازشود . باد رود و آرزوی گسترش این گارد های ملی که حافظ انقلاب ما هستند .

سوء استفاده

روز شنبه سی ام دی ماه د صفحه ۴ روزنامه اطلاعات

سخنان د کترموجهرشایگان با هدا ی ا ل لست " از رهبران نهضت ملی " زیر نام " به احساسات مرد م باید شکل منطقی داد " به چاپ رسیده بود .

خبرنامه اعلام میدارد که د کترموجهرشایگان از رهبران نهضت ملی نبود هاست و د کتر علی شایگان وزیر و همکار متحد ق بزرگ که پسر از کودتای ننگین ۲۸ مرداد و گذراندن دوران بازداشت به خارج از ایران سفر کرده و تا کنون بازنگشته اند از رهبران نهضت ملی می باشند .

شهران باد که د ر چنین موقعیت بحرانی و خطیری گروهی تشهاد راند یشه بهره برد از بهای شخصی و غرض ورزی هستند و د ر پرتو نور دانش و علم بعد زد ی ایمان های آیند و کالای گزید هتری را می ر یابند ولی این باز مرد ناز چندان روشن بینی برخوردارند که نمی توان به آسانی آنها را با هیچ عنوان و لقبی فریب داد و این آفات آنها آب روی ماند ه راه آب می سپارد .

اعلام همبستگی

روز یکشنبه اول بهمن ماه صد ها کارگر آگاه و مبارز د خانیات به نمایندگی از سوی کلیه کارگران د خانیات د سراسر ایران ساعت هشت و سی دقیقه با مداد باد رد ست داشتن عکس های حضرت آیت الله العظمی خمینی مرجع عالیقدر و تشیع و د کترمصدق پیشوای د رگد شته ملت و آرم های جامعه کارگران د خانیات از باشگاه د خانیات راهی روزنامه اطلاعات شد ند تا همراه اعلام همبستگی با مطبوعات ، پیروزی قلم را بر گلوله شاد باش گویند پس از گرامی داشت مقدس این کارگران ، آقای فاضل پور مبارز د یوبین عضو جبهه ملی ایران مبارزات مطبوعات را از شروع د یکتاتوری رضاشاه که منجر به شهادت فرخی شاعر ملی و مدیر روزنامه آهوان شد به بحث گرفت .

سپس د وران بعد از شهر پیور بیست و نهارزارت د کتر حسین قاضی ، محمد مسعود کریم پسر سور شیرازی که هرسه شریک شهادت نوشید ند و د کتر قاضی بنا به گفته پیشوا شهید نهضت نامید هشد ، مورد بررسی قرار گرفت و سرانجام د وران کنسولنی مبارزات پی گیری و یکپارچه مطبوعات که سرانجام موفق شد ند زنجیر استعمار و استبداد و سانسور را زد ست و پای ملت ایران بگسلند و سرآغاز پیروزی های د یگر ملی گرد ند . پس از خواندن قطعنامه و کف زد نیای شد ی د کارگران بسوی روزنامه کیهان برآه افتاد ند و د ر آنجا با جمع د انشجویانی که همراه آقای د کتر مفتوح تحصن سی ساعته

د رود به جوانان مبارز با سدا ران شب

ملت دکتر محمد مصدق آنرا به پویندگان راه آزادی و استقلال ایران نشان داده بود .
درباربان آقای دکتر تکمیل همایون تشکیل " شورای انقلاب اسلامی ملت ایران " را برهبری حضرت آیتالله العظمی خمینی تنه راه رهائی از همه سردرگمی های سیاسی جامعه متحول کنونی ایران دانست .

تکذیب

هوشنگ کشاورز صد ره مبارز با ایمان جبهه ملی ایران خبر مربوط به پذیرش ما موریت دولت را برای بررسی کشتار هواز و بکلی تکذیب کرد .
باهشد اربه روزنامه ها که انتشار اینگونه مطالب سبب درگیری مستقیم با حیثیت اشخاص است ، شادمانه به نشر این خبر پرداختیم .

اعلامیه افسران و سربازان وظیفه

بدینوسیله با اطلاع ملت شریف و مجاهد ایران میرسانیم مایک گروه ۷۰ نفری مرکب از افسران درجه داران و سربازان وظیفه مرکز آموزش های هوایی تهران توسط اعلامیه ۲۳ / ۱۰ / ۱۳۵۷ زعیم عالیقدر حضرت آیتالله العظمی خمینی (مبنی بر عدم همکاری با رژیم سلطنتی فاسد و فاسق و غاصب پهلوی) با فرار از یادگان مذکور همبستگی خود را به ملت مسلمان و مجاهد ایران پیوند داده ایم و رسماً اعتراض خود را علیه شورای سلطنتی غاصبان و کابینه غیرقانونی بختیار اعلام میداریم و مصرانه خواستار برقراری حکومت عدل اسلامی برهبری امام خمینی میباشیم .
پیروزیاد مبارزه متحد ملت ایران .
پرتوان باد انقلاب اسلامی خلق مسلمان .
از طرف افسران وظیفه و درجه داران وظیفه و سربازان وظیفه .

بزرگداشت

روزشه شنبه سوم بهمن ماه برابر با سالروز درگذشت روانشاد محمد همایون بنیانگذار آگاه و نیکوکار حسینیه ارشاد است .
جامعه بازرگانان و اصناف و پیشه وران تهران بهمین مناسبت برای بزرگداشت آن آزاد ه ، از دستان و یاران دعوت نمود ه اند تا در مجلس یاد بود او شرکت جویند .

روزشنبه ۳۰ دیماه کارکنان انستیتورازی (حصارک) جلسه سخنرانی پرشکوهی تشکیل دادند و اعلام داشتند در هفته اینجلسات را برای روشنگری تشکیل خواهند داد .

خود را بنام اعتراض به روزنامه می گذراند ند روبروشد ند .
در اینجانب نیز سخنانی پیرامون دستاورد های انقلاب زده شد و تایید گردید مادرمطلع پیروزی هستیم و نباید به فرصت للبان و انحصار طلبان اجازه رخنه درصف متحد مان را بدیم .
آقای دکتر مفتاح نیز پیرامون مبارزات ملت ایران سخنرانی گفت و در پایان تحصن کنندگان نیز محیط روزنامه را ترک گفتند .

سخنرانی نماینده جبهه ملی ایران در شهریار

روزیچشنبه بدعوت مردم مبارزو زحمتکش شهریار آقای دکتر ناصر تکمیل همایون همراه دوتن از اعضای جامعه اصناف آقای حسین ختنی و آقای علی خلیلیان وارد شهریار شدند . معلمان و فرهنگیان و کسبه روستاهای پراکنده منطقه در مسجد جامع قاسم آباد تمام هالی را فرا خواند ه بودند تا با سخنان آقای دکتر تکمیل همایون بموضع تاریخی و سیاسی جبهه ملی ایران آشنائی بیشتری پیدا کنند .
حیات در منزل حجه الاسلام موسوی اسفراینی که امام مسجد جامع منطقه و از روحانیان مترقی و ملی و روشن بین هستند وارد شدند و پس از گفتگو با معالم له باتفاق وارد مسجد شدند .

آقای دکتر ناصر تکمیل همایون بدنیال تلاوت آیاتی از قرآن ، در باب عدالت از نثر اسلام سخن گفت .
آقای دکتر تکمیل همایون عدالت واقعی را در هر جامعه ای در رابطه با آزادی و دموکراسی دانست و استقلال جامعه را نیز نوعی آزادی ملی در جبهه سیاسی جهان شناخت .
سخنران ، عدالت را در چارچوب یک منطقه محدود و نکریدوا ندارد :
" جنبش ما با اینکه ملی است و منافع ملی و تاریخی جامعه ما را در بردارد ولی بحکمده مواجستگی و بحکم تامین عدالت واقعی ، در سرتاسر جهان علیه استعمار و امپریالیسم باید مبارزه میکند و در هر جای جهان از ملت های ستمدیده و استعمارزده حمایت بعمل می آورد " .

آقای دکتر تکمیل همایون ضمن تحلیل سه مرحله مبارزات ملت ایران در زمان کنونی خواست نهضت ایرانیان را همان دانست که در اعلامیه تاریخی آقای دکتر کریم سنجابی در بیرویات اجرائی جبهه ملی ایران بطور دقیق آمده است و راه انتخاب شد شورای رهبری را در مسیری بازشناسی کرد که پیشوای درگذشته

درود به ازبند رستگان سر بلند

خبرنامه جبهه ملی ایران

استقرار حاکمیت ملی
در فلب جبهه ملی ایران است

شماره (۷۳) سه شنبه سوم
مهر ۱۳۵۷

صحبت حکام ظلمت شب پاد است
نور ز خورشید جوی، بوکده بر آید

آنچه ملت از دست داده است

نخست وزیر غیرقانونی، در آخرین خطابه خود میگوید: آنچه ملت در این یک ساله از دست داده است خیلی بیشتر از آن چیزی است که غارتگران دستگاه در این بیست و پنج ساله از ثروت ملت غارت کرده اند... و سرودها اند... او با این سخن نابخردانه، اولاً قلم بطلان بر بزرگترین انقلاب جهان در عصر حاضر می کشد، ثانیاً آنچه را که به وسیله ی اجانب و نوکران آنها به غارت رفته است، بسیار ناچیز و مختصر می داند... پس لازم است به یاد او و همه کسانی که او را به این راه می کشند بیاوریم که در یک حرکت انقلابی، آنچه از دست می دهیم را اعتباری مادی ندارد، مهم نیست، بلکه آنچه به دست می آوریم معنوی و انسانی دارد، مهم است... آنچه ملت در این یک ساله از دست داده است به بهای به دست آوردن چیزی بوده که هزارها برابر بیش از آنچه از دست داده می آرد... اما آنچه در آن سالها به ملت ما از دست داده، روح آزادی بود و استقلال و حق حیاتی شرافتمندانه... نفرت مردم از استبداد سلطنتی، نقطه خائرا قسلام و ارقام دزدی آنها و وابستگی نشان ندیده است، زیرا انقلاب زمانی آغاز شد که این ارقام به وقت و اختیار همه افراد ملت نبود... نفرت مردم از استبداد سلطنتی به خاطر آن بود که اراده آزاد انسان و استقلال و حق حاکمیت ملت زیر پای نوکران استعمار نهاده بود و آنچه در این یک ساله به دست آمده است همین اراده آزاد انسان استقلال طلب و وطن خواه و با ایمان است... ملت، به خاطر حماقت یکمشت دزد بد کار و خائوس حرفه ای قیام نکرد، بلکه به امید ریشه کن کردن تمام خائفانه سازشکارانه تمام کرد و در راه بر آوردن شدن چنین آرمانی، جانها را تمام هستی مادی خود را از دست بدهد، برخساک... بقیه در صفحه ۲

شکوه بی نظیر استقبال

ملت پرشور ایران، ملتی که با انقلاب یکپارچه اش، انقلابی که بازتاب بیست و پنج سال ستم استبداد و استعمار و جپاول شدن توسط غارتگران داخلی و خارجی بود، و آنچنان بیباک است، فریاد زد، اعتراض کرد، شهیدان بی شمار داد و همبسته و مصمم ایستاد بطوریکه همه موازین موجود در تاریخ انقلابهای جهان را برهم زد، همه ی کارشناسان ضد انقلابی دشمن را حیرت زد کرد در برابر هر عطی ضد انقلابی عکس العملی انقلابی، مناسب و بیجا ارائه داد، این ملت اکنون که در آستانه پیروزی ایستاد و می رود تا در ره های بهشتی را که بر آنست تا سازند، حاضر باشد بگشاید، سخت تلاش کند تا سرک برگزاری استقبال بزرگ تاریخ از رهبران انقلاب خود حسرت آیت الله العظمی خمینی است... از آن ساعت که خیربازگشت پیروز شد، ایشان به وطن اعلا آمد، ایران بصورت گانونی گرم آغوش باز کرد و تا یکی از فرزندان بحق خود را پذیرا باشد... از دیگر پیرهای ایران، آنکس که کمترین امکان آمدن به شهران را داشته باشد، برغم سرما نبودن و وسیله آمد و رفت و کمبود بنزین، در رتد آرگ رسیدن بهترین بهترین است... در این پرشکوهرترین مراسم استقبال تاریخ ایران شرکت داشته باشد... هر ایرانی مسلمان و میهن پرست و مشتاقانند بر آنست فرصتی یافت تا در رود ها و سیاسی هایش را در روز جمعیه بر مقدم رهبران انقلابش نشان کند... چه شکوه مند است هنگامیکه چهره های سخت کوشنده، تنهای زخم د و خیمان خورده، دلتهای آغداد آرامش آید و او را امید و ار برای آیند، می سازند موارد هائی چون گروه استوار بر از سالها استوار و قهرمان در و راز وطن خویش را در میان خود می یابند... بگوئیم تا هر چه همیشه ترو هر چند با شکره ترد مراسم پیش از رهبر جنبش ایران و مجمع مالکیت و تشیع شرکت کنیم، بگوئیم تا از این آزمایش... بقیه در صفحه ۲

ما دیو استبداد را بزنجیر می کشیم

بقیه آنچه ملت...

بنشینند، گرسنگی بکشند، سرما را تحمل کنند، و قیام
هر چیزی را که اعتبار و ارزش با داری دارند بزنند... چرا که
می دانند پس از کسب استقلال و آزادی، با کمک نیروی فعال
ایمانی ملت، خیلی آسان و به سرعت می تواند ویرانی هارا
جبران کند و کمبود هارا از میان ببرد.

آنها که مردم را از بازار ورشکسته و بانک های ورشکسته
و حکومت ورشکسته می ترسانند فقط باید به مراسم سالگرد
یکساله بسته بودن بازار قم نگاه کنند. در برگزاری این
سالگرد، صد ها هزار نفر از مردم با ایمان قم فریاد می زنند
" تا سرنگونی کامل دستگاه استبداد و وابستگان آنها،
نهضت ما ادامه خواهد یافت... "

و خواهید دید که این ملت، علیرغم همه تهدید های شما
به ورشکستگی و نیرنگ بازی شما در مقایسه بین قیام ملت
و زدی دزدان، جهاد بزرگ خویش را تا نابودی بنیادی
دستگاه فاسد حاکم ادامه خواهد داد و بیش از این خود را
برای نبرد ی بزرگتر و طولانی تر نیز آماده خواهد کرد.

در آن نبرد مقدس، دیگر نه خانه می خواهد نه نان، نه دکه
و بازار، نه بانک و نفت، نه جوجه و مرغ و تخم مرغ و نه پول...
آزادی نهایی را می خواهد و استقلال کامل را...
برهنه و گرسنه جنگیدن به خاطر رهایی... این شعار
انقلاب خواهد شد.

بقیه شکوه...

نیز سر بلند بیرون آیم و با نظم انقلابی خود، دشمن را که
گمان می برد فرصتی یافتن با جهان نمایان نشان دهد که
ملت ایران شایستگی در گرونی های لازم را ندارد و هنوز
بر آنست که استبداد مرگد، زخم خورده رابه میهن
بازگرداند، در این موضع نیز بخاک نشا نیم، برهیجان
هایمان غالب آیم و هیچیک گمان نبریم در راه ساز-
گرداندن انقلابی پیشوای عالیقدر سهم بیشتری
داشته ایم و این خود حق بیشتری برای ما فراهم خواهد
آورد. هر کس ب فکر دیگری در اندیشه راحتی دیگری
باشد و هر یک بکوشیم بهترین جای رابه دست همرا همان
به زن و مردی که در کنارمان ایستاده اختتامی دهیم
و سرانجام نشان دهیم که برانقلاب ما اخلاقی انقلابی
و نظم انقلابی حاکم است.

رهزوران انقلاب

زندگی ملت ها را فراز و نشیب، سکوت و خروش و عظمت و
فترت تشکیل داده ولی کمتر ملتی سکوت سرب سنان
بیست و پنجساله رابه خروشی دریاگونه، کثونی

بدل کرده است.

پس از آن سال های مرگ و خفقان سنگین و بی امان و سر-
افکنندگی، امروز همه جاسخن از ماست و نام میهن ما
بر تارک جهان می درخشد. ماکه در ربحوجه، این نبرد
زندگی سازیم. ماکه از خاکستر تباهی شعله سان پسر
کشیده ایم و در میان در شکفته ایم خود نمیدانیم که
چه شکوهی را پی ریخته ایم.

بیست و پنجسال ستم می بایستی ما را به بحران عمیق
روانی و اختلال شدید فرهنگی تهدید کند.

حیثیت و فضایل و جایایای ایرانی بودن و سرانجام انسان
بودن ما در آن سال ها مورد هجوم وحشیانه استبداد
زیر سلطه قرار گرفت و امروز که خروش میهنه ایران را فرا گرفته
و زرقای میهن در حرکت و موج است وقتی به گذشته

می نگریم و آن همه سرافکنندگی، تحمل و تسلیم را می بینیم
شرمند می شویم، ولی باید گفت که این توفان و این سیل
خروشان ما را از همه آن آلودگیها و سرد رگریبان فرو
برد نه با تسلیم ما فرو شسته و پاک و صاف ساخته است و

بجای آن سکوت سربی حالاد بگرد رمویرگهای مانیز خون
جوشان و زنده در حرکت است و نوآوری های پی در پی
نوید آن میدهد که آن همه تازیانه، آن همه زندان و شکنجه
و بی حرمتی نه روانمان را به بحران و اختلال کشید و نه
فرهنگمان را دستبرد زد.

آنچه بر ما در این چند ماه گذشته چنان شگفتانگیز و
باشکوه است که در تاریخ جهان ملتها نظیر آن را نمی توان
یافت و به آسانی نیز نمی توان آنرا به اوری گذاشت.

ولی آنچه می توان بد رستی گفت اینست که انقلاب کنونی
و انکشی دلیرانه و جاننازانه در برابر بیست و پنجسال
استبداد زیر سلطه بود، چیزی که هیچیک از اندیشمندان
خود فروخته و جامعه شناسان ذهن گراتصور آنرا نیز
نهی کردند. آنها هرگز باورند اشتند مردمی که در لول
بیست و پنجساله یکناتوری گاه بوده و اربه اینجا و آنجا
کنانده شدند و از حلقه شان فریاد های تلخ و مزگیبار
بیرون جهید بکپارچه و بی امان در برابر آنها صف کشند و
اعتراض خشم آلود شان را بگونه عدم پذیرش همه
نهادهای اجتماعی و سیاسی و بگونه عدم قبول حقانیت
برای تمام حاکم اعلام دارند و شکفتنی در همین جاست.

در شهر تاریخی قزوین

شهر تاریخی قزوین که در دوره مشروطیت و نیز در زمان
مبارزه ملت ایران بر رهبری دکتر محمد مصدق برای ملی
کردن نفت، یکی از واحدهای برجسته نهضت بود، در

در و در گرم ملت به پاسداران شب

تلاشهای جدید مرد مبرای رهایی و آزادی نیز بسان بسیاری از شهرهای ایران بپا خاسته است.

روحانیان قزوین که از قشروشن بین و آگاه شهرعارف و د هخدا هستند، بهمدد رهنمودهای مرجع عالیقدر اسلام حضرت آیت الله العظمی خمینی توانستند حرکت ژرف و گستردهای را در منطقه بوجود آورند.

با زاریان قزوین و نیز دانشجویان هنرستان و مدرسه عالی اقتصاد و مدرسه عالی فزالی (مجمع آموزش عالی) و دانش آموزان و کارگران شهر، آنچنان در این شهر کهن سال ایران جوشش و روشنگری بوجود آورد هاند که دستگاه استبداد ناگزیر شد که در این شهر نیز حکومت نظامی اعلام نماید و باشدیدترین وضع حرکات و زندقی روزمره مردم را از زیر نظر قوای نظامی قرار دهد.

کشتار و وحشیانه مردم قزوین آنچنان واکنشی در شهر و منطقه سرتاسر ایران بوجود آورد که پیشوای روحانی شیعیان جهان را بر آن داشت که در رابطه با این واحد انقلابی ایران اعلامیه مسوطی صادر فرمایند.

روز شنبه بدنیال رایزنی با جامعه روحانیت مبارز و آگاه قزوین دانشجویان مدرسه های عالی شهر از آقای دکتر ناصر تکمیل همایون جامعه شناس برجسته و عضو جبهه ملی ایران که خوناز فرزند آن مبارز این شهر "مینودر" می باشد دعوت بعمل آوردند تا در رزادگاه خود در باره نهضت مردم سخنرانی بعمل آورد.

هزاران زن و مرد، روحانی و دانشجو، کارگر و دانش آموز کاسب و پیشه ورد مدرسه های فزالی و محوطه وسیع کنار مدرسه و خیابان خیام اجتماع کردند.

آقای دکتر تکمیل همایون بنا مدهد او بیاد مددهای بیکران الهی که منت ایران را در مبارزات خود هیچگاه تنها رها نکرد سخنرانی خود را آغاز کرد.

از مبارزات و رخشان دکتر مصدق در راه استقلال و آزادی ایران و از آموزشها حضرت آیت الله العظمی خمینی که مردم ایران مقاومت و پایداری داد تجلیل بعمل آورد و رشته کلام را به تلاشهای فرزانه و عالم مجاهد قزوین که "حقیقیترین نماینده مردم قزوین در مجلس شورای ملی بود" کشانید از مرحوم حاج سید غیاث الدین حاج سید جوادی عضو شورای جبهه ملی ایران و مبارزات وی و وفاداری فراوانش به نهضت ملی ایران و دکتر مصدق سخن گفت.

دکتر تکمیل همایون راه مرحوم حاج سید جوادی را راه استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی در جامعه اسلامی دانست و به تفصیل به تبیین علم اجتماعی آزادی و

استقلال پرداخت و اعتقاد ورزید که مبارزات ملت ایران در این برهه تاریخی در خط آزادی و استقلال ملی نظم یافته است.

سخنران دشمنان مردم را دشمنان استقلال و آزادی معرفی کرد و بیان داشت "برعکس آنچه دستیاران استبداد ادعا میکنند نهضت ما کاملاً به خطر تجزیه ایران پایان میدهد و بهیچ وجه کشور ما در معرض آسیبهای همسایه شمالی نیز قرار ندهد. خطر کمونسم اگر در بخش سیاسی وزیر سلبه رفتن ایران باشد که ملت ایران به تحقیق در برابر آن واکنشهای تند نشان خواهند داد و اگر ایجاد عدالت اجتماعی و پایان دادن به استعمار باشد، بی شک در تعلیمات اسلامی و فرهنگ ایرانی، ما با خواسته های برابری و داد گستری روبرو هستیم و نهضت ما اجازه نخواهد داد که بخشی از ملت در رستم و اجحاف قرار گیرند."

آقای دکتر تکمیل همایون مبارزات ملت ایران را در همین چارچوب دانست و اعتقاد ورزید که مردم قزوین نیز همگام با مبارزان سرتاسری ایران بپا خاسته اند.

سخنران از روی متن کتابچه انگشای جویبی، جمله هایی در باره حمله مغولان به قزوین قرائت کرد و آنگاه در مقام مقایسه از یورش و وحشیانه نظامیان بریده از مردم باین شهر سخن گفت و در حالی که حاضران مجلس شدیدا متاثر شده بودند، سخنران بیان داشت "این جنایت و وحشیگری را حتی مغولان نیز با مردم شهر ما انجام ندادند."

آقای دکتر تکمیل همایون خالجه تاریخی فتح مکه را بیاد همگان آورد و گفت "انتم الطلقات و در محیطی کاملاً روحانی که جمعیت خود را در آن یافته بودید اضافه کرد: "اما نالای میانیکه در زد نبودید، اجحاف نکردید از مقام خود سو استفاده بعمل نیاوردید، خود را مسلماً و ایرانی میدانید دعوت میکنیم که بیایید در کنار ملت و ارتش ملی ایران را بسازند و بیاید بیاورند."

"بگفتند" خمینی، ارتش برادرم است." در خاتمه گفتار آقای دکتر تکمیل همایون نقشی جبهه ملی ایران را پس از پیمان نامه پاریس (اعلامیه) آقای دکتر کریم سنجایی (تشریح کرد و تنها راه نجات ایران را اجرای آن دانست که مورد تصویب پیشوای بزرگ روحانی ملت قرار گرفته است.

سخنران تشکیل "شورای انقلاب اسلامی ملت ایران" را علییه آینده پیروزمند ایران دانست و با شکستن "طلمس موهوم کودتا" فردای مستقل و دموکراتیک

هیچ دسیسه ای ما را از راه آزادی نمی دارد

تیب ۲ زرهی د زفول توسط فرماندهان خود تحت برنامه‌ای طرح ریزی شده به سوی مردم تحریک شده و آنها را برای کشتار مردم بیدفاع به شهر فرستاده اند .

سخنرانی

آقای دکتر نصراله جمشیدی عضو جبهه ملی ایران و عضو هیات موسس سازمان ملی پرستان بودند این سخنران در تاریخ اول بهمن ماه در رگرد هم آگهی کارکنان بانک سخنرانی در محل آن بانک سخنرانی کرد . سخنرانی آقای دکتر جمشیدی تحت عنوان "کود تایکا فسانه" در روشن "و" لزوم حفظ وحدت ملی بود .

در ریک گرد هم آئی پرشور که بنیاد عوت کارمند ان هواپیمائی کشوری در روز اول بهمن ماه ترتیب یافته بود آقای دکتر محمود درویش عضو جبهه ملی ایران و استاد دانشگاه ابوریحسان سخنرانی کرد . سخنرانی آقای دکتر درویش در موضوع "ملت و اهمیت شناخت تاریخ به منظور آگاهی از موجودیت و شخصیت ملت ایران و به منظور آگاهی از مبارزات ملت ایران در راه استقلال و آزادی و تثبیت حقوق حقه ملی بود .

ایران را بعد م مبارز شهر خود وعده داد . سخنرانی آقای دکتر تکمیل همایون که نزد یک سه دو ساعت طول کشید در میان انرا احساسات فراوان همشهریانش پایان یافت و مردم شهر با اینکه در بسیار قوای نظامی بلند گوها و کامیونهای نظامی برای پراکنده کردن آنان و احتمالاً "سرب و جرح و قتلشان آسوده بودند و چندین بار نیز نشانه‌هایی از اغتشاش از خود نشان داد ، با کمال قدرت ادامه داشت .

هشدار به کارکنان ملی

پاسد اران د لا ورشیا : در بخش از جنوب تهران شبگذشته سه زن تقاضای کمک می کنند و چهارتن از گروه پاسد اران که در محل بودند بد نبال آنها براه می افتند و چون سه تن دیگر از پاسد اران به پاسد اری بخش جنوبی محل رفته بودند کسی متوجه این استمداد نمی شود . هنوز از چهار جوان عضو گروه پاسد اران خبری بدست نیامده و بطور دقیق معلوم نشده است که چه توطئه‌های در مورد آنها به اجرا گذاشته شده است .

پاسد اران گرامی توجه داشته باشید که با علامت های خاصی که فقط افراد گروه اران آگاهند همه ما موریت ها را به آگاهی هم برسانید . با چشم باز و هشیاری کامل رفت و آمد ها را زیر کنترل بگیرید و تا اطمینان پیدا نکرد فایده آنها در حالیکه د یگرایسار اران جریان را د نبال کنند ، به یاری کسی نشتابید .

تاریخ وجود دشمن از جمله و ترویج یافته شده و به هر بهائی می کوشد د شنه زهر آلود خود را د پشت ما فرو کند .

شما د لا ورائی که از جان گذشته و به پاسد اری و حب به و جب این خاک و تکتک این مردم همت گماشته اینست ، زنجیرسان بهم پیوسته باشید و با دلم انقلابی و هشیاری کامل قدم بردارید . خدا ایارتمان و دست اهریمن از زندگی برترتشان کوه و تپه است .

توطئه

رژیم خود باختنه استبدادی هتک می که همه توطئه های طرح ریزی شده انبر علیه انقلاب ملت ایران نقش بر آب شد د رپی جستجوی راه های ضد انقلابی بر آمده است که یکی از آن راه ها تحریک افراد ارتش مصیان زده به علیه مردم است . از زفول خبر میرسد که شصت و پنج تن از د رجه د اران

یادگاریها
از: خروش البرز
ماکت را بعد از این د یگرزه بوشمار باید
بلکه بهر کسب آزاد می همه بیکار باید
د چنین د شتی که هر سرسبز د خار مغیلان
تیشه برکت بهر د فح تیشه اشرا را باید
گر خیانت ریشه کن می کشند از گلزار ایران
زندگی بهر مغیلان کی چنین د شوار باید
صبح طلوع د رپی است ای هموطن بر خیز بر خیز
نعره حب الوطن را د مبد تکرار باید د
د رنبرد دست عهد ان د در صاف زورگویان
از لرزله از گریزانی زمین ان عار باید
تا که دست اجنبی کشته شود از خاک همین
از ثبات و عهد انی گرد وطن د یوار باید
تا شود ثابت به ناطق تیشه د ن پیروزی حق
همچو با بر هیچ رفتن د رمیان نسا را باید
تا به کی بزجان و مال و ملک ملت دست یازی ؟
تا به کی زمین خاک عهد تاراج استعمار باید ؟
بینه بر دستان بیند د : تا اول اندر بران نشیند
تا که راه پاک پیروزی و حق همسوار باید

بانظم انقلابی، توطئه های دشمن را بی اثر سازیم

آقای بختیار، دست هریزاد!!

واحد های انقلاب

برغم سخن پراکنی های طولانی و مصاحبه های تلویزیونی
و سوگند خوردنهای بی دریغی خبرهای رسیده نشان از
توطئه های ضد ملی و ضد اسلامی است.

ابلاغیه رسید، از ستاد ارتش که ادعا شده هیچ کسار
خلاف قانون و کودتاگونه ای نخواهد کرد!! و دولت بختیار
با اختیارات بی حد!! ارتش را زیر نفوذ دارد!! همسراه
با تهدید اخراج از خانه های سازمانی و قطع همیشگی
حقوق که دضد اطلاعاتی بناهای احمد سیری و امینی
ماهور تا کید شفاهی آن بودند بدست ما رسید است.
پرسنل صنایع نظامی سلطنت آباد و یارچین ملزم شد هاند

اعلامیه هواداران جنبه ملی ایران

کمیته موقت هواداران جنبه ملی ایران در گیلان اعلامیه
ای به تاریخ یکم بهمن ماه انتشار داده که در بخشی از
آن چنین آمده است: "در هفته های گذشته دانشگاهها
و موسسات آموزش عالی کشور با بهره گیری از اراده ملی و
اتکاء به نیروی لایزال ملت سترگ ایران، یکی پس از
دیگری بدست برادران و خواهران پیروز منسند ما
بازگشائی خود را بشارت و تجدید حیات آموزشی خود را
در خطی مردمی با الهام از آموزشهای والای اسلامی
از سر گرفتند.

بر همین اساس مراسم بازگشائی دانشگاه گیلان نیز از
ساعت ۱۳ روزد و شنبه ۱۱/۲/۱۳۵۷ در محل این
دانشگاه برگزار خواهد شد.

سربازان جنبه ملی ایران در گیلان از تمامی آزاد زنان
و آزاد مردان موطن مبارزان راه آزادی و استقلال کشور
و از همه برادران و خواهران همزرم خود دعوت مینماید
تا با شرکت در این اجتماع باشکوه مراتب سپاس و حق
شناسی خود را از همگامی موثر و تعیین کننده دانشگاهیان
این سامان در پیروزی چشمگیر انقلاب ملت ایران ابراز
دارند. درود به استادان و دانشجویان مبارزان
دانشگاهها. پینروز سواد ملت.

جوانان، به پاسداری شهرها و روستاهای انقلاب
پرداخته اند، به پاسداری دستاوردهای در هم کوفته و
مصدوم انقلاب، استعمارید کینه ریشه دار، هنوز،
زر خریدن بی فرهنگ و جاهلان بی وطن را در اختیار
خود دارد و می کوشد که بدست این بدکاران، ارزشهای
معنایی انقلاب را در رنورد و تباهی و دواشستگی را
چنان به درون زندگانی مردم انقلابی بیاورد که ایشان را
از دوام جهاد بزرگ خسته کند و بفزاند راورد.

در برابر این گروه بدکاران، چماق بدستان، غارتگران
و آتش افروزان، باید که ایستادگی کنیم و سرسختانه و
جا نوازانه ایستادگی کنیم. جوانانی که به پاسداری
شهرها و روستاهای انقلاب پرداخته اند، در حقیقت
سپاه راستین و راه شناخته انقلابند در برابر همان
جاهلان بی وطن.

جوانان، با ایجاد "گروه های پاسداری" و حفاظت
در لیرانه از جان و مال و ناموس مردم، به راستی مشکل ترین
"واحد های انقلاب" را پدید آورده اند، واحد هایی
که می تواند تا روز پیروزی نهایی و به ثمر رسیدن کامل انقلاب
نقشی بسیار بنیادی و ارزنده را بر عهد بگیرد و در تقویت
حسن پاسداری ملی و ایمان انقلابی، کاربرد ابرو کار ساز
باشند.

این بر عهد هی "گروه های پاسداری" یا "واحد های جان نیاز
انقلاب" است که روز به روز تشکیلات خود را وسیع تر
کنند، نظم و ترتیب خود را بیشتر کنند و بکوشند که آند
غیورانه باشند و هر چه تمامتر، به سرکوبی و از یانداختن
خرابکاران وابسته به دستگاه پیرد ازند و راه های هجوم
آشفته سازان و تهدید کنندگان و تجاوزکاران برسد کنند
بر عهد هی این "واحد های انقلاب" است که با آگاهی
کامل بر عهد فها و آرمان های انقلاب، روش های ایستادگی
در مقابل آدمکشان بی رحم و غارتگران آلت بدست
دستگاه را تا حد ممکن کمال بخشند و روش های مقابله با
نیرنگ ها و جنایت های... بقیه در صفحه ۲

بناظم انقلابی، دشمن را بزانود و آوریم

بقیه واحد های . . .

عاملان دستگاه را بستاناسند ونیروهای شیطنانی ضد انقلاب را چنان درهم بکوبند که این حربه نامرد می وندد انسانی از کف دستگاه استبداد فروافتند .

" واحد های انقلاب " یا " گروه های پاسداری " اینک نقشی بسیار حساس و تاریخی را در پیشبرد انقلاب بر عهده گرفته اند ، نقشی که می تواند در خورد کسردن نیروی دشمن و امید بخشیدن به خانواده های انقلابی بسیار مؤثر و آموزنده باشد و قلب نوجوانانی را که به امید آن آمده اند گرم کند .

د رود ما بر " گروه های پاسداری انقلاب " در تمام شهرها و روستا ها و تک تک مجاه های وطن . . .

گارد ملی

گارد ملی جوانان شهرری ، برای استقبال از حضرت آیت اله العظمی خمینی ، مسیروشهرری تا بهشت تود را رایا کساز می کند .

در این روزهای پر شور که هرا برانی مشتاقانه در تدارک پیشباز از " رهبر و راز وطن " خود است ، اقد اصایر گروه های گارد ملی و جوانان پاسداری شب برای پاکسازی قسمت های دیگر مسیر بسیار جا خواهد بود

بقیه آقای بختیار . . .

که با تمامی اعضای خانواده خود در تظا هرات ضد ملی و ضد اسلامی شرکت جویند ، به این نظامیان اطمینان خاطر داده شده که مسلحانه مورد حمایت هستند و توطئه کشیف دیگری را نیز با این گنیل اجبار گونه توأم کرده اند و روستائیان اجیر شده ا لراف تهران را بنام حمایت از مذ همباجوبو جماعت و وسیله های دیگر تخریب مانند کوکتل مولوتف و کپسول های کوچک گاز وارد ممر که خواهند کرد تا شهر را بار دیگر به خون و آتش کشند .

آقای بختیار با پای لنگ ایسان و اختیارات این چنینی نمی توان از این برهه خطرناک گذر کرد . اندک آبروی مانده را بردارید و از مهلکه ننگین کنونی بگریزید .

این پاسداری ستم ، این حامیان استبداد و این دستهای آلوده ، خیانت و جنایت در رزنگاه چنان درسی بشما خواهند داد که برای همیشه خود خواهی و از پشت خنجر به یاران دیرین زدن را از یاد ببرید ، لزیمان کند اب هرگز نمی توان شکفت و در موضع ضعف ادعای قدرت جز مسخره کردن خویشتن نیست . مرد می ران که در راه بازگرداندن آزادی و استقلال

در پهنه این سرزمین به خون نشسته اند و داغ عزیزان بر چهره دارند با این آخرین تلاش های مذ بوحانه نظامی که تاراز بودش گسسته و پتبه های از دست دادن بقیه عزیزان دست از تلاشی مقدس خود بر نمی دارند و روسیاهی برای پاسداری عقل و دین باخته استبداد می ماند . روز پنجشنبه پنجم بهمن ماه مردم تهران هر کجا که صدای عربده این اربابان را شنیدند بی گوت و خالی کردن خیابانها ، واقعیت تظاهرات ساختگی و رستاخیزی را به نمایش خواهند گذاشت و بار دیگر نشان خواهند داد که و ران سوم سیطره بیگانگان به آخر رسیده و هر چه بیشتر در این مهلکه همانند مرگ خود را تلخ تر و تحمل ناپذیر ترمی کنند .

یاد رود به ناسامیانی که زیر بار این ننگ نخواهند رفت و لباس مقدس سرپازی را آلوده نخواهند کرد .

همسازدی و تسلیت

در راه پیمایی تاریخی روزاربعین آقای مصطفی موسوی دست مبارز دیوبا و بازرگان خوشنام که عضو شورای جبهه ملی با زار نیز می باشد همچون میلیونها همشهری راهی میدان آزادی بود و نوجوان پانزده ساله اش سعید نیز او را همراهی می کرد ، پی از شرکت در راهپیمایی و غزیه که ارشادی و اعتراض سرشار بود در بازگشت فرزند نوجوان این بازرگان شریف را اثر حادثه ای جان می سپارد .

خبرنامه : همدردی عمیق خود را اثار این پسر در اغمد ارمی نمائیم .

جبهه ملی در رشت

شرکت فعالانه هواداران جبهه ملی ایران در رشت چندمگیر و تحسین برانگیزاست . در راه پیمایی باشکوه اربعین یا لگارد های جبهه ملی با عکس های رنگی حضرت آیت الله العظمی خمینی مرجع عالیقدر تشیع و در کتروصدق پیشوای د رگدشته منت نشان حضور صمیمانه این گروه بزرگ سیاسی بود . نسبتاً بلوی آیت الله العظمی خمینی و در کتروصدق بر سرده و خیابان بزرگ و تمویس نام آنها نیز یکی دیگر از عملکرد های درست این گروه بود . در مراسم بازگشایی دانشگاه گیلان نیز شرکت این گروه انبوه که با شور و هیجان بی مانند ی همراه بود کاملاً نمایان و نظم سازمانی آنها بارها مورد تقدیر و تمنا ساگران قرار گرفت . در رود به این یاران وفادار مصدق .

مقدم پیشوایی که ندای مبارزانه ای است ، گرامی باد

استقرار حاکمیت ملی
هدف جنبه ملی ایران است

شماره (۷۵) پنجاه و پنجم
بهمن ماه ۱۳۵۷

مجله
جنبه ملی ایران

ما خواستار کشوری غیر متعهد و خارج از

بلوک بندیها هستیم

حضرت آیت الله العظمی خمینی

اینک مردی میبارد مرد آساکه قطره قطره خون درد کشیدگان وطن در تن او جاریست



حقی علی السلاخ

من فکر می‌کنم

آنکه زمان حادثه نزد یکاست

دیگر زمان آن رسیده -

که بی شک

امام بیاید

این راتمام ساعت‌هایی داند .

لویعصای موسی

باغلیسان و تیشه ی ابراهیم

با هیات صمیمی عیسا

ویا کتاب محمد می آید

ود شتهای سرخ شقایق رامی پیماید

ویرمزار شهیدان نمازمی خواند

وخطبه‌ی رهایی انسان را

ایراد می‌کند

این راتمام دنیا می‌داند .

من نه منجم

که از ستاره بگویم

نه غایبم که غیب بگویم

من در میان شما هستم

من از میان شما هستم

با اشک‌هایتان

سرریز گشته ام

باد رد هایتان

فریاد کرده ام

با کشته هایتان

در خون تپیده ام

در شهرهای حادثه گردیده ام

در لحظه‌های فاجعه

وقتی حرامیان

ما را محاصره کردند

و آتش مسلسل‌ها را

بر روی ما گشودند

من خون سرخ شهیدان را

بر سنگفرش کوچه و میدان

و خانه و کلاسی و خیابان

با چشم دیده ام

ودر "بهشت زهرا"

صد ها هزار بار مرده ام و زنده گشته ام

من فکرمی‌کنم

وقتی امام بیاید

دیگر کسی در روغ نمی‌گوید

دیگر کسی به خانه‌ی خود

قفل هم نخواهد زد

دیگر کسی به باجگزاران

- یعنی که تاجگزاران -

باجی نمی‌دهد

مردم براد رهم می‌گردند

ونان شان را

بایکدیگر به عدل و صداقت

تقسیم می‌کنند

دیگر صفی وجود نخواهد داشت

صفهای نان و گوشت

صفهای نفت و بنزین

صفهای مالیات

صفهای فیلم و سکس و اتوبوس

صفهای نام نویسی

- به اسم استعمار -

صفهای زهرمار

از بین می‌روند

و نوکران مضحک با اختیار

و بی اختیار

نابود می‌شوند

و صبح آزادی لبخند می‌زند .

من فکرمی‌کنم

باید امام بیاید

تاحق به جای خود بنشیند

و باطل و خیانت و نفرت

در صحنه هیچ نماند

این را من از کلام خدا می‌گویم

در سوره‌ی مبارک اسری .

وقتی امام بیاید

دیگر کسی نمی‌تواند

بالاله‌ها و شقایق‌ها

- که یادگار شهیدان است -

یاد اس و باتبر و مقابله سازد

وقتی امام بیاید

ایران

- این ماد رشک‌سته‌ی رنجور -

دیگر برای همیشه

از بند جور و جهل

وازارت وشکنجه وزندان

آزاد می شود

من فکرمی کنم

باید امام بیاید

من نه منجم

که از ستاره بگویم

نه غایبم که غیب بگویم

این را من از نگاه کودک قنداقه ام

ویلک زد نهای مردم شهرم

وروزنامه های جهان خواندم

من فکرمی کنم

وقتی امام بیاید

شاید سقیفه کثیف بنی ساعد

— شورای سلطنت —

باری دگر به تولد بنشیند

من فکرمی کنم

آن لحظه ، لحظه ایست که بی شک

د بگرامام بگوید :

حی علی السلاخ

تهران - دوم بهمن ماه ۱۳۵۷

" ج . آرزو "

بشارت نامه

خمینی می آید ، مردی که غریو شادی جهان آزاد یخوا

را به عرش رسانده است و پشت دنیا ی ظلم و استبداد

را به خاک ، مردی که اعظم جنبش آفرینان قرن است در

برابر استعمار و استعمارگر ان . . .

خمینی می آید ، مردی که ندای مبارک رهایی است

و بانگ خوش آهنگ استقلال ، مردی که نشانه ای اراد می

انسان با ایمان علیه فساد است و باطل و خفقان . . .

خمینی می آید ، مردی که وجودش ، تجسم آرمان های

یک ملت تاریخی است و تجسم آرزوهای همه ی ملل د رهم

کوفته ی جهان ، مردی که هستی اش ، قانون آزاد ی است و

قانون داد خواهی و نافی همه ی قانون های ضد مرد می ، و

حرکتش ، حرکت همه ی قانون های نو ، به سود ملت های

ستم دید و از استبداد و زور و قتلد ری . . .

خمینی می آید ، مردی که به یمن همشرو به جلال استقامت

و به شوکت حق پرستی اش ، کاری گشود و شد نه د رحده باور

جهانیان و نه چنان که تلم ، به آسانی ، بیان تواند کرد . . .

اینک کسی می آید که گل از خون شهید ا به پای نفس

آزاد یخواهی اش ریخته اند و جان د رره همتوالای —

استقلال ملی اش داد اند . . .

اینک مردی می آید مرد آسا ، که قطره قطره خون د رد —

کشیدگان وطن د رتن او جا ری ست و چکه چکه خون

شهیدان ، از قلب او فرو چکیده است . . .

مردی که خاله ی رنج یک ملت است و مژده ی رهایی همه ی

ملت ها از رنج . . .

نمی آید ، پس نه یک معجزه ، نه یک دست از آستین غیب

د رآمده ، بلکه انسان راستین عصر حاضر و اب — مرد

زند می تاریخ می آید .

مردی که همه عزم و اسخ است و همه اراد می پولادین . . .

مردی چنین ، د و بار نمی آید .

د ر تمام طول حیات انسان ، تنها همین یکبار است که

خورشید — آید ، از غرب به شرق می آید ، خورشیدی که

امانت شرق است نزد غرب .

حق است که اینک ، صدای هلهله ی ملت ی راهگوش جهانی

برساتیم و این بزرگ را چنان که باید و شاید عزیز د ا ریم و تمام

وجود خویشتم را نگرستن کنیم و با این نگاه ، او را چندان

بپاییم که از چشم زخم دشمنان ، به د و برماناد .

خمینی که به خاطر ذات رهایی انسان می جنگد و به

خاطر باز آفرینی معرفت و معنویت بشری به د ان آمد است

سپاس نمی خواهد ، تقدیر و تشویق نمی طلبد ، ماتنهای

به خاطر رضای دل خویش عزیزش می د ا ریم و به خاطر

رضایت تاریخ ، و به خاطر آنکه مردانی اینچنین ، اگر باز

پیدا آیند ، بدانند که با چه شوکتی می آیند و مسردانی

آنچنان که رفتند ، بدانند که با چه خفتی می روند . . .

حفاظت و حر است جان خمینی به همت سربازان وطن

به معنای تجدید میثاق مقدس میان سپاهیان میهن است

و همه ی خانواده های ایشان ، میثاق اجزاء ملت که به غرب

شلاق استعمار و استبداد اسپر پراکندگی شد و بودند . . .

بیائیم ، خمینی را از ناصله یی که سلامت را نیاز دارد

ببینیم ، تصویرش را د ر قلب خود حک کنیم و د ر تمام لحظه

هایی که احساس ناتوانی و ناپایداری می کنیم ، قد رتش را ،

استواری و سر سختی اش را و عملکرد سلامت را به یاد آوریم

و به نیروی انسان با تقوا ، ایمان بیاوریم . . .

حضرت آیت الله العظمی خمینی مرجع عالیقدر تشیع

به امید پروردگار یگانه ، روز جمعه د روان اسلامی خواهند بود

باز کسی که اعجاز و تحسین همگان را برانگیزد و نشانی از

فرهنگ متعالی ما باشد ، آرایش آن استقبال کنیم .

درد به کارکنان و پیر ه و ا پیمانی ملی

آقای دکتر بخیار آیا این تظاهرات کاذب

میتواند واقعیت‌ها را قلب کند؟!

آقای دکتر بخیار در جهت اثبات این ادعا که در ربین قشری هائی از جا مغه و روحانیان منزلت و جا یگاهی دارد می گوید از وجود جمعی خدمتگزار و اجیر شده و از سربازان و گروه بانان و کارمندان ساوا کبرای نمایش روزه و ایستاد میتینگ استفاده کند .

این گونه نمایشات مضحک و خندناور و تظاهرات خنک و بی پایه و مصنوعی و کاذب از زمان های بسیار قدیم حتی از تظاهرات جمهوری قلابی سرد ارسبه توسط دولت هسپا برهبری رکن ۲ ستاد ارتش و نمازمان های جاسوسی و اداری سیاسی شهربانی با توسل به زور و اجبار و راه انداختن کارگران و کارمندان معصوم و رفتگران یا کشاورزان برپا شد . در دولت های ساعد و قوام و صد رالا شراف و رزم آرا که هنوز خفقان به مرحله ی کمال و فلج عمومی نرسیده بود و وجود احزاب و سازمان های ملی در تعارض با رفاقت و ست های ضد ملی و هم چنین طرح مبارزات اجتماعی میتینگ ها و تظاهرات در امتداد سطح کشور با هدایت احزاب و جمعیت ها برپا میشد . دولت ها نیز بمنظور توجیه اعمال خود و ابراز قدرت و جلوه دادن تکیه گاه اجتماعی و مخفی داشتن چهره زشت و کریه دیکتاتوری از قالب این تظاهرات استفاده میکردند . بعد ها که خفقان همه جا را فراگرفت بستر احزاب ملیون - مردم - ایران نویسن و رستاخیز محیط مناسبی بود برای اجرای نوعی مراسم رژه و فیله و سان و همان طور که در روزهای بخصوصی از وجود ارتش برای رژه بهره برداری میشد این احزاب و مخالفان کاذب نیز در همان مسیر و توسط کارمندان و کارگران و زیر نظری پلیس مخفی هدایت میشدند ، روزهای ششم بهمن سوم اسفند ، ۲۸ مرداد و ایامی نظیر این روزها که مبین تسلط و چیرگی حکومت فردی و پاد بود طلوع شوم ملیتاریسم و استبداد و پاد آور شکست ها و ناگامی ها و لحظات نکبت و مصیبت اجتماعی بود که بعنوان ایام فرخنده یاد میشد و تظاهرات و میتینگ ها برپا نمیشدند .

در این تظاهرات مقدس ترین جنبش ها و ویا شکوه ترین تحولات اجتماعی ایران و سنبله چند عامل لکه دار و آلوده به ننگ ، تخطئه و موهن و ملوک معرفتی میشد ، تاریخ مبارزات ما را تحقیر و ملت بزرگ و عظیم ما را در رقبال بزرگ کردن آدمک های حقیر ، کوچک مینمودند و متعلقان فرد پرستی و بت پرستی و دیکتاتور پرستی را رواج میدادند .

به جوانان رزمنده و دانشجویان مجاهد که در طریق جهاد فی سبیل الله شبمیله . . . بقیه در صفحه ۵

بیاد شاد روان دکتر خنجی

دکتر محمد علی خنجی محقق و نویسنده و دانشمند در سال ۱۳۰۴ خورشیدی در بحرین در امان مادری روشن فکر و با ایمان چشم به جهان گشود . پدرش محمد امین خنجی از کتاب شناسان و محققان بود که در زمینه جغرافیای تاریخی جنوب ایران اطلاعاً وسیع بی نظیری داشت ، تحصیلات متوسطه را در دبیرستان علمیه تهران به پایان رساند و در سال ۱۳۲۳ وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۲۶ به اخذ رجه لیسانس حقوق نائل آمد . از همین سال ها مبارزات سیاسی خود را آغاز کرد و برای کامل نمودن معلومات و ادامه تحصیل روانه پاریس شد و پس از دو سال بد رجه دکترا ی اقتضا رسید و در سال ۱۳۲۸ به ایسرا ن بازگشت . دکتر محمد علی خنجی با انتشار سلسله مقاله های سیاسی مبارزه خود را ادامه داد .

سیر اندیشه او را در همین مقالات می توان تشخیص داد . پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد همچون دیگر آزادی خواهان به زندان افتاد و بعد از آزادی یبار دیگر مبارزه را از سر گرفت و همین استمرار منجر به بازداشت های دیگر شد تا جایی که دفتر و کالتش تعطیل گردید .

دکتر خنجی علاوه بر انتشار مقاله های سیاسی تالیف ها و ترجمه های بسیاری دارد که در اثربورش های ما موران فرمانداری نژاد می و ساواک بسیاری از آنها به یغما رفت . دکتر خنجی علاوه بر تسلط به زبان واد بیات فارسی و عربی ، ازاد بیات فرانسه و انگلیسی ، آلمانی و روسی نیز آگاهی کامل داشت .

روز پنجم بهمن ماه ۱۳۵۰ دکتر محمد علی خنجی بطور ناگهانی برای همیشه از میان دستان و یاراناش رفت . روایتش شاد باد .

اعلام همبستگی

در شامگاه سوم بهمن ، از سوی حزب سوسیالیست فرانسه میتینگی در پاریس بمنظور همبستگی با انقلاب ملت ایران ترتیب یافته بود که در آن عدد زیادی از فرانسویان و ایرانیان مقیم فرانسه شرکت کرده بودند .

در این جلسه سخنرانان متعددی پیرامون گذشته و حال ایران سخن گفتند ، سپس فیلمی از قیام ملت ایران بنمایش درآمد . آقای لیونل ژوسپن یکی از دبیران ملی حزب سوسیالیست فرانسه از جمله سخنرانان این جلسه بود که طی سخنان مشروح خویش در خالت دلخارجی را در مورد اخلی ایسرا . . . بقیه در صفحه ۵

ارتش پاسدار هرزه ها است نه گویند و مغزها

بقیه آقای دکتر بختیار... استبداد را با انفجار گلوله و نارنجک روشن میکرد نسند توهین و تحقیر و امید اشتند و آنان را ماجراجو، خرابکار و خائن و نوکراجنبی میخواندند.

آخرین رجا له بازی رستاخیزد رزمان آموزگارود رتبرسریز انجا میافت و چون نتایج محکوس بخشید متروک شد. اینک آقای دکتر بختیار د ولت انقلابی طرفد ارقانون اساسی کمی که بهتراز هرک رید اند بجه نحو وارچه طریق و باچه بند و بست از روی صد هزار جسد مشبک و تکه تکه شده گذشته و با خون هزاران قربانی فرسوسان صد ارتش صا د ر شده به فکر تجدید همان رسم موهون

و تنفر انگیز افتاد منتها علاوه بر سربازها و گروهیان های استوارها و پلیس های مخفی ساواک و پاسبان های شهرها تعداد قابل ملاحظه ای جماعتد ار وفاد اربه قانون اساسی و جمعی چاقوکش وقد او بند طرفدار رژیم شاهنشاهی و عدای هفت تیربند معتقد به انقلاب شاه و مردم که از فساد و دزدی های بیست و پنج سال اخیر سروراز چاقی شد هاند به حمایت گرفته است. اما آقای دکتر بختیار اگر آموزگار و هوید او علم و شریف امامی با میلیاردها دلار و پانصد هزار سرسریزه و صد هزار آدم کشی نتوانستند از این قبیل تظاهرات کاذب استفاده مطلوب سیاسی کنند و نیروی لایزال تاریخ بر او خویشتاد امهداد و دستر خود را باز کرد شما چگونه میتوانید در این شرایط که همه نهادها فروریخته و تمام تاسیسات خرد شده و شاهرگها مسدود و سراسر کشور در حال تعطیل و اعتصاب است از این چاقوکشان و جماعتد اربها انتظار معجزه داشته باشید.

آقای بختیار به بار دیگر هشد ارتان میدهم و نه بخاطر جان که متاع بی ارزشی است که هر بی سروپایی دارد، که بخاطر اندک آبروی مانده، راهی را که همه نوکران و جیره خواران استعمار و سلطه گران وابسته به بن بست رسیده اند و باره تجربه نکنید.

بقیه

محکوم کرد. سپس آقای دکتر عبد الکریم انواری د بیسر شورای جبهه ملی ایران و نایب رئیس کانون وکلای دادگستری طی سخنان مفصل خود از حمایت ملت و حزب سوسیالیست فرانسه از نهضت ملی ایران تشکر کرد و اظهار امیدواری نمود که انقلاب مذهبی و ملی ایران به هدف های کامل و واقعی خود برسد. وی یادآوری کرد که مبارزات ملی ایران که بارهبری دکتر مصدق آغاز

شد، اکنون تحت رهبری و زعامت حضرت آیت الله العظمی خمینی به هدف های خود نزدیک شود.

سخنرانی مجاهد عالیقدر حضرت آیت الله طالقانی

روزشه شنبه چهارم بهمن ماه مجاهد عالیقدر حضرت آیت الله طالقانی به سالن فرودگاه مهرآباد رفتند تا وسیع آنجا را مورد بررسی قرار دهند. در فرودگاه اجتماع کثیر کارکنان و اشخاصی که شوق بازگشت حضرت آیت الله العظمی خمینی آنها را پیشاپیش به آنجا کشاند بود به سخنرانی ایشان گوش فرادادند.

فرودگاه بوسیله توپ و تانک های حامل تیربارند هوایی و دروزن و سربازان زیر محاصره قرار داشت و برای پراکنده کردن شرکت کنندگان نظامیان به تیراندازی هوایی میادرت کردند.

پیام حضرت آیت الله العظمی روحانی

حضرت آیت الله العظمی محمد صادق روحانی، پیشوای مجاهد و مبارز، پیامی به ارتش میهن دوست و ملت مجاهد در روز شنبه دوم بهمن ماه صادر فرموده اند که در بخشی از آن چنین آمده است: "بدنیالاعلام وفاداری گروههای مختلف مردمایران، افسران و درجه داران و همافران و سربازان میهن دوست به جنبش اسلامی موجود سروری است که توجیه ارتشیان و همپیمانان مسلمان را به ساله مهم و حساس جلب کنیم.

سربازان و درجه داران و افسران ارتش اسلامی کشور اسلامی ما از همین مردم و همین ملت برخاسته اند و در واقع عضو همین خانواده می باشند و بخاطر پیداشدن چند آدم فاسد در میان آنها نمی توان اکثریت خوب را بخاطر چند فاسد نادیده گرفت و یا خدای ناکرد بهدیده حقارت بد آنها نگریست. عموم کسانی که در ارتش خدمت می کنند و به اصول و مبانی حقه اسلام وفادارند کمال مهربانسی و محبت و برادری را برودارند."

در بخش دیگری از اعلامیه چنین نوشته شده است: "از افسران و سربازان نیز انتظار داریم که به اتفاق خواسته های مشروع و منطقی ملت ایران را که برادران آنها هستند تایید کنند و اجازه دهند که عناصری فاسد و مشکوک با ایجاد اختلاف در بین ملت و ارتش موثقیت بدست آورند."

در بیمارستان شرکت نفت: روزسه شنبه ۲۶ دیماه ۱۳۵۷ کلیه کارکنان طوسی تظاهرات پرشوری عکسهای حضرت آیت الله العظمی خمینی و دکتر محمد مصدق را در اتاق ها و دفاتر و سالن های بیمارستان نصب کردند.

بانظم انقلابی، توطنه ها را سرکوب میکنیم

تلاش مذبحخانه

بقرار اطلاع دولت غیرقانونی بختیار با همکاری پاران نظامی اش در اردک به راه انداختن راه پیمائی ها و تظاهراتی به بهانه دفاع از قانون اساسی اند .

بهمن منظور از چند روز گذشته اقداماتی بعمل آمده است . روزد و شنبه ۱۱ بهمن ۱۳۵۷ کمیسیونی مرکب از ۱۵۰ تن از امرای ارتش برای اجرای یک طرح خائنانه علیه نهضت ملت ایران تشکیل گردید و طرح راه پیمائی های متعدد در نقاط مختلف تهران به مقصد مجلس شورای ملی به تصویب رسید .

ظاهراً قرار است راه پیمایان قطعنامه هائید در داخل مجلس در دفاع از قانون اساسی شاه قرائت کنند .

در کمیسیون های ارتشی چگونگی ترور حضرت آیتالله العظمی خمینی در آینده نزدیک یاد و نتایج آن بررسی شده است .

بر طبق یک فرمان همگانی کلیه پرسنل ارتش و خانواده های ایشان موظف اند در راه پیمائی ها با این هفته از شاه پشتیبانی نمایند .

گفته می شود هواپیما های نظامی طی دو روز گذشته خانواده و خویشان جمعی از نظامیان راه پیمایان آورد هاند . بامداد امروز ، چهارم بهمن ماه ۱۳۵۷ در اغلب واحدهای نظامی از سربازان ، درجه داران و افسران خواسته شده که در راه پیمائی های روز پنجشنبه پنجم بهمن شرکت جویند و از قانون اساسی دفاع نمایند .

بنا بر اطلاعات رسیده مراکز و ساعات تجمع تظاهرات پنجشنبه از این قرار است : میدانهای مشرب آباد ، محمد رضا شاه ، فردوسی ، سپه ، مولوی ، شاه ، بوذرجمهری ، باغشاه ، شهنواز ، ۲۵ شهریور و شهدا (ژاله) .

خبرنامه : همه مردم محق طلب ایران بویژه مبارزان جوان می خواهد که جدا از هرگونه برخورد و مقابله با راه پیمایان و تظاهرات هرکنندگان عربده جوی پشتیبان قانون اساسی ۱۱ خود داری کنند و آنان را در تظاهرات فرمایشی شان تنها نگذارند .

اطلاعیه جامعه روحانیت تهران

سه شنبه شب سوم بهمن ماه ۱۳۵۷ اطلاعیه ای از سوی جامعه روحانیت تهران انتشار یافت که طی آن به ملت ایران هشدار شده است که در این لحظات حساس که ملت ایران آخرین گام ها را بر سوی یک پیروزی بسزورگ

بر می دارد و در آستانه ورود حضرت آیتالله العظمی خمینی به ایران بیش از هر امر به انضباط و نظم و خود آگاهی توجه داشته باشند تا بهانه های بدست عناصر خائن به ملت ندهند .

سخنرانیها

خبرنامه : باپوزش و بدلیل اینکه چا رفشردگی مطلب شده ایم تنهایی ذکر نام سخنرانان و تیتراژ سخنرانی ها پسند نمی کنیم باشد که در فرصتی بازتر به درج تمامی سخنرانی های افشاگرانه و آموزنده آنها بپردازیم .

روز سوم بهمن ماه در دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی خانم دکترهما روانپور (عظیم زاده) در باره هدف های کمیته منتخب دانشکده تربیت بدنی و ضرورت اتحاد و همبستگی همه نیروهای آرمانخواه و ضد

دیکتاتوری - در کتر تکمیل همایون در باره زندگی مصدق و تقسیم آن به سه دوره درخشان - در وزارت صنایع و معادن منوچهر سعودی پیرامون سیر نهضت ملی ایران و دلایل غیرقانونی بودن مجلس تحصیلی سخنرانی کرد - آقای منصور رسولی در روز چهارم بهمن ماه در

اجتماع کارمندان صندوق کارآموزی وابسته به وزارت کار پیرامون ارزش انقلاب ایران سخن گفت - در کتر نصراله جمشیدی در سازمان آب مندرقه ای تهران روز چهارم

بهمن ماه - دکتر محمود درویش در دانشسرای راهنمائی تحصیلی ، چهارم بهمن ماه - در کتر ناصر تکمیل همایون در دانشکده بازرگانی و انستیتوی بازرگانی ، چهارم بهمن

ماه .

کمیته هماهنگی شورای موسس کارکنان راد یوتلوویزیون ملی ایران طی نامه ای به دبیرخانه جبهه ملی ایران اعلام کرده است که نمایندگانی کارکنان این سازمان از این پس دارای معرفی نامه رسمی از سوی این کمیته خواهد بود و افراد بدون معرفی نامه تنها از طرف خود حق اظهار نظر خواهند داشت .

روزد و شنبه دوم بهمن ماه آقای دکتر تکمیل همایون عضو جبهه ملی ایران به دعوت دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی بشرح زندگید کتر محمد مصدق و اندیشه های سیاسی او سخنرانی کرد .

دکتر تکمیل همایون طی سخنرانی خویش تشکیل جبهه ملی را طبق الگوی بیاسد از سوی دکتر مصدق اصیل ترین راه راهائی مردم از استبداد و استعمار دانست .

درود به نظامیان با ایمانیکه در توطئه های

ضد ملی شرکت نمی جویند

من هرگز یاد ولت‌های غیر قانونی مذاکره نکردم و نمی‌کنم اینان عمال اجانبند که در زیر پوشش قانون اساسی خیانت خود را پنهان میکنند حضرت آیت الله العظمی خمینی

جبهه ملی ایران

استقلال و آزادی
جبهه ملی ایران است
شماره (۷۷) یکشنبه هشتم
پس ماه ۱۳۵۷

تکذیب دکترو سنجایی دبیرکل جبهه ملی ایران

روز جمعه ششم بهمن ماه، فرستنده "راد یوشی" بی. بی. سی. در برنامه شا مگاهی خود ضمن بخش بخشی از مصاحبه "دکترو سنجایی" دبیرکل هیات اجرائی جبهه ملی ایران از زبان "اطرافیان" ایشان "خواستار تعدیل نظرات حضرت آیت الله العظمی خمینی شد".
خبرنامه با اعلام این مطلب که دکترو سنجایی رهبر جبهه ملی ایران هرگز اطرفیانی بگونه بیان کننده نظرات ایشان نداشته وند آرند، به نشر تکذیب مبادرت می‌ورزد.
مشخصه عمد هونما من پیروزی مبارزات تکنونی مردم ایران قاطعیت حضرت آیت الله خمینی و اینجانب و همکاران من هیچ نوع انتقادی به این قاطعیت نمی‌توانیم داشته باشیم آنچه که خلاف آن توسط هر منبعی گفته شد، یا شده تکذیب میشود.

زنا ایرانی در روند انقلاب
مخالفتان هر جنبش انقلابی کوشش می‌کنند که در متن نهضت‌ها "نقاط ضعف" کما اهمیت پیدا کنند و بزرگتر از آنچه هست، مطرح سازند و آنها را بگونه "ضعف‌های اساسی" به نمایانند و با "نقاط ضعف" خیالی و موهومی در ذهن خود جعل کنند و به نهضت‌های مردمی منتسب نمایند.
این کوشش‌ها به شکل که صورت گیرد روشنی است جهت دست‌کردن پایه‌های "حقانیت اجتماعی" که البته انقلابیان نیز جهت درهم ریزی زناهای استبدادی و ارتجاعی از یکا بردن آن غفلت نمی‌کنند.
جنبش انقلابی ملت ایران که با آموزش‌های اسلامی آمیختگی فراوان پیدا کرده است، بعلت ناشناخته بودن عناصر بنیادی انقلاب و فرهنگ ملی و آموزش‌های فاشیستی بخش‌ها یعنی در ایران، دشمنان و معاندان آن را بر آن داشته‌است که با مطرح ساختن بیعت‌النسی‌های فزونی و اجتماعاتی گوناگون که از دیرباز در زبان جامعه ما بکار رفته و مربوط گردن آن بناحق به دیانت مقدس اسلام، بخش عمده‌ای از افراد و استاد جامعه یعنی مادران و خواهران بدختران مبارز و بیکارگزاران، بقیه در صفحه ۳

طرفداران قانون اساسی!!

در جنگ صفین هنگامی که شمشیر مجاهدین قلب لشکر معاویه را میسکافت و فتوروستی در ارکان قشون باطل مشاهد شد، به تدبیر عمر و معاصران مکار خلیفه گرب عرب افراد ارتش معاویه برای رهایی از شمشیر خون چکان مالک اشتر و سایر سرداران امام علی (ع) برنیززه‌ها قرآن آویختند و آنها را به سازش و حکمیت قرآن دعوت کردند. امام فرمود گفتار حقسی است که از آن اراده باطل میشود.
آنروز رضفین ناسلمانان برای پیروزی معاویه و شکست علی به سنگر قرآن پناه بردند و مردم را گمراه میکردند، امروز نیز جمعی که خود عامل و مباشر نقض قانون اساسی و در خفقان و اختناق بیست و پنج ساله دیکتاتوری شاه نقش عمده و اساسی بازی کرده‌اند در قلببهارستان، همان نمکنازی که بارها و به کرات شاهد اعدام قانون اساسی توسط شاه مستبد ایران بوده است به سنگر قانون اساسی تکیه کرده‌اند.
تعداد معتنا پستی از این گروه، یعنی حد و حدود هشتاد درصد از آنان سرمایه‌داران و گروهیانان و افسران ارتش و ژاندارمری و شهرستانی بودند که طبق دستورالسیاس شخصی پوشیده و ناگزیر در جهت اجرای او امرافوق و حسب اطاعت کورکورانه در این نمایشات مضحک و خنک شرکت داده شده‌اند و اگر حاضر نمی‌شدند، پیروزند و سیاسی و تمدن از دست می‌رفتیم و ایجاد درد سر می‌شد که ما را با آنها کاری نبودند و اما در صد باقیمانده را ما مور نجس ساواک و آدم کش‌های سازمان امنیت و افسران باج بگیردوران انقلاب سپید و تیساران بازنشسته بازرسی شاهنشاهی و اعضای انجمن شهروان ساجمن شهرستان و اطرفی‌ها و کارچاق کن‌ها و دلال‌های معاملات بنیاد پهلوی و نزد یگان شاهپورها و والا گیرها می‌باشند که از فساد بافتن‌های عهد رستاخیز و انستقلا ب طوکانه چاق و یارور شده‌اند و می‌ببینند که در رأینسده بسیار نزد یک به جرم معاونت... بقیه در صفحه ۲

پیروز یاد ولت

بقیه طرفداران . . .

و همدستی با رژیم خونخوار محاکمه یا لا اقل از این خوان
بیغما و چپاول بی نصیب خواهند ماند .

اینها همان ها هستند که از چند مسرر مختلف و متنوع
بصورت غیر مشروع مزد و حق و حساب می گرفتند ، از سازمان
امنیت تحت عنوان مأمور خبرگیری و تجسس مستمرداشتند
از اداره اوقاف بنام مأمور موقوفات عمومی در وزارتخانه
ها با اسم مدبر حفاظت ، در محاکم نظامی تحت عنوان
مستشار دادگاه ، در ریازرسی شاهنشاهی زیر القاب
بازرسی ، در کانون های حزب رستاخیز به اسم دبیر
کانون و در هر اداره و وزارتخانه و شرکت و موسسه ، دولتی
و خصوصی به تناسب مورد و موقع مثل مدبر کارخانه و بازرسی
و مشاور و راهنما و نقشه کش و طراح یاد و انجمن شیپور و
شهرستان عضو و کارگشا و کارفرما بودند و هر یک بقدر الحظه
و به معیار بی شخصیتی شروت ناشی از فساد و دزدی و رشوه
کرد آوری نمود هاند و اینکه متوجهند که این چشمه های
متعدد دزد و بیاد اش خشک شده اند رآتیسته خواهد شد
من از طرفداران و حماقداران حامی قانون اساسی پرسش
می کنم آیا همیشه و از گذشته پشتیبان جگرسوخته قانون
اساسی و متمم آن بود هاند یا به تازگی به حفظ و حراست
آن کمر بسته اند ؟ مضافاً فلسفه وجود و معنی و مفهوم
قانون اساسی چیست ؟

قانون اساسی به لحاظ فلسفه تاریخ یک نوع قرارداد
اجتماعی است که حسب اصول و ضوابط آن حقوق فردی
و اجتماعی افراد جامعه و تالیف نهاد های اجرائی و قانون
گذاری و قضائی با تصویر صورت و فرم و شکل آنها یعنی
حالتی از رو بنای اجتماعی و همچنین حدود و مداخله
و دخالت هر یک از تاسیسات مورد نظر مردم ماعم از قوه
اجرائیه و مقننه و قضائیه را به تفکیک معین و معیار تسد رت
و ارزش معنوی و اخلاقی و تضمین دای آنها را نیز بر آورد کرده
است و هرگاه طرفداران قانون اساسی آن را بطور سرسری
خوانده باشند ملاحظه خواهند فرمود که در ربورج ۱۴
جمادی الاخر سال ۱۳۲۴ هجری حد و حد هفتاد و پنج
سال قبل ضمن ۵۱ اصل بتوشیح مظفرالدین شاه رسید
و متمم قانون مذکور یکسال بعد یا مضافاً محمد علی میرزا
رسید و از آن زمان تا کنون بنا به سیر تحولات سیاسی ایران
و باین علت که با استثنا سنواتی محدود حقوقی و حدود ملت
ایران هرگز از تجاوز و تجاوز توه اخرائیه محفوظ نمانده
و شخص شاه اعم از محمد علی شاه یا رضاشاه و محمد رضا
شاه در حد و اقتدار و قدرت خود قانون اساسی را نقض
نموده و نصوص و اصول آن را مورد تجاوز و تحسین قرار

قرار داد و حقوق ملت را مستحراً و بطور مدام غصب نمود
لذا هرگاه یکی از طرفین قرارداد یا پیمان از حد و حقوق
خود تجاوز نماید عهد نامه یا قرارداد را کلاً یا جزاً
نقض یا نسخ کند برای طرف دیگر اخلاقاً تبعیت یا اجرای
آن لازم رعایه نیست و با توجه به اینکه سلطه و سلطنت
و قوا محاکمیت شاهانه در تعارض با حقیق و حدود ملت
ایران مستثربود و هیچوقت پادشاهان ایران به فرهنگ
سیاسی و اجتماعی و رشد ملی عقیده و اقرارند داشته و
اصولاً رشد و بلوغ ملی را تحمل بر ضعف سلطان و پادشاه
تصور میکردند لذا اجتناب ملت نیز به چنین قانونی
بی اعتماد و بی اعتقاد باشد گزاف نگفته است مضافاً
هرگاه به مفهوم اصل ۲۶ قانون اساسی حاکمیت را
ناشی از اراده ملت بدانیم و اساساً تأسیس هر نهاد
اجتماعی چه در قالب قضائی و مقننه و چه در ترکیب
اجرائی آن که شاه و مفهوم سلطنت است یکی از وجوه یا یکی از
مفاهیم قدرت اجرائی است بعین تصور تأمین سعادت
و رفاه ملت و بسط آزادی و گسترش عدالت و حفظ سنن
و تعالیر ملی بوده و بیا بد در جهت ممانعت از فساد و
تبااهی و جلوگیری از ظلم و ستم و فقر اخلاقی و فسق
فرهنگی سیر نماید و لکن کلام اینست که هدف از تشکیل
تمام این تشکیلات اعم از شور و اسنا و وزارتخانه و سلطنت
و غیره و تیره ، تأمین آزادی های فردی و اجتماعی آحاد
و افراد این ملت است و همه چیز و تمام وسائل و امکانات
اظهار داری و معنوی و ذخائر مخفی و آشکار باید در خدمت
مردم و در رعایت رستگاری و فلاح و صلاح جامعه باشد
حال اگر یکی از این نهاد ها فی المثل سلطنت خود
را بر توار ملت پنداشت و از موازین و قواعد اجتماعی یا
از سایر نهاد ها عدواناً سلب حق نمود و مسیر اجتماعی
را بر پایه اصول کهنه و ارتجاعی سوق داد و فرهنگ اجتماعی
و سیاسی ایران را خفه نمود و از مردم سلب اراده و آزادی
نموده و ذخائر و منابع زرخیز را به استعمار و امپریالیزم
بخشید و بحای رفاه و آسایش جهانی از استبداد و
دیکتاتوری ایجاد نمود ، آیا باره مصلحت اجبار دارند
چنین قواعدی مقدس بدانند ؟ من نمیدانم جمعی
که امروز برای قانون اساسی بقیه دانی میکنند قبلاً
کتاب بودند ؟

۵۲ سال است که قانون اساسی ایران توسط سلاطین
و پادشاهان و پادشاهان و امپراتورهای ایران می گیرد و امروز
جز بیکر روح و مثله شد از این قانون چیزی بجا نمانده
است . آن روزها که دستهای شاهان و پادشاهان
دانشگاه و مد رسه و کارخانه و وزارتخانه های بیسترون

نظم سپهرها و ایمان سلاجیه هاست

میکشید ند و به سلاح خاندان سازمان امنیت سپردند این آقا کجا بود ند ؟ آن زمان که مجالس غیرملی و وکسلائی تحمیلی ایجاد میکردند و در سراسر ویران خفقان حکومت مشروطه تعدیل و ذخائر و منابع ملی را به استعمار و امپریالیزم می بخشیدند ، حزب طرفدار قانون اساسی کجا بود ؟

ما فکر نمیکنیم خود این آقایان عمال و ایادی و همدستان استبداد شاه بودند و اگر بصورت صحیح فهرست بگیریم بجز گروه بانان و استواران و افسران که با جبار به این گروه کشتند شد اند بقیه همکاران و معاونین و مباشرین جنایات باشند که در مقابل نهضت ملت صاف پستیته و قصد شان از اجرا قانون اساسی بازگشت شاه و احیاء بنیان دیکتاتوری و خونریزی و فساد سابق است.

آری ، اینان افرادی هستند که چون ارتش معاویسه در صفین اراد مباطل درگمزه حق دارند .

بقیه زن ایرانی . . .

نسبت به این جنبش انقلابی بد بین و نا امید گردانند . استبداد وابسته و ارتجاع همجا انتشار میدهند که بد نبال درگرون شدن نظام کنونی و روی کار آمدن اشخاص با ایمان و معتقد به اسلام و روحانیت ، زنان در موقعیست نابهنجار قرون وسطائی قرار خواهند گرفت . "آزادی" های خود را از دست خواهند داد و دوباره بزنندگی و هشتناک گذشته باز خواهند گشت .

ملغان مفروض استبداد و اختناق و شیفتگان نا آگاه ارزشهای ضد ایرانی و انتشار دهندگان خط فرهنگ و وابستگیها ، سخنان هول انگیزی از این دست را بر زبانها می اندازند و بعزت و وحدت و وحدت تبلیغاتیشان (و نه بعزت "آزادی زنان" بلکه برای جلوگیری از تزلزل موقعیت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی قریب الوقوعشان و نیز نا آشنا بودن برخی از مبارزان از عمق مساله مورد طرح و بیان ، مع التاسف این شیوه ضد مردمی تاثيراتی در زنان جامعه باقی گذاشته است بطوریکه با همه روشن بینی ها و پیگیریها و حتی آثارهای نشان داد شده در سالهای سیاه دیکتاتوری ، باز هم در چهره برخی از افراد این گروه عظیم اجتماعی نشانه های از تردید و شک و عدم اطمینان قلبی دیده میشود .

در این گفتار کوشش بعمل آمده تا نقطه های سیاه ابهام بد و ملی و ناپاوری زنان نسبت به آینده در رخشان فردای ایران مستقل و آزاد ، به سپیدی های امید بخش و انسانی که در گروه مبارزات همه گروه های اجتماعی جامعه است

مبدل گردد .

زمینه تاریخی :

زندگی گذشته زنان ایران در رابطه با وظیفه های اجتماعی شکل یافته است . در جامعه ما به علت محیط اقلیمی و شرایط جغرافیائی و کانونهای قدرت درون جامعه ای و برخورد های آنها با یکدیگر و نیز با قدرت های بیرون جامعه ای همگام در تغییر و تطور بوده است و نیروهای تعادل دهنده جامعه (مذهب و فرهنگ و ادب و هنر) بگونه ای با یکدیگر ارزشی ، در خط دفاع از زنان قرار گرفته است این گروه جنسی جامعه با تمام نا امنی های اجتماعی و سیاسی و محرومیت های انسانی از مواهب زندگی (فردی و جمعی) - وظیفه های اساسی جامعه را در خانواده و تعلیم و تربیت و سواد آموزی و علم و ادب و عرفان و حتی سیاست برعهده داشته اما بگونه ای شیئی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است و جز در موارد نادرتسلیم قدرت بود هاست . در کودکی تسلیم پدر یا برادر ارشد و بد نبال آن تسلیم شوهر و اگر قدرت برتر از شوهر پیدا میشد ناگزیر تسلیم وی میگشت .

زنان ایرانی چه پیش از اسلام و چه پس از اسلام به سرغم خواسته های انسانی خود و ره نمود های نهاد های ارزشی جامعه بویژه مذعب ، همگام در نوعی اسارت بسربرد هاست و این وضع تا بهندجار هنوز هم در برخی از کشورها و طوایف ایرانی ادامه دارد و بر روی هم گوئی زنان را در فراگرد از خود بیگانگی قرار میدهند بطوریکه گذشت قرون و اعصار موقعیتی بوجود آورده که زنان متعلق باین بخش اجتماعی بشمار میرسد که از وضع خود راضی هستند و به گونه حیات انسانی خود آشنایی لازم را پیدا نکرده اند .

این امر البته مانع آن نبوده است که زنان در رابطه با استقلال ملی ایران بگونه "وطن اجتماعی" و ناموس و امر مقدس در نیایند و جنگ های ویرانی در دفاع از آنان و جلوگیری از تجاوزات به آنان برپا نشد باشد . بدین صورت زن مجموعه ای از نشانه جلوه کرده است ، گاه شیئی و از خود بیگانه و گاه ناموس جماعت و وطن اجتماعی با بزیان دیگر شیئی مقدس و با خرم منزلت و گاه در داخل "خانه" و یا "حرم" پاسداز از ارزشهای ملی و فرهنگ جامعه .

زنان ایرانی با این ویژگیهای تاریخی بدوران معاصر گام نهاد ه است . (ادامه دارد) .

در روز به روز نامه نگاران زندانی ، پاسداران آزادی

همافران دلاورد در خطرند

۱۷۲ تن از همافران دلاورد پایگاه شاهرخي (حسـر) همدان پرازد ستگري به تهران انتقال یافته اند و جانشان در خطر است و به خانواده هایشان اخطار شده است که ظرف ۴۸ ساعت پایگاه را ترک کنند .

در قزوین

بقرار اطلاع د بیروز و امروز اکثر نقاط حساس شهر توسط مأموران انتظامی بسته و تنها بخشی از شهر باز بود است.

در اصفهان

مردم اصفهان که دوادامه مبارزات خود را برای یک راه پیمائی دیگر آماده کرده بودند ، خود را با تانک ها و نیروهای نظامی مواجه دیدند . تانک و نیروهای نظامی به شدت با تجمع و راه پیمائی زنان و مردان مبارز مقابله کردند .

در آبادان

در تظاهرات امروز آبادان در حدود ۶ هزار تن از مردم مبارز خرمشهر و آبادان شرکت داشتند . لایق آخرین اطلاعات رسیده شش تن شهید و پانزده تن زخمی شده اند .

پلیس در رشت بیداد میکند

مأموران انتظامی رشت طی چند روز گذشته با اور مرتب وحشت آفرید هاند . تمام سار سید بن رئیس شهریانسی رشت و طباطبائی استاند ارگیلان شخصا " اقدامات مزد ورانه و خشونت آمیز را بعهده دارند .

برای ایجاد آرامش در شهر نمایندگان مردم با نظا میسان به گفتگو نشسته و قرار بر این شد است که چنانچه مأموران انتظامی از شهر خارج شوند تظاهرات نیز پایان یابد . در این شهر و تن به شهادت رسید هاند . احمد علی آفرینی که دانشجوی سال سوم دانشگاه تبریز که پاسه گلوله از ناحیه " حرو صورت شهید شده و علی عالمی که توسط پاسابانی بنا " صهلکی شهید شده است .

مردم مبارز رشت طی تظاهرات روزهای گذشته عکس های دکتر محمد مصدق و حضرت آیت الله العظمی خمینی را بجای عکسهای شاه و خانواده هاش نصب کرد هاند . از مردم مبارز رشت خواسته شد است که طی روزهای تظاهرات درهای تمام منازل را بازگدارند تا مبارزان بتوانند به هنگام " در آن پناه گیرند و بدست مزدوران ددمنش گرفتار نشوند .

بازداشت روزنامه نگاران

سواهل حکومت نظامی تهران روز پنجم بهمن عد های از روزنامه نگاران مبارز و آگاه را به بند کشید . فیروز گوران و مسعود مهاجر از روزنامه " آیندگان " نعمت ناطری و مهدی بهشتی پور از روزنامه " اطلاعات و جلیل خوشخو از کیهان جزو بازداشت شدگان هستند . ما آزادی هرچه زودتر این یاران مبارز را خواستاریم .

شهادت

بنابر آخرین اطلاع رسیده در تظاهرات روز هفتم بهمن ماه در رشت ۲۸ تن مجروح و دوزن مجاهد به شهادت رسید هاند . خانم قدسی افتخاری که آهستن بوده و از ناحیه شکم مورد اصابت گلوله قرار گرفته و خانم فرحناز سعیدی که تیر به مغزش اصابت کرده است .

قطعنامه

در پایان راه پیمائی سیار با تکرار روز ۲۸ صفر برابر با هفتم بهمن ماه ۱۳۵۷ که با شرکت میلیون ها تن از مردم تهران و شهرستان ها انجام شد ، قطعنامه ای در هشت ماده توسط سخنگویان گروه های مختلف در چندین نقطه

تاریت شد که در آن پس از تأکید بر مواد قطعنامه های روزهای تا سیع و آشورا و آریه بن و جمعه ۲۶ صفر رژیم باطل سلطنتی و تمام بقایای آن از جمله شورای سلطنت ، ولا یتمعه ای و مجلسین فروانی " موجود و دولت غاصب کنونی از تاریخ ۱۳۵۷ مرد و ددنا خسته هوتا " کید شده است که ملت ایران دیگر بار تحت هیچ شرایطی زیر بار استبداد سیاه پهلوی نخواهد رفت . در قطعنامه آمده است که مردم ایران مشتاقانه در انتظار ورود مرجع عالیقدر جهان تشیع حضرت آیت الله العظمی خمینی هستند و هیچ بهانه ای را در مورد جلوگیری از ورود ایشان نمی پذیرند .

در این قطعنامه جمله " و شبانه " در اختیار رژیم به مردم تهران " سفند " و شهرستان های دیگر شدیدا " محکوم شد هوتا " کید شده است که مبارزات پیگیر مردم ایران تا رسیدن به هدف های ددمنش ادامه خواهد داشت

پاسد اران شب

سایعه " حمله " چماقداران به بیمارستان هزارتخت خوابی پاسد اران شب را بر آن داشت که شبانه را به پاسداری از بیمارستان و اندازه " سفید " ان ببرد ازند .

در پاسد اران شب و تمام " سفید " مبارزان قهرمان افتخار به این سربازان و " سفید " انقلاب

آنهايي كه طالب ترقی و تعالی میبندند
 با هر سیاستی كه در مصالح و وطن نیست
 مبارزه میكنند
 دکتر مصدق

جبهه ملی ایران

استفاده حاکمیت ملی
 جبهه ملی ایران است
 شماره (۸۳) یکشنبه پانزدهم
 بهمن ماه ۱۳۵۷

هشدار به ژنرال هویتزکار گردان کودتا

آقای ژنرال ۱

لازم است بی پرده و دریان با شما از د رگفتگو رآمد و حقایق تلخ را که طبعاً به مذاقتان شیرین نمیاید طرح نمائیم ولی امید است این نوشته آخرین فریاد اعتراضی آمیز کتبی ما باشد و شما بتوانید روح د بیلماسی خودتان را د ربرخورد با سیر حوادث اصلاح نمائید و آنچه ظرفیت انقلاب خونین ایران با صد هزار قربانی به شما آموخته است د رس عبرتی د زجهت توجیه و تحقیق وقایع جهان باشد و موجودیت و ظهور اراده واقعی اجتماعات د رقالب تحولات همان گونه که هست ، نه آن گونه که شرکت های آد م خوارنفت و تراست های غارتگر چند ملیتی تحلیل میکنند ، بررسی و استنتاج نمائید . گذشته هائیشان مید هد که آرزو و اعتقاد ذ هنی ماد را بله با پیوند های سیاسی آمریکا جستجوی ملی و الملوم است که د ر ما و راه د ریا از ستم انگستان علیه کولونیا لیسم به رهبری سواد ارانی چون واشینگتن ، جفرسن ، فرانکلین و هامیلتون و حمایت آزاد گانی نظیر لافایت قائد انقلاب فرانسه بیا خو استه و زنجیر اسارت و بردگی را به بهای هزاران هزار قربانی د رمید ان های جنگ و بیگانه گریز تحصیل نموده و چون طعم تلخ اسارت و طعم الملوم ستمتازیانه استعمار را چشید ه و خود از راه قربانی به حریت دست یافته لامحال آزادی و غرور ملت ها را ارج می نهد ، ماد رکفن آغشته بخون" با سیکرویل" پرشکوهترین و جلیل ترین و د رخشنده ترین ستاره آزاد نامید ید یم و نیز هم وطن شما بود که افتخار داشت د رسید ه د م آزادی ایران د ر گوشه سنگر ستارخان د ر لباس یکمجا هد بهمیرد . چه پرشکوه و مقدسند چنین مردانی که بر تارک تاریخ حریت ملت ها این چنین زیبا به چهره یک قدیس تجلی می نمایند و افتخار آنرا د ارند که مرگ خود را د رمعبر تحولات و هنگام آفرینش تاریخ بازندگی یک جامعه توأم و عجمین سازند .

نخستین مصاحبه آیت الله العظمی خمینی در بهمن

با حضور حضرت آیت الله العظمی خمینی ، د رساعت ۸ و ۴ دقیقه پیش از ظهر شنبه چهاردهم بهمن ماه یکمصاحبه مطبوعاتی و راد یوتلوویزیونی د رایران با شرکت بیش از سیصد تن از خبرنگاران ، فیلمبرداران و عکاسان د اخلی و خارجی تشکیل شد . د ر آغاز حضرت آیت الله مطالب کوتاهی پیرامون تمیز قانونی بودن رژیم سلطنتی کنونی ایراد کرد ند ، ایشان د ربخشی از سخنان خود گفتند " ملت ایران را ی بر سقوط سلطنت داد ه است بنا بر این مانه مجلس را قبول د اریم و نه حکومت را قانونی مید انیم ، د ولت باید کنار برود ، شورای انقلاب حکومت موقت تعیین خواهد شد و حکومت موقت موظف خواهد بود که مقدمات و فراندوم را تهیه کند . قانون اساسی که تدوین شده به آراء عمومی گذاشته می شود که اگر مرد مقبول کردند رژیم جمهوری و قانون جمهوری خواهد بود . پس از آن پرسش های خبرنگاران مطرح شد که توسط حضرت آیت الله پاسخ داد ه شد . د رمورد د رخواست مجد د شاپور بختیار برای ملاقات با ایشان پرسش شد ، پاسخ داد ند " ملاقات رانمی پذیرم مگر اینکه استعفا بد هد " د ر پاسخ خبرنگار د بگری که پرسید اگر پس از اعلام حکومت موقت توسط شما بختیار کنار نرود و راه حل های سیاسی به نتیجه نرسد آیا اعلام جهاد میکنید ؟ پاسخ داد ند " می خواهیم حتی المقدور با مسالمت و نصاحی که می کنیم مسائل حل شود ، اگر چنانچه بختیار به پشتیبانی انگلیس و آمریکا که د ارد با ملت و حتی با ارتش مخالفت کند و مثل اربابش برای سرکوبی ملت از اسرائیل نیرو بیاورد ، آنوقت تکلیف را روشن خواهیم کرد " .

خبرنگار د بگری د ر باره تماس ایشان با سران ارتش و امکان تماس با آنها راد رایند ه پرسید ، پاسخ داد ند " اگر مقتضی بد انیم باز هم تماس حاصل می کنیم و آنها راد عوت به صلاح خودشان و صلاح ملت می کنیم امید وارم آنها رعایت کنند آنها از ملت و ملت از آنها ست . . . بقیه د ر صفحه ۴

دولت غیرقانونی بختیار محکوم به برکناری است

سپردند و بدیهی است در تقسیم و توزیع این غنیمت شوم، نصیب آمریکا از دیگران بیشتر بود و چهل درصد از سهام کنسرسیوم مفتوحه مخانی بد سنت شرکت های آمریکائی افتاد.

آقای ژنرال | تصویری کنه به سرگذشت دوران ۲۵ ساله سلطنت ناشقه و قاهره شاه از کودتای سال ۳۲ تا کنون و آنچه در ایران گذشته است، شما بهتر از دیگران واقف و آگاه باشید زیرا با فتنه سیاسیست بیست و پنج سال اخیر بدست شما وزیر نظر شما تعبیه و تنظیم گردید، هر قدر که قدرت و استبداد شاه را شما خلق کردید و آن را روز بروز تقویت نمودید تا به آن مرحله رسید که در سراسر ایران مشروطیت و دموکراسی تعطیل شد و موجودیت احزاب و جمعیت ها و مطبوعات محو شد، قلمها شکسته شد، آزاد فردی و اجتماعی نابود و گروه گروه و دسته دسته انشجویان و آزادگان به جوخه اعدام سپرده شدند، فرهنگ ملی و معارف اسلامی و سیرت کامل فکری و روحی جامعه با مال شد اساسی تشکیلات و بنیان پلیس مخفی سازمان امنیت از فکر بد بیع آمریکا و مهندسی و محاربان "نیوا" برونوزیر خارجه سازمان جاسوسی اسرائیل اداره میشود و این سازمان در وزخنی راتا جانی گسترش و بسط داده اند که چون سرلمان ریشه هایش در سراسر اعضا و جوارح و شرائین و اعصاب جامعه رخنه کرد و از لحاظ سیاسی شرایطی سخت و مخوف بوجود آورد.

عصا ریامهر که معلول سلطه قهرآمیز آمریکا بود تقوای سیاسی و تقدس مذہبی به سخره گرفته شد، مناعت و شخصیت و غرور و آزادگی متعبدات منکوب گردید و در جهت غنای ارزش های ملی و معیارهای تاریخی و سنت های دینی و مذہبی و اعتلای فکری و روحی همواره کوشیدند در این عهد که اوج نفوذ سیاست شما بود و مقام سفانسه یک ربع قرن مستمر و بلا انقطاع ادامه داشت ملت ایران سیاه ترین استبداد ها و تاریک ترین و خونین ترین و غم بارترین تاریخ خود را پشت سرگذشتند و فلاستان ایران به یک زنند ان و محبسی با ۳۵ میلیون زندانی تبدیل شده بود که در هر شهر و در هر قریه و هر شهرستان صد ها مسلح و مقتل و در هر مرحله و هر حومه چند قربان گاه و چند واحد انسان کشی مجهز به شبکه های مخوف و هراس انگیز پلیسی بمنالور شکار انسان ها و شکار آزادگان و به تله انداختن شرافتمندان و تعقیب و زجر و کشتن مجاهدین و متفکران تعبیه شده بود.

این مرحله از زمان و زمان سقوط اخلاق، سقوط شرافت، سقوط همه موازین و معیارهای انسانی و بشری بود و در همین مرحله از زمان بود که خسارات اقتصادی در قبیل

انقلاب، اخلاق انقلابی می خواهد

خسارت معنوی بسیار مختصر و ناچیز تلقی میشود زیرا مبنای ترقی و وصول بمقام حقاقت و ذلت فکری و عبودیت بود و به همین علت پای بوسی و شخص پرستی و تعلق و دروغ ترویج یافت و روز بروز شجاعت و همت و ابراز اراده و عقیده و اظهار فکر و ابداع و تصمیم از مدبران و گردانندگان امور کشور، سلب گردید. بسجای مدداقت و رشادت و طهارت ناپاکی و چاپلوسی و فساد معنوی و مادی رشد یافت و قواعد و ضوابطی که در جهت رشد و تکامل جامعه و اعتلای فرهنگ و انش و عظمت اخلاق ضرورت دارد و از گون و معلق شود و کشور به قهقرا و عقب ماندگی اقتصادی و مالی و فرهنگی و رکود سیاسی و اجتماعی دچار گردید و ملاک و معیار ارزش ها عیناً در جهت بد بختی و فتنای عظمت شناخته شود و در دست کسی که از هر جهت و از هر حیث رکیک و تنهی و زبون و بی مایه باشد به بالا ترین پایه های مقام کشوری و لشکری ارتقاء یابد و قهرمانان در چنین قبرستانی که فقط خفقان و خفقان مستمر و فشار استبداد و تهدید و بلا انقطاع سرنیزه و مسلسل میتوانست سکوت و آرامش آن را حراست نماید، محیط مناسبی ایجاد کرد که غرب حریص و در راهس آن آمریکای طماع بتواند مثل لا شخوره های برای انسان ها زنده زنده حمله کند و از گوشت و مغز شان تغذیه نمایند و این آدم خواری چه منظره ای حزن انگیز دارد و انسان را به یاد عصر بد ویتو توحش بشردر عهد آدم خواری می اندازد.

و آقای ژنرال، از شما میپرسم، آیا این چنین تغذیه ای با مایه های اخلاقی و انسانی هم آهنگ است؟ شما و همدستان غارتگران بر ما ظلمی روا داشتید که با حمله چنگیز و بورش تیمور برابر است. در سنا به یک رژیم ساطور بدست خون آشام سالانه ۲ میلیارد دلار درآمد نفت را چپاول نمودید، ایران را به یک پایگاه نظامی و بیسرج مراقبت منطقه و انبار اسلحه بدل کردید و بالقوه مصیبتی هم در طرفا جعه شهریور بیست و در بطن تاریخ مامهیا ساختید، قرارداد هائی که با اعمال خود به نام ملت ایران بستاید از معاهده ترکمان چای یا قرارداد هائی که انگلستان در قرن استعمار با کشورهای زیر سلطه خود بست است ننگین تر و خفت انگیز تر است و اصولاً چنین قرارداد هائی حاکمیت و استقلال ما را مخدوش و بلکه در انقراض نمود هاست.

آقای هوپز را آنچه عنوان ژنرال رامتباد ربه ذهن مینماید وجود یک سلسله عملیات نظامی است که مغایر شرافت و شایسته سربازی نباشد، یک ژنرال عرفاً و معمولاً با اعلام جنگ و در رأس یک لشون به ارتش مهیا و آماده در قاع

حمله میکند ولی شما و امثال شما جوانمردانه با ملت ما روبرو نمیشوید ، بدون نام و نشان بگونه چیزی شبیه طاعون در کشورها نفوذ میکنید و برخلاف مروت از طریق دسیسه و مواضعه و ایجاد رابطه پنهانی با خود فروش های سیاسی و کاشتن بذریختن علیه نظم و استقلال و حاکمیت مردم توطئه و همان کاری مسمی کنید که نامش جاسوسی است و در تمام کشورها مجازاتش طناب د آراست و بعد از چندی آثار شیوع طاعون میلیتاریسم و مرگ و آزادی های فردی و اجتماعی ظهور مینماید و آقای ژنرال این تنها ایران نبود که در ۴۱ مصیبت کودتا گرفتار شد بلکه بسیاری از کشورها که با ما وضع مشابهی داشتند و با آمریکا در رابطه بودند کم و بیش سرنوشتی شبیه و تلخ را تجربه کردند و با خون و آتش و تقدیم هزاران قربانی از گدازگاه تاریخ گذشته از دست رفتند . تاریخ چین را ورق بزنید ، به سرگذشت و پیتنجام و کامبوج و لاوس ببیند پیشه ، کشتار و وحشیانه شیطانی و اندونزی را تحلیل نمائید و به آنچه در آمریکای لاتین مثل ونزوئلا ، گواتمالا ، کلمبیا ، برزیل ، بولیوی و سایر کشورهای عقب ننگه داشته شد ، آسیا و آفریقا که در شرایط اجتماعی خاص و محدود قرار دارند بنگرید و ببینید چگونه سلطه کارتل ها و تراست های مخوف و غارتگر برای این کشورها مصیبت کودتا هدیه آورد است چقدر در اوضاع و احوال مشابه و متعادل اجتماعی سرنوشت های مشابه تاریخی ظهور میکنند و چقدر سرنوشت ایران و دگرگشتی با سرگذشت گواتمالا و پروفسور آرینز شبیه است مثل اینکه هر دو تصویر یک واقعه واحد نه تاریخی هستند . شرح قضیه آنکس که کمپانی آمریکائی یونایتد فرویت " شرکت میوه " صاحب امتیاز راه آهن و بندر گواتمالا سیتی و صاحب اختیار تمام مزارع موز کشور یعنی تنها منبع ثروت ملی گواتمالا و یا شرکت اینکس میبایست نصف منافع کمپانی به دولت داد میشود ولی از یکصد میلیون دلار در آمد کمپانی فقط پانزده میلیون دلار نصیب مردم میشد ، ملت گواتمالا بجان آمد و پسه قیادت پروفسور آرینز رئیس جمهور ، مزارع موز را ملی کرد . کمپانی میوه وسیله ایادی خائن و ژنرال ها د مردم اد ۱۳۳۳ یکسال پس از کودتای ایران حکومت ملی آرینز را با کودتا ساقط نمود و یار به زندان انداختند و هزارتن را به چوبه د آرسپرد و قانون ملی شدن مزارع وسیله پارلمان فسخ شد . واقعه دیگر ، کمپانی آی . تی . تی شرکت آمریکایی تلفن و تلگراف کودتای نظامی شیلی به راه انداختند و او را از گون نمود و قتل عام و کشتاری برپا کرد که بعنوان خونین ترین وقایع تاریخ ثبت گردید .

سازمان سیا هم اکنون مالکیند هزار هکتار را را خسی خوزستان با چند میلیون دلار در آمد سالانه است ؟ امید انید این اراضی زرخیز دستمزد و پاداشی است که نظا مخونخواه پهلوی در قبال کودتای سال ۳۲ به هلمز اعلا کرد است ؟ و باز میدانید که آقای هلمز بر سر این سفره گسترده متنها نبود بلکه آقایان نیکسون و کی سینجر و جانشین و فورد و سایر زعمای واشنگتن و سفرای کبار و صف طویل عمال و کارگردانان سازمان سیا از این خوان بیغما نصیب کامل و حتی مقرری ماهانه و هدیه های چند صد میلیون دلار گرفته اند و این باج سبیل های محرمانه فصل جداگانه ای به غیر از معاملات بزرگ اسلحه و قرارداد ها و مناقصه های کمر شکن و حساب شصت هزار کارشناسی میباشد که اگر بخواهیم آنها را رقم بندیم تماثیم نذین ترین و رقت انگیزترین مسائل اجتماعی و روابط بردگی و حقارت یک ملت در تاریخ عرضه میشود و فریاد میزند ما با یکمشت غارتگر و چند شرکت ما فیما ماند و بیگ سیاست مخوف و بی رحم و فائد انصاف روبرو بود ایم و کاری کردند که ظرفیت تحمل این ملت نجیب شکسته شد و قیام نمود تا با صد هزار قربانی حاکمیت خویش را تا همین نماید و به شما بگوید آقای هویزر گورتان را گم کنید و سایه شومتان را از سر ما کوتاه نمائید و پیش از این مانند لا شخور و جغد از این کشتار به آن کشتار نپرد و سعی نکنید از زیر خاکسترهای آغشته به خون نیز فریاد قصاص و انتقام علیه سیاست آمریکا بلند شود .

بقیه نخستین مصاحبه . . .

ملت براد ر آنهاست ، آنها نیاید در برابر ملت مسلسل بگاری برند ، باید بدانند که ما عظمت مردم و عظمت ارتش را می خواهیم و هر چه زود تر به ملت ملحق شوند ، ما می خواهیم ارتش مستقل باشد و از فرمانبرداری اجانب خارج شود ، می خواهیم آزاد باشند ، آنها فرزندان ما هستند ، باید به دامن ما بیایند .

در پایان پرسش هایی در مورد وضع اقلیت های مذهبی ایرانی و اتباع خارجی در جمهوری آینده ، ایران و آزادی مطبوعات و راد یو و تلویزیون در آن جمهوری شد که به یکایک آنها پاسخ دادند .

سخنرانی

بنا بد عونت استادان و کارمندان مرکز آموزش مدیریت دولتی در کتروصرانه جمشیدی عضو جبهه ملی ایران روز ۱۴/۱۱/۵۷ در این مؤسسه زیر عنوان " برزخی بین جهنم و بیروزی و بهشت آینده " سخنرانی کرد .

همه با هم در راه آزادی و استقلال ایران

جبهه ملی ایران

خبرنامه

استقرار محاکمات ملی

دفتر جبهه ملی ایران است

شماره (۸۲) دوشنبه شانزدهم
بهمن ماه ۱۳۵۷

دوره دوم حکومت ساواک

تندیس همگن

امروز دیگر برای همه مردم، قطعی و مسلم شده که حکومت غیر قانونی بختیار، ساواکی ترین حکومت بیست و پنج سال اخیر ایران است. خود او بیش از همه نخستوزیران غیر قانونی این ربع قرن، تسلیم وی اراده در برابر خواسته های سازمان امنیت اگر با کمی دقت به خطابه ها و مصاحبه ها و پیام های مکرر و هر روزی بختیار رگوش بسپاریم، خیلی آسان به مغشوش گویی ها و حد در ماندگی اش در مقابل تما یلات ضد انسانی و ضد ملی ساواک پی می بریم، و هم می توانیم درک کنیم که این موجود مرکب (شریف امامی - از هاری) حتی مثل هایی که می زند و نمونه ها بی که ارائه می دهد، عینا "همانهاست که سازمان امنیت در اختیار شریف امامی و از هاری می گذاشت. تنها تفاوتی که در این میان احساس می شود این است که دو نخستوزیر غیر قانونی قبلی - شاه ایشان - هرگز پیروزی هاشمی را که ملت به دست آورده بود به حساب خود نمی گذاشتند و اقرار می کردند که تغییرات موجود، حاصل کوشش بیگیر انقلاب و جان فشانی مردم با ایمان است. حال آنکه بختیار، از آزادی نسبی مطبوعات گرفته تا اخراج شاه، از آزادی زندانیان سیاسی گرفته تا بازگشت شورآفرین حضرت آیت الله العظمی خمینی را، رسماً و جداً، نتیجه کوشش های شخص خود می داند و لحظه ای از تکبیر بر این نکته بلاهت آمیز که "من، چنین و چنان کردم" باز نمی ایستد و فقط شهادت مبارزان را نتیجه کوشش های خود نمی شناسد و معتقد است که این جرمیست که خود شهید مرتکب می شوند تا حکومت او را لکه دار کنند و نظم را به هم بزنند. بدیهیست که احتیاجی نیست به یا بدبختیار ریبیا و ریم که او در هیچ یک از پیروزی های ملت کمترین سهمی ندارد، چرا که خود، این مساله را به درستی می داند و می داند که آنچه او در این مدت مایل به انجامش بوده صرفاً "ایجاد تفرقه در صفوف مردم و شکل دادن مجدد به حزب رستاخیز و باز آوردن شاه بوده است و بالاتر از همه وسعت بخشیدن به عملیات ساواک و واسپردن حکومت به طراحان امنیتی آمریکا، اسرائیل ایسراپان. نمونه های متعددی از تسلط مجدد ساواک بر حکومت می توانیم ارائه بدهیم:

انحلال ظاهری اداره های حفاظت کثیف ترین شوخی ساواک است که هنوز خود را تنها دولت می شناسد. آنچه هر روز و مکرر گفته می شود این است که "اداره حفاظت فلان موسسه منحل شد و کارکنان آن به سایر بخش های آن موسسه منتقل شدند"

سازمان امنیت با دولت بختیار، با این توضیح احمقانه اینطور جلوه می دهد که کارمندان اداره های حفاظت هرگز در سایر بخش ها پراکنده نبوده اند، بلکه همه آنها در یک اتاق جمع می شده اند و نسبت به هم جاسوسی و خبرچینی و خیانت می کرده اند، حال آنکه همه حتی بچه های هفت ساله هم می دانند که بجز ماء مور اطلاعات بقیه افراد سازمان حفاظت... بقیه در صفحه ۲

در یکی از روزنامه ها خبری درج شده مبنی بر اینکه گروهی در صدد هستند از دکتر مصدق پیشوای درگذشته ملت پیگره ای بسازند. دکتر مصدق کیار، هنگامیکه نهضت ملی در اوج شکوفایی بود صریحاً "اعلام کرد" لعنت بر کسی که از من تندیس بسازد.

در تاریخ ملتها، شخصیت هاشمی وجود دارند که سیاهی سترگشان، وجود هر وجودشان در دل همگان نقش بسته و اثرشان همیشه با مردمان در سراسر تاریخ در جویان است.

سایه حافظ، از میان غوغای اتابکان فارس، نه تنها بر سرمت بر سراسر خطه ایران، بلکه بر دنیای ادب دوست روزگارش افتاد و از آن به بعد تا با مرور، حافظ با یکا یک مردم ایران و زنده دلان سوخته زندگی می کنند.

فردوسی، امیر کبیر و سایر شخصیت هاشمی که هر یک اثری بزرگ بر تاریخ داشته اند بدون داشتن هیچ پیگره ای، با دشمن همواره با مردم میهنشان نبوده است.

دکتر مصدق نیز، با آن اثرشگرفش، با نهضت بزرگش، با تاریخ ساز عظیمش نه تنها همواره یادش در نهاد هر ایرانی، بل روحش، روح و الا و آزا دی طلبش خون وطن دوستان و آزادی طلبان این مرز و بوم عجب شده و ملت ایران می هیچ یادآوری و تندیس، همیشه یادآور او خواهد بود و هر روز راهی که در سخت ترین برهه زمان، دلوری او در تاریخ ایران زمین گشود.

سخنرانی دکتر سنجابی دبیرکل جبهه ملی ایران

دکتر سنجابی دبیر هیات اجرایی جبهه ملی ایران در روز شنبه چهاردهم بهمن ماه در سالن بزرگ معضوری بافته و برای کارکنان آن سازمان سخنرانی کرد.

دکتر سنجابی پس از اشاره به زمان شروع کار سازمان بزرگ معضوری و تدوین بزرگ معضوری پنجاه و اولی و مسئولیت هاشمی که ایشان در آن بزرگ معضوری با عده ای از شد که با توجه به درآمدهای رفت در سالهای اخیر دستگا حکومتی ایران در موقعیتی بی نظیر قرار گرفت که می توانست بسا بزرگ معضوری درست و اجرای صحیح آن استقلال سیاسی و اقتصادی ایران را بدست آورده و آنرا حفظ کند و از هیچ سوشی هم مورد خطر و تهدید قرار نگیرد ولی چنان دست چپا ول و تاراج به این درآمدها آورده زدند که ملکت ما را به فلاکت کنونی دچار ساختند.

آقای سنجابی همچنین گفت: ما برای صنایع خودمان احترام قائم می و می خواهیم صنایع داخلی را حمایت و ترغیب و تشویق کنیم، صنعت واقعی، نه صنعت استعماری به شکل صنعت مونتاژ، نه صنعتی که برای کمک به اقتصاد کشورها بیگانه بنا شد.

ایشان در پایان سخنان خود خاطر نشان ساختند: ملکت ما فقیر نیست، ما کوشش می کنیم... بقیه در صفحه ۲

ما آزادی و استقلال را به بیگانه ها نمی خواهیم

بقیه دوره دوم...

در بخش های مختلف موسسات پراکنده بوده اند و وظیفه ایشان چیزی جز زیرپاگشی، جاسوسی و لو دادن افراد مبارز نبوده است. بنا بر این حرفی ابلهانه تراز اینکه "افراد سازمان امنیت هر اداره، به سایر بخش های همان اداره منتقل شدند" وجود ندارد، و این شوخی چندش آورده و دقیقا "به این معنی است که هنوز افراد سازمان امنیت همه قسمت های موسسات مختلف حضور دارند و وظیفه جاسوسی و خیانت به مردم را به نحو احسن انجام می دهند.

نمونه و بیخانه دیگر، نامه هایی است که ساواک به مطبوعات می نویسد و مردم مبارز و مجاهدان را متهم می کند که "با بیرحمی و خشونت ماء موران بیگناه و مظلوم ساواک را می کشند!!" این نامه ها که مسلما "موردتاء" بیدشخص بختیا رهم هست نشان می دهد که ساواک موضع خود را در شکنجه دادن و کشتن مردم، موضع رسمی و مجلسی دولت می شناسد و گذشته شدن یک شکنجه گرا به وسیله مردم، بیرحمی و شقاوت انقلاب غیرقانونی می دانند.

تسلط ساواک بر رادیو-تلویزیون و بخش خبرهای دروغ و تغییر ماهیت یافته و خبرسازیهای قلابی به نقل از خبرگزاریها و مطبوعات غیرواقعی خارج نیز نمونه دیگری در این زمینه است. تنها موردی که از جدا کردن ماء موران ساواک از دیگران به چشم می خورد، در همین رادیو-تلویزیون است چرا که ساواک مجبور شده "ماء موران و کارمندان حفاظتی خود را گرد آورد تا بزنا به های آزاردهنده بی ترتیب بدهند و اعصاب مردم را تحریک و آزار دهند و به نظر خود، ملت را شکنجه روحی بدهند، و ضمنا "تظا هر کسند به اینکه اعصاب ها یک یک در حال شکستن اند!

هجوم های مسلحانه به خانه ها در روز روشن، حمله های شبانه به منازل و معارف میانی و غارت آنها در ساعات منع عبور و مرور، رهبری جماعت بدستان در حمله به شهرها و کشتن زنان و بچه ها، ایجاد انفجارهای قلابی در داخل مواضع نظامی و قصدوا داشتن سرپا زان به تیراندازی به سوی مردم، قطع برنامه و ورود خمینی و پخش سرود ضد ملی، تجمع ساواکی ها در حزب "طرفداران قانون اساسی"، غارت تعاونی های اسلامی، ممانعت از دریا فبتو تحویل گالاهای ضروری مردم از گمرک، آتش زدن قلعه (به استناد اینکه چرا این زنا بیچاره در بیست و هشت مرداد سال ۳۲ به حمایت شاه برخاستند اما در شرایط فعلی حاضر به همکاری با بختیا رن نیستند) بسج کردن افراد به ظاهر چپ گرای تندرو به قصد برانگیختن خشم مردم و ایجاد چند دستگی، بسیاری حرکات شنیع که ساواک می گوید آنها را "اقدامات نظامی میان و سرپا زان" قلمداد کند، و صدها مساله نظیر اینها که دائما "اتفاق می افتد، جای هیچگونه تردیدی باقی نمی گذارد که بختیار، آلت فعل در مانده" سازمان امنیت است و تبلیغ گوی این سازمان - که از سه مرکز سر هدايت و رهبری می شود: مرکز شکنجه گران معسرف ساواک که به عنوان اخراج از ساواک، سازمان امنیت دوم را تشکیل داده اند، سازمان امنیت اسرائیل که تمام نیروی خود را برای درهم کوبیدن انقلاب ایران به کار می برد، سازمان جاسوسی سیا که رسما "در ایران به فعالیت مشغول است.

و در قبال همه اینها چه آگاه و هشیار استملت انقلابی ایران، که بر سر هر کوجه و بازار، همه اینها را به راه حتی می گوید و می گوید که این بختیا ر دست نشا شده مفلوک ساواک را همراه ساواک دوم، خیلی زود بیه خاک می سپارد....

تک شماره (۱۰) ریال

بقیه سخنرانی... یک جا معه جدید، ایران نوین و وجود سیا و ریم، ایرانی آزاد و مستقل و ایرانی که در آن عدالت جماعی وجود داشته باشد و از استبداد و دیکتاتور خیری نباشد، نه در آن استعمار باشد و نه استعمار، انقلاب کنونی ملت ایران دویاره انگوشی خواهد بود برای کلیه کشور های تحت استعمار و استعماریها بگونه که هر جنبش اجتماعی ایران چنین نقشی را در شرق داشته است.

سرباز زخمی جبهه ملی ایران

خانواده قهرمان پرور و شگین آبادی که با شهادت محمدرکرم پسر دلآوردش نصف طولانی خاندان بزرگ شهادت پیوستند در روز جمعه ششم بهمن ماه فرزندان دیگرشان علی کریم هنگامی که سرپا یا اعتراض و فریاد بود بفریب گلوله دژخیمان بسختی آسیب دیده با سیاسی از درگاه خدای بزرگ که علی کریم، سرپا زد دیگر جبهه ملی هنوز زنده است و تمنای بهبود او، پدر و مادرش را که چشم براه این آزاده هستند بیداشتن چنین فرزندانسی شهیدت می گوئیم.

نامه اعتراضی

خواهشمند است:

با توجه بقانون مطبوعات موارد مشروحه ذیل را در جواب روبا بطعمومی صنعت نفت که تحت عنوان کلیه حقوق کارکنان خطوط لوله و مخا براتوی پرداخت شده و در شماره ۳۲۷۷ مورخ ۱۱ بهمن ۵۷ صفحه ۸ روزنامه آیندگان قید شده بود مرقوم فرمائید:

۱- توجه روابط عمومی شرکت نفت را به پاکان حقوق نیمه دوم دیماه کارگران جلب می نماید که دستمزد عقب افتاده کارگران فقط در چهار رنیمه محاسبه گردیده و پرداخت نموده اند و جمع ساعات کار در روبروی پاکان حقوق مبین موضوع فوق است.

۲- علی الحسابی که روابط عمومی ادعای پرداخت آنرا از اول آذر دارند، محتنداشته و دوما "ناقض قانون کاری که مورد قبول خودشان است میباید. چرا که طبق ماده فصل پنجم / ماده ۲۴ قانون کار پرداخت حقوق کارگران از دیون ممتازا زکا فرما میباید شد.

۳- در ضمن یادآور میشود که تا کنون کلیه حقوق کارگران از اول مهرماه تسویه حساب نگردیده است. سندیکای مشترک کارکنان صنعت نفت ایران - کمیته خطوط لوله و مخا براتری.

مهندسين وابسته به جبهه ملی ایران

مهندسين وابسته به جبهه ملی ایران نیز هما نند سا برگر و ههای وابسته فعالیت سازمانی خود را بعنوان "شورای موقت مهندسين وابسته به جبهه ملی ایران" آغاز کرده و برای گسترش همه جانبه سازمان خود از مهندسينی که معتقد به آرمانها و هدفهای جبهه ملی ایران هستند برای پیوستن به این سازمان دعوت به عمل آوردند.

کمیته جبهه ملی

با زاریان و اصناف حق طلب انزلی از روز چهارشنبه یازدهم بهمن ماه، با بستن منازلها همبستگی خود را با مردم ایران اعلام داشتند. مبارزان انزلی با تشکیل کمیته جبهه ملی ایران نگام برزگی در راه وحدت برداشتند.

گستردن پیوندهای ضد ملی و ضد ایمانی

جبهه ملی ایران

استقرار حکومت ملی
دفتر جبهه ملی ایران است

شماره (۸۶) چهارشنبه هجدهم
بهمن ماه ۱۳۵۷

بخط و رای ایران

اظهار نظر دبیرکل هیات اجرایی جبهه ملی ایران

دکتر سنجابی دبیرکل هیات اجرایی جبهه ملی ایران بدینحال گزینش مهندس بازرگان از سوی رهبرانقلاب بعنوان رئیس دولت موقت چنین اظهار نمودند: " نهضت ملی و دینی ایران برهبری حضرت آیت الله العظمی خمینیسی پیش رفته است و مردم ایران طی تظاهرات میلیونی اعتماد دورای خود را نسبت به ایشان ابراز داشته اند، لذا هر شخصی که ایشان تعیین می کنند مردم باید قبول داشته باشند و حتی الامکان به او در انجام وظایفش کمک کنند.

ایشان در مورد یافتن راه حل های مسالمت آمیز برای رفع مشکلات اجرا از امیدواری کردند و اعلام داشتند که گفتگو و مذاکره برای یافتن راه حل مسالمت آمیز در جریان بوده و هست.

هشدار، هشدار

هشدار، هشدار که هنوز گام های اساسی در پیش است و تا پیروزی نهایی راه بسیار.

هشدار که اتحاد و همبستگی همه نیروهای ملی که در متن جنبش قرار دارند امری حیاتی است.

آنها که مسیر انقلاب ملی و تیلور پیروزیهای آنرا می نگرند بخوبی میدانند که تنها مرحله ای از انقلاب طی شده است و اکنون با گزینش دولت موقت از سوی رهبری، پیروز مقدماتی کامل می گردد و دوره تازه جنبش آغاز میشود در این برهه سرنوشت ساز از هرجدائی و افتراق که کالبد بمرگ نزدیک شده استبداد دزیر سلطه راجانسی می بخشد بپرهیزیم.

هیچ دوگویی، دو اندیشی و دوگانگی قابل توجیه نیست و این بدان معنا نیست... بقیه در صفحه ۲

راه پیمایی

برای استقرار دولت موقت همه نیروی خود را بسیج کنیم. شرکت فعالانه در راه پیمایی نوزدهم بهمن ماه که جامعه روحانیت تهران برای تاءبید دولت موقت برگزیده رهبرانقلاب اعلام داشته بگونه رای اعتمادماد به دولت مهندس بازرگان است. جبهه ملی از همه سازمان های هوادار، احزاب و دستجات وابسته و از همه گروه های اجتماعی دعوت مینماید که با شرکت در این راه پیمایی شکوه همبستگی ملی را با رادیکر بنمایش بگذارند.

بقیه بخاطر...

همه جا گسترده خود که به شکل و بهائی نمی خواهد از پایگاه قدیمی خود، از این ممر زندگی، این رودخانه هستی بخش چشم پوشد و به یکباره دست از همه منافع و مطامع خود بردارد. آنها با گسیل کارشناسان نورزیده، با صرف سالیان دراز وقت و پول گمان می بردند جدول ارزشهای ملی ما را در هم ریخته اند و از ما مردمی هویت و فاقد ارزش انسانی ساخته هرگز به این آسانی ها موضع خود را ترک نخواهند کرد و هر روز بشکلی چون "بت عیار" خود را می آرایند و با مردم را به فریب می گیرند. انقلاب که چون بهمنی غول آسا بزرگ و بزرگتر می شود و همه جا را فرا می گیرد، سرود کودکان محله های و رولالائی مادران کم دانش و بی تجربه، نوای دهقانان رومارشکارگران، زمزمه پیران و فریاد جوانانها می شود و اینسان که پیش می رود بی گمان هیچ آسیبی نمی تواند آنرا از پای در آورد و بنا بر آنکه واضمحلال کثرت دولتی تیرنگ ها، سهل انگاریها، عدم احساس مسؤولیت سنگین انقلابی می تواند پیروزی را دچار وقفه سازد و این خطر را یک یک ما باید با تمام وجود خود احساس کنیم و از آن بگریزیم.

آنچه در این برهه از زمان سرنوشت ساز است یگانگی و همدلی است اکنون که رهبری نخستین گام را با قاطعیت در راه انتقال قدرت به انقلاب برداشته است، اختلاف نظرها را کنار بگذاریم، کوتاه بینی و خورده گیری را از نهضت دور سازیم. در این فرصت تاریخی تنها به ازپای در آوردن قطعی و ابدی دشمن که با همه ضعف و زبونی پایگاه، چون روباه خیله گر، زخم خورده گوشه ای کمین کرده و فرصت را طلب می کند بیندیشیم. ضرورت زمان انسجام و اتحاد همه ماست، دست های ما باید زنجیر و ارحما را بمنتی پدید آرد تا هیچ نیرویی آهریمنی و ویرانگر به درون نهضت راه نیابد و انقلاب این دوره خطیر انتقالی را بی آسیبی پشت سر گذارد پیش از آنکه در رابطه با هر تصمیم گیری خود را محک قرار دهیم به ایران بیندیشیم، به فردای فرزندانمان بیندیشیم. به آزادی و استقلال بیندیشیم و به عظمت این دوره تکرار نشدنی که جهان با چشم های گشوده نگران آنست و نه تنها ایران که سرنوشت دنیا بدان بسته است سیل آسا به خیا با آنها بریزیم، در و با م فلک را بسا فریاد خود آذین بندیم و مصمم و بی تردید پای کوبیم و این زمان سرنوشت را همچنانکه انقلاب ما در جهان بی همتا بود، یگانه و بی همتا سازیم.

زنومرد، ارتشی و روحانی، فدایی و مجاهد، همه و همه

ما هم در راه به شمرساندن انقلاب و بخاطر ایران. بقیه همدار...

که انقلاب به دیکتاتوری و بیکه تازی خواهد انجامید دقیقا " در این زمان ویژه و حال و هوای خاص است که انقلاب را از رخنه هرافترقی باید دور نگاه داشت و بی گمان پس از گذار از این دوره انتقالی و در مرحله نهائی هر کس آزادانه می تواند از اندیشه ها و آرمان های خود بگوید و مدافع نهاد های بی باشد که بدان معتقد است و هدف و جوهر انقلاب جز این نیست ما می خواهیم که نظام دموکراسی جایگزین نظام استبدادی گردد. استقلال مفهوم واقعی یداکند و بگوئی ملتی سربلند و آزاد در مجلس ها و محفل های جهانی با رأی یک دولت آزاد حضور یابیم. شکنیست که پس از گذار از دوره خطیر انتقالی دیدگاهها مشخص میشود و داری مردم به استقرار حاکمیت ملی می انجامد و این همان هدفی است که برای رسیدن بدان دلاورترین و شایسته ترین فرزندان میهن قربانی شده اند. انقلاب که تا کنون با توانائی، روشن بینی و قدرت رهبری شده است و در مدتی بسیار کوتاه توانا را استبداد زیر سلطه را در هم نور دیده و سرعت و شتاب آن جهان را به شگفتی واداشته اگر از یکپارچگی و وحدت برخوردار نبود و اگر همه نیروهای ملی و مذهبی صمیمانه کنار هم نبودند به چنین پیروزی درخشانی در زمانی چنین اندک دست نمی یازیدیم و این بدان معناست که در حرکت عظیم چرخ های انقلاب هر کس نقش ویژه خود را بخوبی ایفا نموده است و اختلاف سلیقه ها و برداشت های گونه گون تاء ثیری در ادامه راه آزادی و استقلال نداشته. اتحاد معجزه گرونیابا و روانه ما را به این پیروزی رسانده است بی تردید و تزلزل، همچنان یگانه و مصمم راه را ادامه دهیم. نیروی ضربه دیده و زنبون شده استبداد را مجالی برای بازگشت به موضع های از دست داده و هجوم به پیروزی ندهیم. مباد که مدار حوادث به زیان انقلاب به چرخش در آید و باز به آن سالهای سیاه وحشت و زندان و مرگ برگردیم.

دولت موقت انقلاب را برای رجوع به آرای عمومی در مورد تغییر نظام سیاسی کشور و تشکیل مجلس مؤسسان جهت تصویب قانون اساسی نظام جدید و انتخاب مجلس نمایندگان ملت بر طبق قانون اساسی جدید صمیمانه یاری دهیم.

تک شماره (۱۰) دیال

برای استقرار دولت موقت همه نیروی خود را بسیج کنیم

اعلامیه

بدنبال انتخاب آقای مهندس مهدی بازرگان به سمت نخست وزیر دولت موقت، برای ابراز نظر مردم نسبت به این انتخاب از سوی روحانیت تهران اعلامیه ای منتشر شده. در بخشی از این اعلامیه چنین میخوانیم "رهبر عالیقدر، امام خمینی از ملت ایران خواسته اند نظر خود را درباره این انتخاب اعلام کنند.

بدین مناسبت ما از همه کسانی که انتخاب جناب آقای بازرگان را صمیمانه تأیید می کنند دعوت می کنیم به نشانه حمایت و تأیید دولت ایشان در روز پنجشنبه ۱۹ بهمن ماه جاری ساعت ۹ صبح در یک راه پیمایی همگانی شرکت فرمایند. شروع راه پیمایی در هر منطقه از محلهایی است که در راه پیمایی سابق تعیین گردیده است و پایان آن میدان آزادی خواهد بود".

اعتراض

دکتر علی اصغر حاج سیدجوادی، نویسنده مبارز و رهبر گروه سیاسی جنبش بدنبال نشر مقاله های افتراگرا به استناد ماده پنج قانون فرمانداری نظامی با زداشت گردید.

ما ضمن اعتراض به دستگیری غیر قانونی دکتر حاج سیدجوادی آزادی فوری این همکار دلیر را خواهانیم و این عمل حکومت ضد ملی را تاجا و زی دیگر به حقوق ملت ایران میدانیم.

سخنرانی

بدنبال بدست گرفتن کاخ های جوانان توسط مردم، قرار بر آن شد که بجای تبلیغات سوء و ترویج مطالب فساد انگیز که سیاست ضد ملی نظام حاکم بود، از این پس در این خانه ها که بودجه آن توسط مردم تأمین میگردد، اجتماعات سازنده برپا شود.

یکی از این کاخ ها که در محله اما مزاده حسن قرار داشت بنام انجمن فرهنگی اسلامی نامیده شده از هفته جاری محل نمایش عکس ها و تصویرهای انقلاب و اسلاید تظاهرات و نیز فروش کتا بهای مفید گردید. تصمیم جوانان بر این است که یک سلسله سخنرانی درباره شناخت نهضت توسط علاقمندان به انقلاب ایران و همراهان حضرت آیت الله العظمی خمینی برگزار گردد.

نخستین سخنرانی روز دوشنبه ساعت ۳ بعد از ظهر

توسط دکتر ناصر تکمیل همایون جامعه شناس برجسته عضو جبهه ملی ایران، بعمل آمد. در این مجلس بزرگ که چندین هزار نفر شرکت کردند آقای دکتر تکمیل همایون بمدت دو ساعت سخنرانی کرد و در حدود دو ساعت نیز به پرسش حاضران پاسخ گفت.

سخنران بیان کرد: "نهضتی در هر جامعه ای در وهله اول عکس العمل مردم آن جامعه علیه اوضاع حاکم بر آن جامعه است. نهضت مردم میهن ما هم در همین وضع قرار دارد. ۲۵ سال خفان و سکوئت ملت ستم دیده ما آن را بسختی تحمل کرد، حالتی به پیش آورد که جامعه بحالت انفجار رسید.

ما در حالت انفجار سیاسی هستیم و حرکت مردم دقیقاً در خطی شکل گرفته است که در آن خط قرار نداشته اند. یعنی آزادی، استقلال، عدالت.

دکتر تکمیل همایون نابرابری های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و سیاسی جامعه ایران را بر شمرده و انواع ستمها و بیادگریها را نسبت به آحاد جامعه نشان داد و در رابطه با دیگر جوامع بشری آشکار کرد که ایران تنها کشوری است که مردمش محدود حشمتناکی از داشتن آزادی و استقلال و عدالت محروم بوده اند و حشمتناکتر این که حاکمان و مسئولان امور در این کشور خودشان را از متعلقان به مردم و فرهنگ و مذهب این جامعه نیز میدانستند و با سم "خودی" کاری کردند که "بیگانه" هم نکرد.

دکتر تکمیل همایون پس از اشاره به تاراج نفت ایران و خرید اسلحه و انتقاد شدید از آدمکشی های یکسال اخیر، دولت غیر قانونی شاپور بختیار را مورد حمله قرار داد و تمام مسؤولیت های ایرانی کشی و بی توجهی به اقبال مردم نسبت به جنبش اسلامی به زعامت حضرت آیت الله العظمی خمینی را بر عهده او دانست و بیان داشت: این دولت دست نشانده غیر قانونی هر چه زودتر باید در برابر رهبری ملت تسلیم و مستعفی گردد.

آقای دکتر ناصر تکمیل همایون، شورای انقلاب را تأیید و عمل به تصمیم های آنرا تنها راه پایان سردرگمی ها دانست و شوینداد که دولت موقت ملی آینده با فراهم آوردن وسایل و راه های رسیدن به مرحله "مراجعه به آراء عمومی" و تشکیل مجلس مؤسسان و تدوین قانون اساسی متعلق بزمان ما، به حرکت مردم جهت رسیدن به استقلال همه جانبه ملی و عدالت کامل اجتماعی نظم خواهد داد.

دولت غیر قانونی بختیار محکوم به برکناری است

خواستاری استعفا

جامعه پزشکیان، دندانپزشکان و داروسازان اصفهان طی تلگرافی به حضور حضرت آیت الله العظمی خمینی ضمن خیر مقدم گوئی به آنحضرت استقرار شورای انقلاب و دولت موقت را مورد تاءبید خود قرار داده و همبستگی و همکاری کاملشان را بیهضت اعلام داشته اند.

همچنین جامعه مذکور طی نامه ای به همکاری رشان آقای دکتر منوچهر رزم آراء وزیر بهداشت و بهزیستی کاپینه غیر قانونی بختیار از ایشان خواسته اند که سرعاً استعفاى خود را به حضور حضرت آیت الله العظمی خمینی ارسال دارد.

اعلامیه

جامعه کارکنان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه طی اعلامیه ای که بتاريخ شانزدهم بهمن ماه منتشر کرده اند پشتیبانی کامل خود را نسبت به مبارزات ملت ایران بر رهبری حضرت آیت الله العظمی خمینی و در جهت برقراری جمهوری اسلامی اعلام کرده اند.

جامعه مذکور همچنین در اطلاعیه دیگری بیان میدارد که در تاریخ شانزدهم بهمن ماه در حدود دو هزار تن از کارکنان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه بطور دسته جمعی به زیارت حضرت آیت الله العظمی خمینی نائل آمدند. آنان همچنین در بخشی از اطلاعیه خود گفته اند " اکنون که انقلاب ملت ایران توانسته ریشه استبداد و ظلم را کنده و برقراری حکومت عدل اسلامی را نوید بدهد، ما از بدو مبارزات، همگام و هم قدم با سایر گروه های مردم در راه نیل به هدف غائی کسه عنقریب نائل میگردد، بوده و در این راه مقدس نسبیز یکی از همکارانمان جان باخته است".

تلگراف

جامعه پزشکیان اصفهان تلگراف زیر را به ریاست جمهوری فرانسه خطاب کرده اند:

کاخالیزه - پاریس - فرانسه

قاطبه پزشکیان، دندانپزشکان و داروسازان اصفهان ضمن ابراز تشکر و سپاس فراوان از مهمان نوازی و ملت و دولت فرانسه که در مدت اقامت عظیم عالیقدر ملت ایران حضرت آیت الله العظمی خمینی نسبت به ایشان ابراز گردید، امیدوارند روابط دوستانه بسین ملت های فرانسه و ایران همواره ادامه یابد.

بختیاری کافی است

آقای بختیار، خود آگاهی از هر آگاهی و دانشها لاتراست آیا هرگز تمیر را ستین خود را دیده اید؟! چیزی که شما را به خودتان منحرفی کند. امکانات قدرت شما را در رویان بگذارید تا در ککتید که با همه بزرگنمایی ها، نظا ریه قدرت و آزادی که چه موجود حقیر و عاجز و ناتوانی هستید؟ شما به تنها بخود ایمان ندارید که از خود می سریزید، و این گریز از خود سبب شده که بهر دیواری سر بکوبید، بهر خاشاکی دست بیا زید و بهر بهانه ای فریاد بزنید و این چه حالت رفتاری است! آقای بختیار، با چه می جنگید، با ایمان و عشق، با ایثار، با قیام مردمی که بی هیچ سلاحی به میدان نبرد میا است. شما را آمده اند و می خواهند شانه های زخمی خود را از زیر بار رنگین سالیان دراز استبداد زیر سلطه رها سازند؟

سرنوشت این درگیری می تر دید به سودا بین مردم آزاد بخواه و استقلال طلبانست و گرچه نحوست وجود شما این پیروزی را به تاء خیر انداخته ولی ناممکن ساخته است خیره سری و تنگ نظری و خود خواهی کافی است صندلی نمایی صدارت زارها کنید و مردم را که در راه استقرار حاکمیت ملی پای طلب زمین می کوبند و خستگی نا پذیر فریاد بر می آورند. بیش از این به مسخ نگشایید.

گزینش دولت موقت انقلاب دیگر هیچ راهی برای شما جز ترک موضع کنونی باقی نگذاشته است.

دیگر نه ادعاهای گزافه و نه خیره سری، هیچیک دردی را درمان نمی کند.

ملت ایران علیه تمام بنیادهای ضد ملی و تحمیلی قیام کرده و در راه استقرار حاکمیت ملی برغم کشتار های وحشیانه، آتش سوزیها، ویرانگری ها و همه آسیب های جبران نا پذیر دست از طلب نمی دارد و راه را تا پیروزی نهائی بهر بهائی ادامه خواهند داد.

آقای بختیار، شما را دیگر جز برکناری از مقامی که به قیمت آبروی چندین ساله بدست آورید چاره ای نمانده است و با فشاری شمری جز عرض خود بران و زحمت مردم داشتن ندارد.

گرچه منزل پس از آن است و مقصد پس بعید هیچ راهی نیست که آنرا نیست پایان غم مخور

ما دیوانه نیستیم و این زنجیر می کشیم

چند شوم پرویزان گریخت

ژنرال هویزر که برای حمایت از نظام از هم پاشیده، غیرقانونی و ضدملی ایران چند سان پرویزان استیفاخانه گزیده بود مینهن ما را ترک کرد. حضور او در ایران همه جا بگونه حضور استعمار روپشتی بیدرینش از بنیادهای فاقد حقانیت رژیم تعبیر گردید ولی بیگمان در مدت طولانی اقامت که نحوست و تلخی بهمراه داشت این ژنرال آموخت که انقلاب ایران را از هیچ زاویه ای نمیتوان دور زد و آنرا به شکست و تباهی کشانید.

وجود تفرقه های آشکار در بین نظامیان و بیویژه در بین افسران جوان و روشنفکر و تنی چند از سران نظامی نمودار واقعیت پایان دوره سیاه دیکتاتوری است و کارشناسان آنچنانی دولت هایی که دستهای طمعشان از جوان بیغمای ایران کوتاه شده و نگران وضع بحرانی اقتصادی آینده غویشند هیچ قانونی نمیتوانند راهی برای بازگشت به مواضع گذشته بیابند و صحیح ترین راه حل، تسلیم شدن به انقلاب ایران است و پس

تلاش مذبحخانه

شاپور بختیار، این مرغ توفان!! که سخت گرفتار توفان خشم ملت شده و در تلاطم همه جانبه اعتراض ملت دست و پا میزند، این روزها در پی تلاش مذبحخانه اش برای نجات از غرقاب، یکی دیگر از شیوه های فاشیست ها را به کار گرفته، او قسمت بزرگ فعالیتش را این روزها بر روی تبلیغات و مصالحه ها و سخن پراکنی متمرکز کرده است اما این مرغ مقلد که "در پیس آینه طوطی صفتش داشته اند"، گمان میکند اگر بی پشت هم اندازی و بالحن و قیافه ای تحکم آمیز در برابر رهبران مذهبی و ملی انقلاب ایران بایستد و به خیال خود سندی و مدرک ارائه دهد میتواند در به جایی برسد، او دون کیشوت وار تصور می کند اگر به جنگ پهلوانان حماسه آفرین برود میتواند برای خود بزرگی و شخصیت کسب کند. بختیار در جلسه روز... بقیه در صفحه ۲

تار و زهر و عود

عظمت و عمق انقلاب بر هیچ کس، ایرانی و غیر ایرانی دوست و دشمن پوشیده نیست و با قاطعیت میتوان اعلام کرد که چنین جنبشی در تاریخ جهان ملت هایی نظیر می یابد.

انقلاب، مفسران سیاسی غرب و شرق، اندیشمندان و جامعه شناسان و پژوهشگران را به عجب واداشته است و هیچ تعریفی شامل همه ویژگی های انقلاب ما نیست و کمال آنرا در بر نمی گیرد.

توطئه هایی پس از دیگری با ذهن مردم عادی این مملکت شناخته میشود و بر ملا می گردد. کودتا به ضد کودتا بدل می شود و مشت های پر نیرنگ و فریب در برابر هشیاری و اراده ملی گشوده و رسوا می گردد.

ترس مفهوم واقعی خود را از دست داده است. رژه قدرت نمایان توپ و تانک و مسلسل، رگبار مرگ آفرین گلوله، هر روز صدها هلیکوپتر و جت برفراز آسمان، هیچک در مخفی ترین زوایای قلب و جان کسی وحشت و بیم نمی آفرینند. مردم گویی در تمامی حوادث همیشه حضور دارند و پیوسته در حال قضاوت و بررسی و سبک سنگین کردن هستند و معیارها مشخص است.

کشور ما در چنین شرایط استثنایی بیگمان در موقعیتی حساس و خطرناک قرار گرفته است و در این مرحله خطیر باید همگی دست در دست هم داده و از هرتکروی و تفرقه افکنی دوری گزید و تا پیروزی نهایی حفظ وحدت را بزرگترین وظیفه خود بدانیم.

گذرا از دوره انتقالی و دگرگونی بنیادهای درهم ریخته که زیرتاء شیر استعمار ساخته و پرداخته شده بود کوشی خستگی ناپذیر در راه انهدام فرهنگ ملی و نابودی هویت ایرانی و تلاشی و تزلزل اخسلاقی ملی بکار می برد دشوار و حساس و خطیر است.

هر قدم باید محاسبه شود و هر کلام مزمره و در ترازی انقلاب وزن شود پس بیان گردد.

ما مبارزه ای طولانی و پیگیر و دقیق در پیش رو داریم. نه می هراسیم و نه شتاب زده... بقیه در صفحه ۲

باشکرت در راه پیمائی، دولت موقت انقلاب را تأیید کنیم

بقیه تا روز...

می‌گردیم. ره صدساله‌ای رایکشیه پیموده ایم ولی برای بنیان آنچه آرزوی کنیم و ایده آل هرایرانسی استقلال طلب و آزادیخواه است نمیتوان یکشبه به هدف رسید. مجالش بدشمن نیاداد، زمان درگذراست و هر ثانیه اش به ارزش سالیان دراز خون خواهران و برادران دلاوری راکه در راه این پیروزی زمین میهن را آبیاری کرده هدرندهیم. هر حرکت ضد انقلابی را در این مقطع زمانی به درون انقلاب رهنمون شویم و بدان شکل انقلابی دهیم. همچون روزهای نخستین انقلاب همراه و همگام و چون تنی واحد زیر یک شعار فریاد سردهیم.

در این جنبش انقلابی پس از تعیین بنیادهای حکومتی، تدوین قانون اساسی و بیشتر رسیدن انقلاب بی گسستمان سهم همه گروه‌ها و تجلیل و احترام به فداکاران و جانبازی‌های همه گروه‌ها محفوظ خواهد بود و نظر ایشان در تعیین مشی‌های سیاسی و شکل حکومتی آینده‌وسر - انجام در یک تحلیل نهائی همه داورها به رای مردم سپرده می‌شود و در آنجا است که نظرا کثرت تعیین کننده وقایع خواهد بود و بدان شکل دیگر جای خورده گیری بر هیچ کس باقی نخواهد ماند و ولی تا رسیدن به آن روز موعود تارسیدن به ایده آل و آرزوی گذاریم قلب‌هایمان همسان بپندند، زبان‌هایمان هم‌نوا بگویند و قدم‌هایمان هم‌راه بگویند.

بقیه سوسیال دموکراته...

سه شنبه هفدهم بهمن ماه مجلس رستاخیزی و غیرقانونی شورا، در برابر اعضای مطرود و عقل‌وایمان باخته آن گفت: آنچه که تواضع حکم می‌کند، نسبت به آیت‌الله خمینی و سایر آیات عظام رواداشتم، ولی مرا و اادار می‌کنند که اینجا مطالبی را قرائت کنم و گفتار متناقض آنها را در سالها پیش و امروز نشان دهم" و سپس از کتبی که با خود آورده بود، متن تلگرافی را که در روز ۲۸ بهمن ۱۳۴۱ به نخستوزیر وقت اسداله علم مخابره شده است چنین خواند: "در تعطیل طولانی مجلسین دیده میشود که دولت اقداماتی را در نظر دارد که مخالف شرع مقدس و مخالف قانون اساسی است"

بختیار بسیار مسائل را نمیداند و ناشیانه آنها را مطرح می‌کند (بهمانگونه که معنی و مفهوم جهاد را نمیداند و در باره اش سخن راند)، اوصفاتی از همان کتاب - ناشناخته را ورق میزند و شاهدهای دیگر نشان میدهد که ثابت کند فرما "حضرت آیت‌الله العظمی خمینی

در حدود هفده سال پیش قانون اساسی را قبول داشته اند و امروز قبول ندارند و پس از باطلت اصلاح اشبات این مطلب داد سخن میدهد که "این مسأله قانون اساسی برای من و برای ملت ایران (آقای بختیار می تواند فقط از طرف خود و معدود حامیانش حرف بزند نه از سوی ملت ایران) در شرایط کنونی فوق العاده حائز اهمیت است". او از سالهای دور سخن میگوید و شاه و ممال و مدرک نشان میدهد، ولی نقطه نظرهای مخالفانش را نمیداند، اتفاقاً "درست یک روز پیش از سخن پراکنی آقای بختیار، در جلسه تاریخی اعلام رئیس دولت موقت ایران، خبرنگاری نظر حضرت آیت‌الله العظمی خمینی را در مورد قانون اساسی پرسید و ایشان صریحاً "جواب دادند" این قانون بجز از مواردی که بزور در آن وارد شده است تا مسأله رانی برخلاف نداده است به قوت خودش باقی است".

ولی اگر در مرحله کنونی انقلاب ایران سخن از جمهوری و تغییر نظام حکومتی ایران می‌رود باز متکی به قانون اساسی است که میگوید "قوای مملکت ناشی از ملت است" و اگر سخن از فرماندوم می‌رود به این دلیل است که ملت تا پیدار آده اش را بنحوی نشان دهد و بگوید قانون اساسی را قبول دارد یا ندارد.

ولی خوبست آقای بختیار بدانند که خودشان در همین مدت کوتاه یکساله در مبارزه با رژیم بودند که اکنون مدافع و سردمداران هستند و بیاد داشته باشند سندی از ایشان در دست است که چند ماه پیش گفته‌اند "آشتی با این رژیم مکان ناپذیر است آنها بی که هنوز تمایل به آشتی دارند باید بدانند که ما این حمام خون، جایی برای از بین بردن شکاف بین مخالفین و رژیم باقی نمانده، ماهمه مخالف حکومت نظامی هستیم که بیرحمانه شلیک می‌کنند و مردم بیگناه را می‌کشند". و این سوال همچنان مطرح است که مردی مخالف، بسا داشتن آنچنان روحیه‌ای آشتی ناپذیر چگونه با این چنین رژیمی آشتی میکند؟ در حالیکه تمام عوامل ذاتی و اعمال اجرایی رژیم همچنان پایرجا و دست نخورده باقی مانده، افزون بر آنکه شاهش بجای اینکه در کاخ شهربانش بنشیند و فرمان براند، در کاخ پارمرفیش با ایمنی و با اعصاب کمی تسکین یافته نشسته و همچنان فرمانروایی میکند.

راستی چرا بختیار چنین کرد؟ اگر او خود پاسخ این پرسش را ندهد بی شک تاریخ پاسخش را خواهد داد.

نظم، پاسدار واقعی انقلاب است

خیمه شب بازی تازه

بار دیگر چماق بدستان

یاسداران استبداد هر روز چهره دژم و آسیب دیده خود را در پشت ماسک تازه اوپنها می کنند . بیست و پنج سال ملت ایران به شکل های مختلف مبارزاتی با مرگ و زندان و اعتراض کتبی و شفاهی تجاوز به قانون اساسی را فریاد برآورد و هیچگاه زاین دایه های دلسوزتر از ما در پنبه از گوش های فراخ بیرون نکشیدند و تجاوز به حقوق ملت و گسترش سرطانی و بینما رگونه حقوق سلطنت ، از مرز تصور بیرون رفت و امروز این رویه بان پرتزویزیر جنازه شرحه شرحه قانون اساسی اشک تسخا فرومی بار نشاند و به پاسداری این کالبد بی زوج قد علم می کنند ولی این حمایت است مزورانه کمی دیر شده است و امروز ملت ایران یکسدل و یکد زبان خواهان دگرگونی بنیادی ، خواهان تغییر قانون اساسی است و هشیار و آگاه می خواهند که آرمان های این را بکرسی واقعیت بنشانند .

بدیده چماق و گروه چماق بدستان از آخرین خیمه های کثیف استبداد دنیاست . استبداد هر روز با قیافه های تازه صف مبارزان راه آزادی و استقلال را مورد حمله قرار داده و قیاسه و هر شکست را با وحشیگری بیشتر خواست تا جبران کند و شاکتسون بیروسته توطئه هایش را مردم کوچه و بازار بردرو - دیوار با خط های کج و معوج آشکار ساخته اند . چماق داران را مغزهای پوسیده تعزیه گردان نهسای استبداد دیگرمان آنکه در صف مردم تفرقه افکنند و به ارباب نشان دهند که انقلاب از یکدستی و هم راهی برخوردار نیست به معرکه کشانیدند و تا کژون صدها بار شخصی پوشان چماق بدستان به نام مردم ، به جان مردم افتاده اند . مردم زاهدان در آتش و خون روز گذشته اسیر همین گروه بی مایه خود فروخته بودند . در عمارت وحشیانه چماق بدستان دبیر مبارزی بنام تیمور مراد قسلی شهادت رسید . محمدرضا رزمجو نیز یکی دیگر از شهیدان حادثه زاهدان بود .

انقلاب قانون های ویژه دارد

نام زاهدیبا خاطر مردم کوردتای بیگانه ساخته ۲۸ مرداد در ذهن هرایرانی تداعی می شود . زاهدی از سرمداران نظام نکبت با راست استبداد زبر سلطه بود و در همه آن سال های سیاه خیانت و دزدی و چپاول و فحشا و ردالت با جان و دل به گسترش استبداد کمک کرد .

به آتش کشیدن خانه ها و مغازه ها و قمارت بسیاری از آنها و زخمی شدن دهها تن زن و مرد با ایمان از دیگر عملیات ترم آور این گروه بود .

سخنرانی

آقای دکتر احمد قیصری عضو شورای جبهه ملی ایران در اصفهان و استاد دانشگاه اصفهان در روز هجدهم بهمن ماه در سالن دانشگاه هنرهای تزئینی دانشگاه تهران پیرامون نقش رهبری و انقلاب اسلامی ملت ایران سخنرانی کرد . آقای دکتر قیصری در بخشی از سخنان خود چنین گفت : اگر دیروز نه جنس دان دور مردم ایران به رهبری دکتر محمد مصدق قیام و با نشان خون خود در خنجرش ملت ایران را با روبرو نمود ، امروز ملت گرد و هراس انقلاب اسلامی ملت ایران ، حضرت آیت الله العظمی خمینی جمع شده تانستند ای حق طلبان همه مردم مستحق و معروف و خواست و اراده خال نا پذیر آنان را در طرفه استعمار و استبداد سدگوش جهان نیان برسانند .

این چهره ضد مردمی با دهانی گشاده از یک تریسین کلمات و با برخورداری از وقاحت و بیشرمی و بی مایستگی با انداز بسیاری از صاعقه ها و زد و بندها بود . گاه همراه یک سیاستمدار درجه چندم خارجی یا تویبره ای از لقب های دروغین و گاه همراه زنان بدکساره و آنچنانی رخصت حضور می یافت و با قیامانده آب سرورا پیشکش می کرد .

این نورچشمی !! بر فراغ اعتراض های گسترده کارکنان وزارت خارجه در پناه اسلحه و بیاری چند فاسد تراز خود به سرقت اسناد وزارت امور خارجه پرداخته است . کارمندان وزارت امور خارجه که برای اعتراض به وجود بنید زاهدی در دستگاه خود دست به تحمّن زده اند و به روش جاری رامینی بویکماه فرصت برای خارج شدن از محل ماء موریت ، ناقص انقلاب که قانون هسای گذشته را نفی می کنند داشته اند .

نکشته (۱۱) روال

پشتیبانی

کارکنان مرکز پزشکی فیروزکوه را علامیه ای پشتیبانی خود را نسبت به دولت موقت با این شرح پشتیبانی

همبستگی ملی ، ضامن پیروزی انقلاب است

دانشگاهیان تبریز با ارسال تلگراف شادباش تسویق دولت موقت انقلاب را از خداوند بزرگ خواستند.

دانشگاه مخابرات تبریز طی بیانیه‌ای پشتیبانی خود را از نخستوزیری مهندس بازرگان اعلام داشته و گزینش ایشان را به ملت ایران تبریک گفته‌اند.

استادان، دانشجویان و کارمندان دانشکده هنرهای تزئینی هم با انتشار اعلامیه‌ای پشتیبانی کامل خود را از دولت موقت انقلاب بیان کرده‌اند.

کانون مستقل معلمان ناحیه پانزده تهران نیز با «دوربیا»های همبستگی و پشتیبانی کامل خود را از دولت مهندس بازرگان اعلام داشته‌اند.

دانشگاهیان دانشگاه ابوریحان بیرونی در شش هفتاد نفری انتخاب مهندس بازرگان را به سمت دولت موقت گام بزرگی در راه پیروزی انقلاب نام نهادند.

دانشجویان مدرسه عالی ترجمه هیات علمی دانشکده حقوق دانشگاه ملی، کمیته همبستگی کارکنان دانشگاه تهران نیز جزء گروه‌های تاءیدکننده دولت موقت انقلاب می‌باشند.

نارنجک در پاسخ تخمین

همافران در شکوفایی انقلاب نقش برجسته دارند و با زداشت غیرقانونی آنها موجی از خشم و نفرت در سراسر ایران برپا نمود.

امروز درست پنج روز از تخمین خانواده‌های این دلوران می‌گذرد. هر روز گروه‌های مختلف اجتماعی در دادگستری گرد هم می‌آیند و همبستگی خود را با خواست‌های انسانی این گروه اعلام می‌دارند.

برغم ادعای دولت بختیار سنی بر وجود همه‌گونه آزادی فردی و اجتماعی، کاخ دادگستری که در همه جای دنیا از مرکز زندگی مصونیت کامل دارد و محل تخمین گروه‌های مختلف رژیم‌های گوناگون اعتراضی است مورد هجوم نیروهای مسلح قرار گرفت و پرتاب نارنجک و گاز اشک‌آور و تیراندازی هوایی دادگستری را به میدان جنگ همراه با دود و بوی عفن بدل کرد. پس از بلا گرفتن فریاد اعتراض تخمین کنندگان و مردمی که بهواداری آنها گرد آمده بودند فرمانده سربازان به درون دادگستری آمد و رفتار غیرقانونی و ضد انسانی آنها را عمل خوددویی با زه تلقی کرد و از آنها بپوش طلبید و یادآور ضرب المثل "بسی از مرگ سهراب نوشدارو" شدند.

خود را از جناب آقای مهندس مهدی بازرگان که بفرمان امام خمینی بریاست دولت موقت منصوب شده‌اند اعلام داشته و موفقیت ایشان را در راه تحقق بخشیدن به اهداف انقلاب ملت ایران از خداوند متعال خواستاریم" اعلام داشته‌اند.

پاسداری از دستاوردهای انقلاب

دستگاه استبداد وابسته، بکمک عاملان جا بجا شده‌اش همچنان بر موضوع اقتصادات خدمت مردمی و دسیسه‌سازی‌های قبلی استوار است.

بخش اعلامیه‌های خطی، نشر اکاذیب گسیل اجباری نظامیان شخصی، پوش و خانواده‌ها، نشان بعنوان طرفداری از قانون اساسی، تهدید و قتل عاملان از گردونه خارج شده و واکنش مردمی که به این اعمال بدست مردم شریف و هرجان زده انجام می‌گردد، به آتش کشیدن مغازه‌ها و خانه‌های مردم، تیراندازی و یورش به سوی جماعت‌ها هرکننده، همه اینها رفتارها نیست که از دیرباز رژیم خودباخته شامل انجام آنهاست و هنوز هم شکل‌های گوناگون ادامه دارد.

بر تمام این اعمال ضد مردمی تلاش شدید رژیم استبدادی را برای درهم شکستن اتحاد ملت و ایجاد نفاق در صفوف متحد مردم و بهره برداری از آن بمنفع خود و اربابانش را باید ادامه کرد که گویا اساس ستم بزرگ کوشش آنان این روزها بر این اقدام ردیانه بی‌ریزی شده است.

ولی توطئه گران‌باید بدانند که ملت آگاه ایران خوشیارانه دست‌آوردهای انقلاب خود را پاسداری کرده و با نظم انضباطی هرگونه دسیسه‌های بر ملا و خفی می‌کند.

موج همبستگی بالاهی گیرد

دانشگاهیان که در هیئت ایمن نقشی چشمگیر و تحسین‌برانگیز دارند با درک حساسیت زمان صمیمانه به پشتیبانی از دولت موقت انقلاب برخاسته‌اند. سراسر زمان ملی دانشگاهیان ایران در بخششی از اعلامیه خود چنین نوشته‌اند:

"سازمان ملی دانشگاهیان ایران ضمن اعلام اینکه تنها این دولت را از حقانیت و مشروعیت بهره‌مند می‌دانند از بذل هیچ کوششی در راه پیروزی این دولت انقلابی در انجام وظائف خود فروگذار نخواهد کرد"

درود به همافران، دلوران زندانی

از مسخرگی کردن تا حکومت کردن

از هر زاویه که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که بخت بسیار به جای حکومت کردن، مسخرگی می‌کنند و تمام توانایی‌های بیمارگونه‌اش را هم به مصرف همین مسخرگی‌ها می‌رسانند و به جای آنکه به مطالعه، موقعیت غم انگیز خود بپردازند و از این‌ها بی‌خبرند دست بردارند و آبرویی بی‌چیز - هر چند ناچیز - برای خود دست و پا کنند، می‌کوشند که در تمام زمینه‌ها، دست به‌پد سازی‌های مسخره‌بازی بزنند و با این کارها، مایه خنده مردم بشود.

او در مقابل انقلاب بنیان‌کن ملت ایران، حزب ساواکی طرفداران قانون اساسی را علم می‌کنند و در مقابل "جبهه ملی ایران"، "جبهه متحد ملی ایران" را و به خیال خود با این بازی‌ها، ملت را به زانو درمی‌آورد و انقلاب را درهم می‌کوبد!

او در حالی که می‌داند موسسات دولتی همه تعطیل است و هیچ کارمندی کارگری تن به همکاری با دولت غیرقانونی و ضدملی اوفی‌دهد، مرتباً "از اقدامات وزیران و مدیران موسسات دولتی در جهت پیشبرد مملکت حرف می‌زند و در حالی که می‌داند جز آمریکا، هیچ‌کس حامی و پشتیبانی ندارد، دولت خود را "قانونی" و "انقلابی" و نتیجه قطعی انقلاب ملی ایران می‌شناسد گوش سپردن گذرا به سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های بخت‌ساز به سادگی نشان می‌دهد که او چگونه خود را دست‌انداخته است و به مسخرگی کشیده است.

در یک مصاحبه یک‌ساعته، مردی که حتی قدرت تسلط بر اعصاب پا به پا به خود را ندارد و حرکات نامتعادلی انجام می‌دهد، در کمال درماندگی می‌گوید که بسیار قدرتمند است و بر اوضاع مملکت کاملاً مسلط است و می‌گوید که هیچ امری بدون اجازه او اتفاق نمی‌افتد و هیچ‌کس بدون اراده او قدمی بر نمی‌دارد.

در همین مصاحبه، بخت‌ساز، خود را با مصدق، کریم‌سکی، مارشال پتن، هیتلر و موسولینی مقایسه می‌کند و ذره‌یی هم از این بابت گرفتار شرم نمی‌شود.

جمعه خونین دیگر

جمعه، هنگامی که شهر میرفت روز طولانی و بهر جنبه وجود خود را با غوازی کوتاه رنگ سکوت و خاموشی زینت داده تا گه‌ها ن بیداری همچون کوره آفتاب رخوت و سستی از تنها برگرفت و فریاد آشنا و خروشان الله اکبر هشار غطری تا گه‌ها نی و اهریمنانه را داد.

آنها که اتومبیل داشتند بی وحشت از حکومت نظامی و پنجه‌های خون‌لودش به‌غیا با آنها ریختند و با بوق‌های ممتد ندا در دادند که بیدار باشید خطر نزدیک است صدای زیر و دل‌نشین کودکان با صدای قوی مردان روزنان می‌آرز در هم آمیخت و خبر از فاجعه‌ای تازه داد.

همافران، سربازان و افسران جوان نیروی هوایی این باران دیرپا و دلاور نهضت در خط سرنوشت موتور سوارها با صدای گاز موتور که زمانی آزار دهنده بود و امروز ما را ش انقلاب است بیداری را در کوچه و پس‌کوچه‌ها فریاد می‌زدند. بانگ الله اکبر همه جا را در پوشش خود گرفت.

صداها می‌رزید و خشم آلودیا و ره‌میشگی را، آن توانای مطلق را به‌دوری می‌خواند.

رگبار گلوله قطع نمی‌شد. انقلاب در لحظات حساس و سرنوشت‌ساز با ر دیگر هدف توطئه شیطانی کسانی قرار گرفت که به‌روزی با مرگ آنها ستوباً پنجه‌های خون‌لود و چشمان از حدقه بیرون زده از هیچ تلاشی با هر بهای سنگین و غیر قابل‌بازرسی فروگذار نیستند و هر روز بی‌بها نه‌ای بر شمار شهیدان این نهضت مقدس و بی‌نظیر می‌افزایند و در این میان نقش زبون و مسخره بخت‌ساز این مدعی حمایت از جنازه درهم پاشیده قسسانون اساسی، این مدعی اختیار افسانه‌ای که در چهار دیوار اتاق زندانی مالیخولیای خویشتن شده است بگونه یکی از کثیف‌ترین چهره‌های ضدملی در دهسن مردم جای گرفته است.

بخت‌ساز در لحظات پرشور و التهاب انقلاب در لحظاتی که برای مردم بخون نشسته... بقیه در صفحه ۲

درود به همافران دلاور، خون تازه انقلاب

میتوان از هاری بود که مرگ عزیزان ما را در اثر گردش

شوارروی بام خانه ها اعلام میکرد.

آقای بختیار، انقلاب ایران که جامعه شناسان و اندیش

مندان جهانی رایج حیرت و آداشته با کشتارهای بسیار

وسیع تر از این نیز نمی توان به شکست منجر کرد و به سنگلاخ

کشید. گور خود را تنگتر و مرگ خود را فجع تر نکنند.

در این میدان باقی ماندن نه افتخار که ننگ ابدی و گناه

نابخشودنی است گناه، "جمعه سیاه" شریف اما می

آقای موسیال دمکراتان چندان فزونتر از جمعه خونین

شما ندارد که هر دو کشتار جمعی از مرز تصور گذشت

و حماسه ای جاودانی گردید در تاریخ انقلاب و گزافه نیست

اگر بگوئیم، حماسه ای جاودان در تاریخ انقلاب جهان.

بقیه از مسخرگی...

اودر پرت گویی، کار را به جایی می رساند که سرکوبی انقلاب

را به وسیله دولت خود، متشابیه سرکوبی استقلال طلبان

ایرلندی به وسیله ارتش انگلیس می شناسد و می گوید

همانطور که حق با ارتش انگلیس است که ایرلندی ها را

قتل عام می کند، حق با من است که ملت ایران را به

مسلسل می بندم. این مقایسه، دقیقاً "موضع بختیار

و حد مسخره بودن برداشتهای و را از انقلاب ایران،

نشان می دهد (البته او نمی گوید "استقلال طلبان" ایرلندی

بلکه می گوید شورشگران ایرلندی). یک روانسکاو،

به سادگی می تواند بیماری علاج نا پذیر بختیار را بشناسد

و با تاء سفید گوید که او کپیه رنگ و رورفته یی از خود شاه

است، با این تفاوت که شاه، سرانجام، متوجه قدرت

اراده ملت شد، ولی بختیار هنوز متوجه این مساله

نشده است و صرفاً "به دلیل اینکه امیر کبیر، حکم نخست

وزیری خود را از ناصرالدین شاه دریافت داشته بود و دکتر

محمد مصدق - در بیست و هفت سال پیش - نظیر این حکم را

از محمد رضا پهلوی نتیجه می گیرد که شاه، هنوز هم

قانونی است و دولت او هم چیزی نظیر دولت میرزا تقی خان

امیر کبیر و دولت دکتر مصدق (!) و از این بیشتر، رسماً

و با استفاده از بلندگوهای ساواک اعلام می کند که اجتماعاً

چند میلیون بی گناه مردم صرفاً "به این دلیل است که" سینماها

بسته است و مردم سرگرم دیگری ندارند (!)

بختیار رکاریکا توره محکوم در عین حال غم انگیزی از یک حکومت

خودکامه ساخته است بدون اینکه مردم برای تظاهرات خود

از او اجازه بگیرند اعلام می کند: "حال که مودیان برای

تظاهرات از ما اجازه گرفتند ما هم اجازه می دهیم"، "حال

که از ما خواهش کردید بر تولید نفت اضافه کنیم، ما هم اضافه

کردیم"، "حال که درخواست کردید اجازه بدهیم دانشگاه ها

باز شود، ما هم موافقت کردیم" و از این قبیل مسخرگی -

ها، بسیار...

بقیه جمعهای...

ایران شب و روز محتای خود را از دست داده است.

از سویی با صدور بخشنامه های پرتاب و تاب ارتش را بر علیه

مردم تحریک می کند و ایران را به مسلخ آزادگان بسد

می سازد و از سوی دیگر با طمطراق و نخوتی که ویس سزده

تهی مغزان از مردم گریخته است به دفاع تا آخرین

نفس از قانون اساسی دم میزند.

این شعبده با زخیانت پیشه، بی آنکه کوچکترین تسلطی

بر دستگاه اهریمنی استبداد داشته باشد، بی آنکه

هیچیک از کارهای ارتش را زیر فرمان گرفته باشد، در

تلخ ترین، سازنده ترین، حساس ترین لحظاتی

به جنگ مردمی آمده که تا زانو در خون عزیزان غرق

هستند. به جنگ مردمی آمده که از جان بی دریغ گذشته اند

و شهادت را با روی گشاده و آغوش باز گزیده اند.

در لحظاتی که با بغض و خشم و لشک و نگرانی به تهیه این

نشریه کوچک می برداختیم شهر چون میدان جنگ بسوی

خون میداد. آمبولانس ها آژیر می کشیدند، مردم فریاد

می زدند، بیخ و ملاقه و دار و خون و پنبه و مرکور کسرم

و شیرو هر چه در بساط داشتند در ماشین ها می ریختند

و روانه بیمارستانها می شدند.

زنها کنار مردها به راهنمایی اتومبیل های حساس

دار و پیرداخته بودند و شهر به یک خانوادۀ بزرگ و همبسته

بدل شده بود که سایه جغدشوم استبداد و ابسته را بسا

تما می رقی هستی می کوشید از سر خود کوتاه کنند و فردا

را آزاد و آباد بنا نهند.

ورق کاغذهای سفید همچون پرندۀ ها در پیرواز بودند و

روی آنها کلمه دلاوران هما فرا این شجاعان نهضت

نقش بسته بود.

آقای بختیار، از چار دیواری زندان خود بیرون بیایید

و لحظه ای این همدلی، همزبانی، همفکری و همراهی

را تماشا کنید، شرمتان باد که چنین ناجوان مردانه

به جنگ مردم بی سلاح و با ایمان میهن آمده ایستد.

تنگ ابدی بر شما باد که به میدان نبرد با چه مردم

ایشان رگرو بزرگواری آمده اید.

شکسته باد دست شما که بر علیه این مردم بخشنامه

آنچنانی برای سران ارتش صادر می کنید.

آیا صدای کودکان این شهر، این سرزمین را

که مرگ بر این بختیار، مرگ بر این قاتل بی اختیار

را فریاد می کشند نمی شنوید؟!

آقای بختیار، رژه دلاوران همافر، سربازان واقعی

نهضت، "مونتاز" نبود، بر راستی که وقاحت را بس

درجه ای از ناباوری رسانده اید و این گفته درست یا داور

از خون جوانان وطن لاله دمیده

جنبه ملی ایران

هیچ قانونی بالاتر از اراده مردم نیست
مصداق

تهران در حفاظت فرزندان انقلاب

نخستین روز هفته با چهره‌های خون‌آلود در حالیکه سایه‌ای از انجام آنرا پوشانده بودند آغاز گردید. مردم که تمامی شب را به افشاگری گذرانده بودند بسیار چشم‌هایی کاملاً بازو هشیاری بی نظیر همه جا را زیر سیطره گرفتند.

برغم تیراندازی‌های بی دربی و محاصره شهر بوسیله نظامیان در چهره هیچکس نشانی از ترس دیده نمی‌شد، خیابانها با آژیر آمبولانس‌ها و بوق ممتدا تومبیل‌هایی که به یاری می‌شتا فتنه‌رنگ خاصی پیدا کرده بود.

دولت غیره سر و غاصب و سران نظامی خود فروخته ارتش که تمامی تلاش خود را متوجه رودر رو قرار دادن مردم و ارتش کرده‌اند، یکبار دیگر در برابر سیل بنیان‌کن انقلاب به ناچیزی و بی‌ارزشی خود بی‌برندند و به شور و مشورت نشسته و نشستن و برخاستن آنها به صدورا علامیه‌های بی‌دربی فرمانداری نظامی انجام میدوننا گهسان اعلام شهادت چهارونیم بعد از ظهر مقررات منسوخ عبور و مرور به اجرا در می‌آید.

حضرت آیت‌الله العظمی خمینی با صدور اعلامیه‌ای که در آن جمله ناگهانی لشکرگارد به نیروی هوایی محکوم شده بود و علت آنرا بازنمودن دست‌انچانب در کشور ما و بازگرداندن جیا و لکران به موضع گذشته بی‌سنان فرموده بودند یکبار دیگر با رهبری قاطع و آگاهانه خویش ایستادگی و مقاومت را فرمان دادند.

شهریکبار چه به مقاومت پرداخته کوچه‌ها سنگر دفاع از انقلاب شد، غیبا با آنها در حمار دست‌های توانای جوانان انقلاب در آمد. هوا نیروها، بگونه نخستین سربازان انقلاب مقاومت را همه جا دامن زدند.

دست‌های خون‌آلود بیزشکان، این مبارزان آگاه لحظه‌ای از کوشش فرو نمی‌ایستاد. زخمی‌پشت زخمی بود که از راه می‌رسید و همراهان مصمم و خلیل‌ناپذیر به سنسگر باز می‌گشتند. مقررات حکومت نظامی از سوی مردم با خنده و استهزای و بی‌روشنی و تاسفیده دم صدای گام‌های محکم جوانان در مرحله‌های دور و نزدیک... بقیه در صفحه ۲

شکوفه انقلاب

اینک جا معه قهرمان مادر مرحله‌ای حساس از تاریخ خودگام‌نهادن دودرخت‌سبنا و رانقلاب از لایق آتشش و خون اولین شکوفه امیدبخش خویش را در بهار تاریخ عرضه نمود و بدون شک منشاء و مطلع تحولات و دیگرگونی‌های شگرف و نافع خواهد شد.

این شکوفه عزیز و مقدس که جوهر تاریخ در آن متبلور است این کانون نور و روشنائی و این مولود عظیم و ارجمند خلقت که خلاقیت اسلام انقلابی و امالست و شجاعت قوم ایرانی قدرت خلق و ایجاد آن را داشت و این سرزمین سربلند و سر فراز مفتخر گردید در محدوده ملی خویش آن را بپروراند و در قبال مهلک‌ترین و مخسوف‌ترین جهنم عصر با تحمل و تقبل شدیدترین ضربات مراحل تکامل و تکوین آن را نظارت نموده و در میان شعله‌ها و لهیب دوزخ گل انقلاب بپروراند و با یاد آن حراست و نگهداری نمود.

بازرگان برگزیده امام و نماینده شورای انقلاب و منتخب انقلاب است در منشور مسارت و فرمانتداری و رسالت و زعامت و حاکمیت و قدرت انقلاب نهفته است قطع نظر از اصالت و ولایت بازرگان که در سراسر زندگی با تقوای اجتماعی و طهارت مذهبی تواءم بوده و در طریق سیاست و دین‌پاکباز و خالص و مؤمن و در پیکار با استبداد و میلیتاریزم شجاع و تیزبین و لایق بوده با مصداق در طول مبارزات ضد استعمار هم‌رزم و هم‌سراه بوده و بعداً نیز همان اندیشه و مکتب را تاسیس و دنبال نموده و در صف جبهه ملی قرار داشته است.

واکنش که در اوج نهضت پرشکوه و بی‌نظیر و در راهس قیامی تند و منظم در سمت اولین دولت استبداد در متن تاریخ چهره می‌گشاید، مورد تاء بی‌دهم‌سای نیروهای انقلابی است و با اید تمام جناح‌ها و ستون‌ها صمیمانه و صادقانه تا حد جدا و ایثار جان و مال در این گذار و در این معبر تاریخی برگردد و دولتش حلقه زده و دست‌پدست چون زره بپولادین و نوزی با ابدار از وی حفاظت نمایند و کارنامه دولتش را که قهرمان... بقیه در صفحه ۲

مقررات غیرقانونی حکومت نظامی را نمی‌پذیریم

بقیه شکوفه...

در جهت پیروزی ملت ایران و به بار نشاندن نهسال جنبش تنظیم و تدوین یافته تاء بیدکننده زیرا اگر اولین شکوفه قیام در تندبا دخزان استیدا دبر پر شود یا بر اثر غفلت و تردید و دولی و شکاف در جنبه ها و عدم مراقبت با اختلافات داخلی وسیله اعمال امپریالیزم جهانی بژمرده گردیده همه خون های داغ و پاک و تمام پیروزی ها بپدرخواهد رفت

مادر شرایط استثنایی قرار داریم ، مادر مرحله انتقا اختلاف کلمه بهره یزدو یک صف و یک دل و متحد برای پیروزی قدرت ایستاده ایم و به پیروزی قاطع و کامل دست نیافته ایم . هنوز ازدهای استیدا دنفس میکشد و از پای در نیامده ، استعمار در کمین نشسته و منتظر فرصت مناسب برای فرود آوردن ضربه قطعی است . سیاست آمریکا بر پایه های غارت و چپاول منابع و اقتصاد ملل متنگی است و در این رهگذر با زار اسلحه ، با زار کالاهای زاشد و با زار کارشناسان و جاسوسان سیا و عمال و کار گزاران نظامی خود از دست میدهد و این رقم معادل میلیاردها دلار در سال است ، غربنگران است که این سفره گسترده و این خوان یغما که با فساد و فشا ر رژیم شاه ننگبانی میشود بر خیده شود .

اسرائیل هشتاد درصد نفت آنهم با قیمتی بسیار نازل را از کف میدهد ، نظام های کهنه و پوسیده عرب مثل مصر - عربستان سعودی - اردن - مراکش - تونس - بحرین - قطر - کویت ، یعنی پایگاه ها و دژهای استعمار را زلجیب انقلاب ایران در معرض خطر است و طبیعا ملت های این کشورها که در اختناق رژیم های فاسد ، مستبد بفرمی برتدا از مکتب نهضت ملی ایران آسوسوز خواهند یافت و دیگر برای ملک حسن ها ، ملک حسین هنا ملک خالدها و حکام و شیوخ رنگ و وارنگ عرب ادا مئه تسلط جا برانه میسر نیست و دیربازود در معرض سقوط خواهند بود بنا بر این تمام معادلات اقتصادی و سیاسی جهان با موازنه قدرت که به نحوی با جا مععه ایران در رابطه بوده وسیله دولت انقلاب بهم می خورد و آن دولت ها و رژیم های ارتجاعی که از امپریالیزم و استعمار ریشه گرفته با عمال شاه از نظر فصل های مشترک و منافع مشترکی که دارند هم اکنون مهبای حمله و تعرض و در حال طرح توطئه و دستبسته هستند بهمین دلیل مسئله جمعی از ژنرال های ارتش تا کنون لا ینحل مانده - شاه از منطقه خارج نشده - ژنرال های آمریکا ئی چون لاشخور در فضای ایران پرواز میکنند و طرح کودتا میریزند و مشکلات ملی ما که بصورت قتل و گشتار - تهدید مستمر ارتش بکودتا - نا امنی و

پیروزی باد ملت

هرج و مرج بمنتظوران عاب رتزلزل اعتماد و اتقا دعومی و موازندی که علیه مصالح کشور و مصالح قیام ایستاده میگردد تا از نقشه ها شیبست که آمریکا طرح میکند و در حال حاضر وحشتناک ترین خم قسم خورده ایران آمریکا است که تمام عوامل مخالف عم از داخلی و خارجی را بر گرد قطف خود جمع نموده و خویش را برای فرود آوردن ضربه قطعی و نهائی آماده مینمایند تا بر هر ایرانی پاک سرشت و خوب شرعی و اجتماعی دارند که در این مرحله از انقلاب از مادر شرایط استثنایی قرار داریم ، مادر مرحله انتقا اختلاف کلمه بهره یزدو یک صف و یک دل و متحد برای پیروزی قدرت ایستاده ایم و به پیروزی قاطع و کامل دست نیافته ایم . هنوز ازدهای استیدا دنفس میکشد و از پای در نیامده ، استعمار در کمین نشسته و منتظر فرصت مناسب برای فرود آوردن ضربه قطعی است . سیاست آمریکا بر پایه های غارت و چپاول منابع و اقتصاد ملل متنگی است و در این رهگذر با زار اسلحه ، با زار کالاهای زاشد و با زار کارشناسان و جاسوسان سیا و عمال و کار گزاران نظامی خود از دست میدهد و این رقم معادل میلیاردها دلار در سال است ، غربنگران است که این سفره گسترده و این خوان یغما که با فساد و فشا ر رژیم شاه ننگبانی میشود بر خیده شود .

بقیه تهران در...
شهر می پیچید . کلانتری ها یکی پس از دیگری به تصرف مردم در آمد و پاسداران مجهز و مسلح به پاسداری میهن هستند گماشتند و اکنون شهر تهران ، میدان جنگ مردم و نیروهای گاردجا ویدان و گارد شاهنشاهی است .
همه جا سنگراز کیسه های شن و خاک ، از تیر آهن و کتنده های چوب ساخته شده و انقلاب پا به مرحله تازه ای نهاده است در این مقطع زمانی ، یک ما از یاد نبریم که میارزه ای طولانی در پیش است و دشمن هنوز از پای در نیامده است و در جمع حرکاتش نشان میدهد که در مدد توطئه برانگیزی است در چنین شرایطی گسترش نظم انقلابی ، حیاتی است بدون دستور فرماندهی گلوله ها بی اراکه به بیای خود نیاران بدست آمده هدر ندهیم . از دست زدن به کارهایی کسه وحشت برمی انگیزد و دلهره می آفریند دوری گسز زینیم همبستگی را که دیگر مفهوم چپ و راست ، مذهبی و غیره - مذهبی را از بین برده و حماسه آشور انگیز شده است حفظ کنیم و از خانه ، خانه میهن که در آستانه آزادی است پاسداری نمائیم . باشد که فرزندان ما در ایرانی آبا و اجداد دوسر بلند زندگی را اینجا کنند .

مقاومت دلیرانه مردم و هوشیاری رهبری عالی ، ارتش ایران را که استیدا دزیر سلطه آموزشی جز پاسداری از منافع سلطه گران مزدوریدانها نداده بود و سران آن با تماس قدرت کوشیدند تا از مسیر اصلی و وظائف ملی دور بمانند و به دیگر سخن ارتش را بجای پاسداری از مرزهای میهن به کوبیدن نفرها و ادا رکودند ، سرانجام تسلیم انقلاب کرد .
با سیاست از نظا میانی که در این راه مردم ایثارگر رایاری دادند ، با سیاست از هم افران ، نخستین سربازان متحد ملت و سیاست از همه یاوران انقلاب این پیروزی را شادمانه و با چشمانی باز و در نهایت هشیاری جشن میگیریم و گرمترین درود خود را بنثار شهیدان راه آزادی و استقلال میکنیم و بار دیگر فریاد بر می آوریم ، جای شهدا خالی ، جای شهدا خالی

جبهه ملی ایران

شماره (۹۱) چهارشنبه بیست و پنجم
پهن ماه ۱۳۵۷

سازمان انقلاب

مشقت مردم پریشانی ستندگرم

یک حرکت انقلابی اصیل، یک پیروزی انقلابی راستین
بیار آورده است، این پیروزی بازده طبیعی آن
اصالت است و آن اصالت مایه گرفته از شیاهای ملتی
پویانده .

از کاشت دانه های انقلابی برچیدن محصول انقلاب : نمایان
دانه های خوب ، شخم خوب ، محصول خوب ، این راهی است
که بی شک گرفته ایم و اینک ، محصول ، یاد ستاورده
انقلاب در دست های ماسته در خانه های ما و در انبارگان
ما . تنها کار برد درست این محصول است که به انقلاب
کمال می بخشد و شاید ، حتی ، معنا و بعد تاریخی .

اکنون ، سخن از پختن است و به کار بردن ، سخن از ترکیب آن
متناسب دانه هاست و نظارت دقیق و مملو از شکلیابی ،
و پیش از این ، سخن از تقسیم عادلانه ی خوراکی است که
دسترج دهقان انقلاب است . دسترنج مردم هستی با خته ی
کوچه و بازار .

سخن از این است به دقت - که آنچه با این همه درد
ورنج و این همه اراده ی طغیان کننده و بازوی کار انقلاب
به دست آمده در دیک تاریخ نسوزد ، متعفن نشود ،
از میان نرود و باز به چیزی که باید به زباله دانسی
تاریخ ریخته شود ، تبدیل نگردد .

جهت نیرویی که در پاره کردن زنجیرهای اسارت به کار
می رود ، با جهت نیرویی که می خواهد دو بخش تاریخی حیات
یک ملت را به هم پیوند دهد ، یکی نیست . بی پرده بگوییم
متفاد است .

اگر در گذشته ، به شوریدگی انقلابی ، جوش عینی و تاختمی
در هم کوبنده نیاز بود ، از این پس ، نیازها شکل و
ماهیتی دیگر خواهد داشت یعنی باید داشته باشد .

ویران کردن چیزی که با ید و ویران شود یک مساله است و
ساختن چیزی که باید ساخته شود ، مساله ی دیگری ،
نویزه وقتی بدانیم که نمی خواهیم ، حتی از مصالح
بنای مخروب ، در ساخت بنای نو استفاده کنیم .
برای خراب کردن ، اگر کلنگ و ... بقیه در صفحه ۲

بیش از بیست و پنج سال پیش سردمداران استبداد
زیر سلطه بیاری سازمان جاسوسی آمریکا و بدست
زورگویی خود فروخته ای بنام " فصل الله زاهدی "
با نیرنگ و فریب فرزند راستین و جانباز ایران دکتر
محمد مصدق را از راهبری ملت ایران کنار زد
و امروز مردم دلاور ایران با جنبش که چنده و همه گیر خود
" شاه " و " اردشیر زاهدی " - فرزندان سولشگری آبرو
- را از این سرزمین خدایی ... بقیه در صفحه ۴

وجدان انقلابی ، آباد کردن و فرمان میدهد

از آاده‌ی چشمگین فروریزنده به کامی آید، برای ما خشن توان محاسبه‌ی ریاضی، مصالحی به دقت انتخاب شده و اراده‌ی آرام و درونی لازم است تا بنای نونه‌تنها اعتبار آن فروربختن دلیرانه را از میان نبرد، بلکه به خلق ارزش‌های نونیزبپردازد.

سخن از سفاوت ضرورت هاست در بعد زمان . بدون تردید، ملت نباید خصلت انقلابی خود را از دست بدهد: خصلت تمرد از ناحق، مقاومت در برابر ظلم و سرپیچی از شرایط مستبدانه و نیا بداین با ویرا در درون خود بپرورد که از پی‌مغری دشوار به قله‌ی که می‌خواست رسیده است و حال زمان استراحت است و عکس انداختن و مدال‌های افتخار را بر سینه کوبیدن و فخر فروختن، که رشد چنین باوری، درماندگی و سقوط با خود می‌آورد، اما این نیز واقعی است که نیرو، قابلیت کار برده‌های "گاملا" متیفاوتی دارد و حال، نیروی انقلابی مردم باید که شکل تازه‌ی از مصرف تولید پیدا کند که مطلقاً "بسه گذشته شبیه نباشد.

پس، به هیچ وجه، یحیی از فروکش نیروی انقلاب فریاد نبروی گورگوران و عقب نشینی به مواضع قبل از انقلاب نباید در میان باشد و حرفی از اینکه با دیگر کاسب به کسب فقیرانه اش خواهد پرداخت و کارگرو کارمند به کار نیرو سوز و کم بازده اش، استاد به تدریس همان درسه‌های قدیمی اش و شاگرد به یادگیری همان علوم دست‌پخت استعمار، اما در عین حال، باید که هر چه سریع تر و بدون لحظه‌ی درنگ به پایان فصل اول کتاب انقلاب برسیم و این فصل هر هجان را - ضمن اینکه به درستی به خاطر می‌سپارم - رها کنیم و به فصل نوبپردازیم. فصل قدیم، اگر رها کردن نیرو بود، فصل نو، مه‌ساز کردن نیروست و به کار انداختنش در جهت آیدگسری، داگستری، و خودکفایی کامل.

خطرناک ترین مساله برای ما، توقف در میان دو فصل انقلاب است. توقف در سفیدی و بی‌مطلبی و پوچی، توقف در جایی که بهترین فرصت را به نیروی ضعیف انقلاب می‌دهد تا تمام کتاب را بسوزاند و نایا بود کند. از این سکون بنیادین که ظاهر فریبنده و پیرسوز و صدایی دارد و لذت‌ذهنی بردن از امری وقوع یافته و خاتمه پذیرفته و در خلسه‌ی کاذب پیروزی فرورفتن، خود را دور و دورتر کنیم، جذبه‌ی این فرورفتن، سم مهلکی است برای نیروی انقلاب این چاهی است که اگر در آن فروافتیم، هیچ طنابی، قدرت بیرون کشیدن ما را از آن نخواهد داشت.

انقلاب با وی نیست و شهادت، کالای ارزانی نیست که بتوان بازش خرید، مادران و پدران و پدرانی را به خاطر بیاوریم که حتی گور فرزندان شهیدشان را هرگز پسیدا نخواهند کرد تا بر آن دسته‌گلی بیگذارند.

دست کم، به خاطر آزارش خاطر با زماندگان شهیدان راه انقلاب از دیروز که روز نبرده‌های خیابانی و شکستن و سوختن و کشتن و کشته شدن بود جدا شویم و به امروز انقلاب که طالب قدرت‌های پی ریزنده و سازنده است وارد شویم. دیروز، درهم کوفتن، یک افتخار بود، امروز خصلت انداختن بر دیوار هم صدمه زدن به اموال یک ملت فقیر است گمان نبریم که کوششی عظیم و آرام برای نوسازی جامعه به معنای پایان گرفتن انقلاب است و با دیگر در حسرت روزهای خون و آتش ماندن، جشن انقلاب را نه بر تنی از خرابه‌ها بلکه در اهرانی آباد و آزا در برپا کنیم. به خاطر بیاوریم که دیروز، جنگی بود پیرشکوه و اعجاب انگیز و امروز ترقه‌بازی کودکانه - بی‌ست که ما را در معرض اتهام نداشتن شعور و فرهنگ

انقلابی قرار می‌دهد. راه را بر این بازی کودکانه - اگر دیر بجنبیم، نان انقلاب در تنورتاریخ خواهد سوخت گفتیم که وظیفه‌ی کارگرو کارمند و معلم و شاگرد، در پایان نخستین مرحله‌ی انقلاب این نخواهد بود که به مواضع قدیمی خود بیا زگریدند و به نوعی از ارتجاع، تن بسیارند. به خیال آنکه آزادی و استقلال، دو عامل کفایت‌کننده است و درینا، این دو عامل می‌توان سعادت‌مندانه زیست و سر بلندانه به خاک سپرده شد.

همچنین گفتیم که معنای بازنگشتن به مواضع قبلی توقف و درجا زدن در لحظه‌ی فعلی نیست. این توقفتن و نظاره کردن و شادمانه برای خود کف زدن، به مراتب خطرناک تر از بازگشت خواهد بود.

این درست است که کاسبه نیا بد از این پس، فروشنده‌ی بنجل‌های غرب و خاوردور باشد و ارائه دهنده‌ی کالاهای تقلبی و فاسد، اما این هم درست نیست که کاسبه بهت زده در انتظار ظهور معجزه‌ی بنشیند که انقلاب به مردم پیشکش خواهد کرد.

انقلاب، معجزه‌اش ایجا دارا ده‌ی انتخاب است و ایجا ده‌ی شرایط مناسب برای انتخاب‌کننده‌ی گمشودن در گنجی بی‌پایان که همه بتوانند مشت مشت از آن بردارند. از آن پس در رفاه و آسایش غوطه بخورند.

این درست است که معلم و شاگرد نیا بد از این پس تن

بهنوسازی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور پردازیم

به آن دادوستد خالی از کیفیت آموزشی و پرورشی بدهند و نباید با ردیگر خود را در چهار ردیواری های محسوس کنند که روان کودکان ما را قتل عام می کنند، اما متقابلاً، خردسالان مبارز ما نیز دیگر نباید لحظه ای از وقت خود را که وقت همه ی ملت است در خیابان ها و کوچه های انقلاب تباه کنند و دانش ما سرور خاطرات پرشور فصل اول کتاب انقلاب، از خوانندگی فصل دوم باز ایستند.

این برعهده ی پدران و مادران انقلابیست که به فرزندان خود نشان بدهند که فصل ساختن و آباد کردن، به مراتب شیرین تر از فصل فریاد کشیدن و کوبیدن است مگر آنکه واقعاً "نیازی به فریاد کشیدن و درهم کوبیدن، اجنبی شود. این درست و بسیار درست است که کارگران و وطنه که بیشترین سهم مگذار را به خاطر پیروزی انقلاب کرده اند و سرسخت ترین سربازان انقلاب بوده اند از این پس هرگز نباید به بردگی استعمار و استثمار رسیده بسیار بند و شرایط نامطلوب کار و عدم تاءمین اجتماعی و سنگینی بار مالیات را بپذیرند، اما این سرپیچی کا ملا" منطقی و منصفانه، نباید این توهم را ایجاد کند که بدون مشارکت سازنده در جزء جزء مراحل انقلاب و بدون به کارگیری تمام نیروها در جهت تولید سالم و سود مند ملی، می توان به آسایش مطلوب دست یافت و ضمناً آزادی و استقلال را پاسداری کرد. کارخانه ها و کارگاه ها، در انتظار دستهای نیرومند کارگران، روبه فرگ و انهدام نهاده اند، دستهایی که این بار باید به راستی برای صاحبان واقعی خود کنار بیایند، برای حکومت و ملت خود، نه برای سرمایه - دارانی که کاری جز استثمار کارگران و غارت مردم نداشته اند.

از این پس، بسته نگه داشتن مراکز تولید، یک پیروزی انقلابی نیست، بلکه محصول ملی به بازار ملی فرستادن ادامه ی واقعی راه انقلاب است.

و مهم تر از همه ی اینها، جوانان غیور و دلور متن انقلاب هستند که مسلماً به همه ی گروه های اجتماعی تعلق دارند و فردا، همه ی ایشان باید از فرهنگ و دانش و آسایش و محیط زیستی برابر برخوردار باشند، و این برابری به دست نمی آید مگر به کوشش گسترده ی همین جوانان انقلابی که باید دست های شان را در دستهای هم گره کنند و به نجات وطن برخیزند. بدن این جوانها گرم است و در آنها خون زنده ی انقلاب جاریست. این بدن ها باید گرم بماند و این سرزمین منهدم را گرم نگه دارد. امروز دیگردد

سنگرهای بی مشتری نشستن و از فتح بزرگ، سخن گفتن هیچ تنی را گرم نمی کند، بلکه فقط سرجوانان را گرم می کند و این البته درست نیست. حال دیگر، هر بیلی که به زمین فرو برود، طنبن تاریخی اش هزار بار بیشتر از تیریست که در هوا خالی شود. اینک یک گلدان گل را پروردن، شکوهش هزار بار بیشتر از خاطرهای شکستن درختان میهن به خاطر سنگربندی شجاعانه در برابر ارتش به جهالت فرورفته به دست بیگانه است.

روزی برای شکستن و روزهای حساسی برای کاشتن و بار آوردن. باز هم در اینجا اضافه کنیم که همه ی جوانان ما قطعاً لازم است که آموزش انقلابی ببینند، تسبیح انداختن و سنگر ساختن و مبارزه ی دلیرانه را فرا بگیرند و هشیاری کاملی برای مقابله با دشمن کمین کرده به دست آورند، اما این کارها، تنها زمانی مقدور است و سودمند که چرخ های مملکت در حال چرخیدن است و سریع باشد در توفعی دردناک.

آسمان را نشانه کردن و ماشه را کشیدن و با تفنگ و مسلسل بازی کردن، هیچ چیز را تاب نمی کند و هیچ چیزی را تغییر نمی دهد. چریک های جانبا ز وطن در چنین شرایطی چریک نشدند و جان در راه مردم نیاختند.

در آن شرایط جنگیدن، خبر از دلآوری و بیباکی می داد و در این شرایط، آباد کردن، خبر از وجدان انقلابی می دهد. جوانان ما، ارتش استبداد را شجاعانه درهم کوبیدند و رفتاری یکی از نامتساوی ترین جنگهای عصر حاضر شدند، تمام کوچه ها و محله های شهرها را از وجود دشمن پاک کردند، به سربازان و افسران خوب وطن، آن مقدار هشیاری ملی دادند که به سوی ملت بیباک و در کنار ملت بجنگند و آنگاه به پادشاهان و سوارت بی ما نشدند و به خاطر حفظ پایگاه های خود و اطمینان قطعی به پیروزی تفنگ ها و مسلسل ها را به خانه ها بردند، تیرها را شادمانه خالی کردند و در جشن میانه راه انقلاب صدای هزاران تیر در فضا پیچید و هزاران سرباز زده شده از بند، از سربازخانه ها گریختند و به خانه ها پناهنده شدند و اینها همه به هنگام، درست بود و خوب اما حقیقت این است که فردا، با زاین ملت باید سرباز خوب بطلبید، فشنسنگ بخواهد تا این بار، پاسداران حقیقی مرزها را در ارتش ملی خود گرد آورید و اینجاست که دیگر ادامه ی شلیک های هوایی، مردم انقلابی را غمزه می کند.

فروتنانه غرق در سپاسگزاریست و این سپاس -

نظم پاسداران دستاوردهای انقلاب است

گزاره‌ها به هزار زبان، بیا نمی‌کند، اما تا اینکه نمی‌ترتیب، در کنار هم زمان خود، به نوسازی فرهنگی، توانند بسیار نوجوانانی با شکره فشنگ‌های مملکت اجتماعی و اقتصادی کشور قیام کنند. رابی جهت خالی می‌کنند و وقتی را که باید صرف تولید کنند. به مصرف بیهوده‌ی تولیدات آمریکا یسی. یعنی همین فشنگ‌ها - می‌رسانند.

آیا به راستی همه‌ی نوجوانانی که مرتباً "فشنگ‌ها را خالی می‌کنند، به دقت می‌دانند که قیمت هر فشنگ، برابر نمی‌توانند دست تک‌تک کودکان را از ماشه‌های فشنگ‌ها با ارزش چند ساعت کاریک کارگر بی‌توای کوره‌های آجر - بزی ست؟ آیا می‌دانند و با خالی می‌کنند؟

و از این مهم‌تر آیا می‌دانند که اگر امروز استین‌ها را با نزنند و به تولید هر چه بیشتر مواد غذایی نپردازند، فردا باید حتی به خاطر گندم و برنج، به گدایی در خانه‌ی بیگانگان بروند؟

اگر لحظه‌ی بیشتر درنگ کنیم، بیم آن می‌رود که انقلاب به‌بازی انقلابی تبدیل شود. و باز، کارخانه‌های سلحه - سازی غرب جشن خواهند گرفتند چرا که ما برای نگهبانی میهن به چیزهایی احتیاج داریم که هنوز تولیدکننده‌ی آنها نیستیم. هر ماشین، هر بنا، هر تکه کاغذ و هر فشنگ چیزی ست که کارگران ما به خاطر خریدن آنها، جان کنده‌اند و درونج کشیده‌اند و مالیات داده‌اند.

از این پس، هر سنگی که به سوی شیشه‌ی پرتاب شود سنگی ست که دست‌سرمایه‌دار تولیدکننده‌ی شیشه، آن را پرتاب کرده‌است یا دستی که از هیچ اندیشه‌ی فرمانبرداری نمی‌کنند و مغزهای تهی، فقط محمول فرهنگ استعمار است و آلت فعل استعمار، نه چیزی بیشتر.

امروز، دهقانان ایرانی، برای زنده ماندن، آسمی خوا و دانه و ابزار کار، شادی کردن بر گردن پادشاهی استبداد که به آنها آب و دانه و ابزار نمی‌دهد، وقتی را که صرف پای - کوبیدن به گردن پادشاهی استبداد می‌کنیم، صرف آن با نکردن زمین‌ها کنیم، صرف نجات دادن دهقانان و صرف خوشبخت درود از جان برخاسته‌ی خود را به روان تا آینده‌ی جان باختگان کردن کودکان کارگران و روستائیان.

یک جوان دلاور انقلابی، امروز نباید حتی دقیقه‌ی از وقتش را تباه کند و به بیهوده بگذراند. او باید به روستا برود و جنگ بزرگ را با زمین آغاز کند جنگی به خاطر رویانیدن، بارور ساختن و سایه گستردن جنگی که ایران را به راستی ایران کندنه بیشتر از این ویران. یا باید مطالعه و جستجوی سریع و دائمی، یک جهت سیاسی ملی و میهنی را برگزیند و خود را، تمام نیرو و قدرت تفکر و کارایی خود را در اختیار آن جهت سیاسی بگذارد و بکوشد که هر چه زودتر، در قلب تشکیلاتی جای بگیرد که "کلا" و جزء "در خدمت ملت است و میهن‌دوست است"

بیرون رانند و به این گفته "جان بخشیدند که دست خداوند همیشه همراه با ملت" است. این دست بود که بگونه‌ی مثنی سنگین بزی پیشانی ستمگر خود کا مهای فرود آمد و او را تا آنسوی باختر پرتاب کرد.

جبهه ملی ایران در این پگاه روشن و امیدآفرین آزادی راه انقلابی ایران پیشکش می‌کند و یکبار دیگر ما ننسند هزاران بار گذشته در پیشگاه والای خداوند دادگستر سوگند می‌خوریم که راه خود را که راه انقلاب، راه مصدق و راه همه‌ی جان باختگان راه آزادی و استقلال است پی‌گیر و در این راه از هیچ ایثاری دریغ نوزد.

"نفت برای ما در آمد نیست در واقع برداشتن سرمایه‌ای است که از قرون گذشته برای ما به ارث مانده‌است. ما نباید مثل یک میراث‌خوار این سرمایه را هدر بدهیم"

دکتر کریم سنجابی
"اکنون در پرتو انقلاب اسلامی ایران، این فرصت پدید آمده که بنیادیک ارتش نو ملی را بنهیم، ارتشی که بتواند از ملت حمایت کند و در مقابل دشمنان وطن ایستادگی" داریوش فروهر

پیروز باد ملت